
شکست تنهایی

1- مستدرک الوسایل، ج ۳، ص ۱۷۵ ۱. میرزا حسین نوری

5. گفت وگو با کدام خدا

راهبرد جلسه

در این جلسه به تبیین این موضوع می پردازیم که خداوند متعال "أرحم الرَّاحمین" است. نه تنها نباید از او ترسید؛ بلکه بهترین دوست و همدم ما می باشد .

جذابیت اولیه

پیش از اینها فکر می کردم خان----ه ای دارد کن----ار ابره----ا

ط--لامث--ل قص--ر پادش--اه قص--ه ه--اخش--تی از الم--اس، خش--تی از

پایه های برجش از ع-اج و بلور سر تختی نشست باغرور

م--اه ب--رق ک--وچکی از ت--اج اوه-ر س-تاره پ-ولکی از ت-اج او

ه-ر س-تاره پ-ولکی از ت-اج اوم--اه ب--رق ک--وچکی از ت--اج او

اطل---س پی---راهن او آس---مان نق--ش روی دام--ن او کهکش--ان

رعد و برق شب ،طنین خندهاش س---یل و طوف---ان، نع---ره توفن---ده اش

دکم---ه پی--راهن او آفت--اب ب-رق تی-غ خنج-ر او ماهتاب

هیچکس از جای او آگاه نیس-ت هیچکس را در حضورش راه نیست

پیش از اینها خاطرم دلگیر ب-ود از خ--دا در ذه--نم ای--ن تص--ویر ب--ود

آن خدا بی رحم بود و خشمگین خان---ه اش در آس---مان، دور از زم---ین

ب--ود، ام--ا در می--ان م--ا نب--ود مهرب--ان و س--اده و زیب--ا نب--ود

در دل او دوستی جایی نداش-ت مهرب--انی ه--یچ معن--ایی نداش--ت

هرچه می پرس-ید م از خ-و د از خ-د ا از زم---ین از آس---مان از ابره---ا زود م--ی گفتن--د ای--ن ک--ار خداس--ت پرس وجو از کار او کاری خطاست با همین قصه دلم مشغول ب-ود خواب هایم، خواب دیو و غول ب-ود خواب می دیدم که غ-رق آتش-م در ده---ان اژده---ای سرکش---م

ص: 21

نی--ت م--ن، در نم--از و در دع--ا ت--رس ب--ود و وحش--ت از خش--م خ--دا

هرچه می کردم همه از ت-ر س ب-و د مث--ل از ب--ر ک--ردن ی--ک درس ب--ود تلخ، مثل خن-ده ای ب-ی حوص-له س--خت، مث--ل ح--ل ص--دها مس--ئله تا که یک شب دست در دس-ت پ-در راه افت--ادم ب--ه قص--د ی--ک س--فر

خان--ه ای دی--دیم، خ--وب و آش--نادر می--ان راه، در ی--ک روس--تا

گفت: اینجا خان-ه خ-وب خداس-ت زود پرسیدم پدر اینج-ا کجاس-ت؟

خانه اش اینجاست اینجا در زمین؟گفتمش پس آن خدای خش-مگی ن

ف-رشه-ایش از گل- یم و بوریاس- تگفت: آری خان-ه او ب-ی ریاس-ت

مث--ل ن--وری در دل آیین--ه اس--ت مهربان و ساده و بی کینه اس-ت

ن--ام او ن--ور و نش--انش روش--نی عادت او نیست خشم و دشمنی

مث--ل قه--ر مهرب--ان م--ادر اس--ت قهر او، از آشتی شیرین تر اس-ت

ای--ن خ--دای مهرب--ان و آشناس--ت تازه فهمیدم خدایم، ای-ن خداس-ت

از رگ گ--ردن ب--ه م--ن نزدی--کت--ردوستی، از من به من نزدیک تر

دوست باشم دوست، پاک و بی ریامی توانم بعد از این، با این خ-دا

ص--اف و س--اده مث--ل بلب--ل ح--رف زدمی توان درب-اره گ-ل ح-رف زد

ب--ا الفب--ای س--کوت، آواز خوان--دمی توان تصنیفی از پرواز خوان-د

ب--ا زب--انی ب--ی الفب--ا ح--رف زدمی توان مثل علف ه-ا ح-رف زد

م--ی ت--وان ش--عری خی--ال انگی--ز گف--تمی ت-وان درب-اره هرچی-ز گف-ت

پیش از اینها فکر می ک-ردم خ-دا (1)مث--ل ای--ن ش--عر روان و آش--نا

سؤال

به نظرشما کدام خدا، خدای واقعی است؟ خدایی که می شود با او راحت حرف زد یا خدایی که ارتباط با او سخت و بی فایده است .

1- قیصرامین پور

خدا در قرآن

قرآن کریم، او را اینگونه معرفی می کند:

"بسم الرحمن الرحیم"(1) خدایی که همیشه و همه جا رحمت و مهربانی اش شامل حال همه بندگانش می باشد؛

"هو الَّذِی یَقْبَلُ التوبهَ عَن عِبَاده"(2)؛ خدا، کسی است که همیشه توبه بندگانش را پذیراست؛

"إنَّ لَغَفُورٌ رَحِیمٌ "؛(3)خدایی که همیشه می بخشد و با مهربانی برخورد می کند؛

و امیرالمؤمنان(ع) خدای متعال را این گونه معرفی می کند: "یا مَ-نْ سَ-بَقَتْ رَحْمَتُ-هُ غَضَ-بَه"(4)؛ خدایی که رحمت، لطف و مهربانی اش، همیشه بر خشم و غضبش پیشی گرفته است.

خدایا ،به ما کمک کن تا آنگونه که هستی بشناسیمت.

ص: 23

1- ابتدای همهٔ سوره ها .
2- شوری: ۲۵.
3- نحل: ۱۸.
4- دعای کمیل

6. بهترین هم کلام

راهبرد جلسه

در این جلسه، به تبین این موضوع می پردازیم که عاشق و معشوق به دنبال فرصتی برای هم کلام شدن می گردند .این مطلب در قالب داستانی کوتاه و آیاتی از قرآن کریم ارائه می شود.

جذابیت اولیه

جذابیت اولیه (1)

کشتی در یک سفر دریایی در میان طوفان شکست و غرق شد. تنها دو مرد توانس-تند نج-ات پیدا کنند و شنا کنان خود را به جزیره کوچکی برسانند. آن دو هیچ چاره ای ندیدن-د ج-ز دع-اکردن و کمک خواستن از خداوند متعال. جالب اینکه، هر کدام ادعا می کردند هم کلامی بهت-رازخدا ندارد وخدا او را بیشتر دوست دارد و دعای او را زودتر اجابت خواهد کرد. تصمیم گرفتند که جزیره را به دو قسمت تقسیم کنند و هر کدام در قسمت خودش دست به دع-ا ب-ردارد ت-ابببینند کدام یک زودتر به خواسته هایش می رسد. نخستین چیزی که هردو از خدا خواستند، غذا بود .ص-بح روز بع-د م-رد اول، می-وه ای را ب-الا ی درخت-ی در قس-مت خ-ودش دی-د و ب-ا آن گرسنگی اش را بر طرف کرد؛ اما سرزمین مرد دوم هنوز خالی از هر گیاه و نعمتی ب-ود . هفت-ه بعد دو جزیره نشین احساس تنهایی کردند .مرد اول دست ب-ه دع-ا برداش-ت و از خ-دا طل-به مسر کرد. روز بعد کشتی دیگری شکست و غرق شد و تنها نجات یافته آن یک زن بود که به طرف بخشی که مرد اول قرار داشت شنا کرد. در سمت دیگر مرد دوم هنوز هیچ همراهی نداشت .

بار دیگر مرد اول از خداوند طلب لباس و غذای بیشتری نمود. در روز بعد مثل اینکه جادو شده باشد، همه چیزهایی که خواسته بود برای او فراهم میشد .اما مرد دوم هنوز هیچ چی-ز

1- مربی داستان را با جذابیت بیان کند.

نداشت .سرانجام مرد اول از خدا طلب یک کشتی نمود تا او و همس-رش آن جز ی-ره را ت-رک کنند. صبح روز بعد مرد، کشت ی را که در قسمت او لنگر انداخته بود پیدا ک-رد و ب-ا همس-رش سوار کشتی شد و تصمیم گرفتند جزیره را بدون مرد دوم ترک کنند. با خودش فکر م-یک-رد که مرد دوم شایسته دریافت نعمت های الهی نیست چرا که هیچ کدام از درخواست ه-ا ی او از طرف پروردگار پاسخ داده نشده بود. هنگامی که کشتی آماده ترک جزیره بود مرد اول ن-دا یی از آسمان شنید: "چرا همراه خود را در جزیره تنها م یگذاری؟"

مرد اول پاسخ داد: نعمت ها تنها برای من است. من تنها کسی بودم که ب-را ی آنه-ا دع-اکردم، اما دعاهای او مستجاب نشد، پس سزاوار هیچ کدام نیست؛ ندا آمد: "تو اشتباه می کنی او تنها کسی بود که من دعاهایش را مستجاب کردم و الا تو نیز هیچ کدام از نعمت های م-رادریافت نمی کردی!"

مرد پرسید: مگر او چه دعایی کرده که من باید بدهکارش باشم؟ او دعا کرد که همه دعاهای تو مستجاب شود.

در مذهب عاشقان قرار دگ-ر اس-ت وی--ن ب--اده ن--اب را خم--ار دگ--ر اس--ت هر علم که در مدرسه، حاصل گردد کار دگر است و عشق کار دگر است

دوستی پایدار

دوست، صدیق، خلیل و حبیب درست است که با هم فرق دارند، اما به دو نفری گفته می شود که بین آنها یک رابطه قلبی و تعلق خاطری وجود داشته باشد.

عزیزان من، تابه حال دوتا دوست صمیمی دیده اید؟

محبت حاکم بین دو دوست صمیمی ب-ه گون-ه ای اس-ت ک-ه هرک-دام ب-ه دنب-ال فرص-تی می گردند تا با هم صحبت کنند. نماز، قرارگاه عشقِ عاشق دل باخته حضرت حق ج-ل جلال-هاست. کسی نماز می خواند که عاشق باشد؛ چون عاشق دوست دارد ب-ا معش-وقش ه-م ک-لامباشد؛ مثل موسای کلیم: "وَکَلَّمَ موسی تکْلیما"(1)وقتی خدا از حضرت موسی(ع) پرس-ید : ای-ن

1- . "و خداوند متعال با حضرت موسی(ع) صحبت می کرد، صحبت کردنی" (نساء: .)١٦٤

چیست در دستانت؟" وَما تِلْکَ بِیَمینِکَ یا مُوسی"(1)حضرت موسی(ع) می توانست بگوید: "عص-ا " و دیگر ادامه ندهد؛ اما شروع می کند به توضیح و تفصیل دادن: "قالَ هِیَ عَصایَ أَتَوَکَّ ؤُا عَلَیْها وَأَهُشُ بِها عَلی غَنَمی وَ لِیَ فیها مَآرِبُ أُخْری"(2)؛ این عصای من است. به آن تکی-ه م-یده-م . ب-ا آن ب-رای

گوسفندانم از درختان برگ می ریزم ،و خیلی کارهای دیگر [به کمکش راه می روم، دفع دشمن می کنم و...] انجام می دهم. حضرت موسی(ع) چون عاشق خدای متعال بود، همیشه به دنبال فرصتی می گشت تا با خدا بیشتر گفت وگو کند؛ چون خدا را از همه چی-ز و هم-ه ک-س بیش-تردوست داشت: " وَّ الذینَ آمَنُوا أَشَدحُباّ للِه ".(3) نماز، یعنی همکلامی با بهترین .

شما چقدر دوست دارید با خدا همکلام شوید؟

خدایا ،به ما توفیق بده تا از صحبت با تو لذت ببریم. آمین .

1- طه : 17.
2- طه: 18.
3- "کسانیکه خدای متعال را باور دارند، او را از همه چیز بیشتر دوست دارند" (بقره: ١٦٥

7. بهترین ارتباط

راهبرد جلسه

ارتباط با خداوند متعال در صدر تعالیم قرآنی قرار دارد و سرلوحه برنامه همه انبیا و اولیا، ایجاد ارتباط بین بنده و معبود بوده است.

در این درس به یاری خدا، سعی می کنیم با بهترین نوع ارتباط آشنا شویم.

جذابیت اولیه

مربی گرامی ،ابتدا سؤالات زیر را پشت سر هم و سریع از دانش آموزان بپرسد .

خلیل ا، روح ا، ذبیح ا، حبیب ا، لقب کدامی ک از انبیای عظام می باشد؟

در صورت متوجه نشدن دانش آموزان، به صورت واضح تر سؤالات را طرح ک-رده، از آن-ان پاسخ را بخواهد .

- خلیل ا لقب کدام یک از انبیای عظام می باشد و به چه معناست؟ حضرت ابراهیم(ع)، دوست خدا.

- روح ا لقب کدام یک از انبیای عظام می باشد و به چه معناست؟ حضرت عیسی(ع)به معنای نسیم الهی.

- ذبیح ا لقب کدام یک از انبیای عظام می باشد و به چه معناست؟ حضرت اسماعیل(ع)، قربانی در راه خدا.

- حبیب ا لقب کدام یک از انبیای عظام می باشد و به چه معناست؟ حضرت محمد(ص)، محبوب خدا .

دوستان من، همانطور که می بینید تمامی این القاب به کلمه "ا"جلَّ جلاله اضافه شده است. این به معنای ارتباط عمیق و قوی بین بهترین ها با خدای متع-ال م-ی باش-د و بر اس-اسقوت و ضعف همین ارتباط، این القاب به انبیا نسبت داده شده است. ش-اهد ب-ر اینک-ه خ-اتم الانبیا(ص)

محبوب خداوند متعال است ،این فرمایش است که: "أَنَّهُ سَيِّدُ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ وَأَنَّهُ سَيِّدُ الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِين"؛ شهادت می دهیم پیامبر اکرم(ص) آقا و سرور اول-ین و آخ-رین اس-ت وشهادت می دهیم آقا و سرور همه انبیا و پیامبران است .

علت این آقایی و بزرگی ارتباط عمیق و خالصانه ایشان است ،"عَبَدْ تَ مُخْلِصا حَتی أَتَ-اکَ الْیَقِینُ" و اثر و نتیجه یک چنین ارتباط بی نظیری،" فَبَلغَ ِبکَ أَفَمَحَ ِّ لِّ الْمُکَرمِینَ وَ أَعْ لَی مَنَ-اِزِلِ الْمُقَرِبِینَ وَأَرْفَعَ دَرَجَاتِ الْمُرْسَلِینَ حَیْثُ لَا یَلْحَقُکَ لَاحِقٌ وَلَایَفُوقُکَ فَائِقٌ وَلَایَسْبِقُکَ سَا بِقٌ وَلَایَطْمَعُ فِی إِدِرَاکِکَ طَامِع"" "class="content_notelink (href="#content_note_28_1">(1)

می باشد .

همه ما در ارتباط هایمان این نکته را در نظر می گیریم، با کسی ارتباط بر ق-رار کن-یم ک-ه قوی و نیرومند، مهربان و با گذشت، ثروتمند و کریم، و مانند اینها باشد .

به نظر شما غیر از خدای مهربان کسی را سراغ دارید که همه این خصوص-یات را در ح-دکمال باشد؟

همانطور که دانستید، ارتباطی بهترین خواه-د ب-ود ک-ه ص-ادقانه و خالص-انه و خ-الی از هرگونه ناخالصی باشد .به همین علت خدای متعال، خلیل، حبیب ،روح و ذبیح را ب-ه خ-ودش نسبت داده است .

بیان داستان

در زمان حضرت موسی(ع) اهل شهر از معصیت جوانی فاسق به تنگ آمدند. زمانی گذش-ت .

ازجانب خداوند به موسی خطاب شد: "موسی ،او را از این دیار بیرون کن".

از آنجا بیرونش کردند او به شهر دیگری رفت و از آنجا هم بیرونش کردند. بر فراز کوهی رفت و طولی نکشید که در غاری مریض شد، کسی نبود از او پرستاری کن-د . ج-وان ص-ورت روی خاک نهاد و عرض کرد: "پروردگار من ،اگر مادرم بر بالینم حاضر بود، برای غریبی م-ن گریه می کرد .حال که پدر و مادر را از من جدا ساختی، رحمتت را از من قطع مکن و چنانچ-ه دل من به آتش فراق آنان سوخت، به آتش غضب خود مسوزان".

چون مناجاتش را پایان برد، ازجانب پروردگار به حور و غلمان خطاب شد:

"به صورت پدر و مادر و فرزندان او درآیید و بر بالینش حاضر شوید".

جوان چشم گشود .آنان را دید و خوشحال شد و از دنیا رفت.

ص: 28

مشخصات کتاب

سرشناسه : تقی راد، حامد، 1360 -

عنوان و نام پدیدآور : شکست تنهایی: یکصد بحث کوتاه در موضوع نماز ویژه ائمه جماعات مدارس دوره دوم متوسطه/ حامد تقی راد؛ کاری از مرکز تحصصی ستاد اقامه نماز.

مشخصات نشر : تهران: ستاد اقامه نماز، 1393.

مشخصات ظاهری : 279ص.: مصور، جدول.

شابک : دوره:978-964-537-100-3 ؛ 80000ریال:978-964-537-050-1

وضعیت فهرست نویسی : فاپا

یادداشت : کتابنامه:ص.277-279؛همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع : نماز -- راهنمای آموزشی

شناسه افزوده : ستاد اقامه نماز

شناسه افزوده : ستاد اقامه نماز. مرکز تخصصی نماز

رده بندی کنگره : BP147/7/ت74ش8 1393

رده بندی دیویی : 297/35307

شماره کتابشناسی ملی : 3419138

ص: 1

1- مستدرک الوسایل، ج ۳، ص ۱۷۵ ۱. میرزا حسین نوری

5. گفت وگو با کدام خدا

راهبرد جلسه

در این جلسه به تبیین این موضوع می پردازیم که خداوند متعال "أرحم الرَّاحمین" است. نه تنها نباید از او ترسید؛ بلکه بهترین دوست و همدم ما می باشد .

جذابیت اولیه

پیش از اینها فکر می کردم خان----ه ای دارد کن----ار ابره----ا

ط--لامث--ل قص--ر پادش--اه قص--ه ه--اخش--تی از الم--اس، خش--تی از

پایه های برجش از ع-اج و بلور سر تختی نشست باغرور

م--اه ب--رق ک--وچکی از ت--اج اوه-ر س-تاره پ-ولکی از ت-اج او

ه-ر س-تاره پ-ولکی از ت-اج اوم--اه ب--رق ک--وچکی از ت--اج او

اطل---س پی---راهن او آس---مان نق--ش روی دام--ن او کهکش--ان

رعد و برق شب ،طنین خندهاش س---یل و طوف---ان، نع---ره توفن---ده اش

دکم---ه پی--راهن او آفت--اب ب-رق تی-غ خنج-ر او ماهتاب

هیچکس از جای او آگاه نیس-ت هیچکس را در حضورش راه نیست

پیش از اینها خاطرم دلگیر ب-ود از خ--دا در ذه--نم ای--ن تص--ویر ب--ود

آن خدا بی رحم بود و خشمگین خان---ه اش در آس---مان، دور از زم---ین

ب--ود، ام--ا در می--ان م--ا نب--ود مهرب--ان و س--اده و زیب--ا نب--ود

در دل او دوستی جایی نداش-ت مهرب--انی ه--یچ معن--ایی نداش--ت

هرچه می پرس-ید م از خ-و د از خ-د ا از زم---ین از آس---مان از ابره---ا زود م--ی گفتن--د ای--ن ک--ار خداس--ت پرس وجو از کار او کاری خطاست با همین قصه دلم مشغول ب-ود خواب هایم، خواب دیو و غول ب-ود خواب می دیدم که غ-رق آتش-م در ده---ان اژده---ای سرکش---م

ص: 21

نی--ت م--ن، در نم--از و در دع--ا ت--رس ب--ود و وحش--ت از خش--م خ--دا

هرچه می کردم همه از ت-ر س ب-و د مث--ل از ب--ر ک--ردن ی--ک درس ب--ود تلخ، مثل خن-ده ای ب-ی حوص-له س--خت، مث--ل ح--ل ص--دها مس--ئله تا که یک شب دست در دس-ت پ-در راه افت--ادم ب--ه قص--د ی--ک س--فر

خان--ه ای دی--دیم، خ--وب و آش--نادر می--ان راه، در ی--ک روس--تا

گفت: اینجا خان-ه خ-وب خداس-ت زود پرسیدم پدر اینج-ا کجاس-ت؟

خانه اش اینجاست اینجا در زمین؟گفتمش پس آن خدای خش-مگی ن

ف-رشه-ایش از گل- یم و بوریاس- تگفت: آری خان-ه او ب-ی ریاس-ت

مث--ل ن--وری در دل آیین--ه اس--ت مهربان و ساده و بی کینه اس-ت

ن--ام او ن--ور و نش--انش روش--نی عادت او نیست خشم و دشمنی

مث--ل قه--ر مهرب--ان م--ادر اس--ت قهر او، از آشتی شیرین تر اس-ت

ای--ن خ--دای مهرب--ان و آشناس--ت تازه فهمیدم خدایم، ای-ن خداس-ت

از رگ گ--ردن ب--ه م--ن نزدی--کت--ردوستی، از من به من نزدیک تر

دوست باشم دوست، پاک و بی ریامی توانم بعد از این، با این خ-دا

ص--اف و س--اده مث--ل بلب--ل ح--رف زدمی توان درب-اره گ-ل ح-رف زد

ب--ا الفب--ای س--کوت، آواز خوان--دمی توان تصنیفی از پرواز خوان-د

ب--ا زب--انی ب--ی الفب--ا ح--رف زدمی توان مثل علف ه-ا ح-رف زد

م--ی ت--وان ش--عری خی--ال انگی--ز گف--تمی ت-وان درب-اره هرچی-ز گف-ت

پیش از اینها فکر می ک-ردم خ-دا (1)مث--ل ای--ن ش--عر روان و آش--نا

سؤال

به نظرشما کدام خدا، خدای واقعی است؟ خدایی که می شود با او راحت حرف زد یا خدایی که ارتباط با او سخت و بی فایده است .

1- قیصرامین پور

خدا در قرآن

قرآن کریم، او را اینگونه معرفی می کند:

"بسم الرحمن الرحیم"(1) خدایی که همیشه و همه جا رحمت و مهربانی اش شامل حال همه بندگانش می باشد؛

"هو الَّذِی یَقْبَلُ التوبهَ عَن عِبَاده"(2)؛ خدا، کسی است که همیشه توبه بندگانش را پذیراست؛

"إنَّ لَغَفُورٌ رَحِیمٌ "؛(3)خدایی که همیشه می بخشد و با مهربانی برخورد می کند؛

و امیرالمؤمنان(ع) خدای متعال را این گونه معرفی می کند: "یا مَ-نْ سَ-بَقَتْ رَحْمَتُ-هُ غَضَ-بَه"(4)؛ خدایی که رحمت، لطف و مهربانی اش، همیشه بر خشم و غضبش پیشی گرفته است.

خدایا ،به ما کمک کن تا آنگونه که هستی بشناسیمت.

ص: 23

1- ابتدای همهٔ سوره ها .
2- شوری: ۲۵.
3- نحل: ۱۸.
4- دعای کمیل

6. بهترین هم کلام

راهبرد جلسه

در این جلسه، به تبین این موضوع می پردازیم که عاشق و معشوق به دنبال فرصتی برای هم کلام شدن می گردند .این مطلب در قالب داستانی کوتاه و آیاتی از قرآن کریم ارائه می شود.

جذابیت اولیه

جذابیت اولیه (1)

کشتی در یک سفر دریایی در میان طوفان شکست و غرق شد. تنها دو مرد توانس-تند نج-ات پیدا کنند و شنا کنان خود را به جزیره کوچکی برسانند. آن دو هیچ چاره ای ندیدن-د ج-ز دع-اکردن و کمک خواستن از خداوند متعال. جالب اینکه، هر کدام ادعا می کردند هم کلامی بهت-رازخدا ندارد وخدا او را بیشتر دوست دارد و دعای او را زودتر اجابت خواهد کرد. تصمیم گرفتند که جزیره را به دو قسمت تقسیم کنند و هر کدام در قسمت خودش دست به دع-ا ب-ردارد ت-ابببینند کدام یک زودتر به خواسته هایش می رسد. نخستین چیزی که هردو از خدا خواستند، غذا بود .ص-بح روز بع-د م-رد اول، می-وه ای را ب-الا ی درخت-ی در قس-مت خ-ودش دی-د و ب-ا آن گرسنگی اش را بر طرف کرد؛ اما سرزمین مرد دوم هنوز خالی از هر گیاه و نعمتی ب-ود . هفت-ه بعد دو جزیره نشین احساس تنهایی کردند .مرد اول دست ب-ه دع-ا برداش-ت و از خ-دا طل-به مسر کرد. روز بعد کشتی دیگری شکست و غرق شد و تنها نجات یافته آن یک زن بود که به طرف بخشی که مرد اول قرار داشت شنا کرد. در سمت دیگر مرد دوم هنوز هیچ همراهی نداشت .

بار دیگر مرد اول از خداوند طلب لباس و غذای بیشتری نمود. در روز بعد مثل اینکه جادو شده باشد، همه چیزهایی که خواسته بود برای او فراهم میشد .اما مرد دوم هنوز هیچ چی-ز

1- مربی داستان را با جذابیت بیان کند.

نداشت .سرانجام مرد اول از خدا طلب یک کشتی نمود تا او و همس-رش آن جز ی-ره را ت-رک کنند. صبح روز بعد مرد، کشت ی را که در قسمت او لنگر انداخته بود پیدا ک-رد و ب-ا همس-رش سوار کشتی شد و تصمیم گرفتند جزیره را بدون مرد دوم ترک کنند. با خودش فکر م-یک-رد که مرد دوم شایسته دریافت نعمت های الهی نیست چرا که هیچ کدام از درخواست ه-ا ی او از طرف پروردگار پاسخ داده نشده بود. هنگامی که کشتی آماده ترک جزیره بود مرد اول ن-دا یی از آسمان شنید: "چرا همراه خود را در جزیره تنها م یگذاری؟"

مرد اول پاسخ داد: نعمت ها تنها برای من است. من تنها کسی بودم که ب-را ی آنه-ا دع-اکردم، اما دعاهای او مستجاب نشد، پس سزاوار هیچ کدام نیست؛ ندا آمد: "تو اشتباه می کنی او تنها کسی بود که من دعاهایش را مستجاب کردم و الا تو نیز هیچ کدام از نعمت های م-رادریافت نمی کردی!"

مرد پرسید: مگر او چه دعایی کرده که من باید بدهکارش باشم؟ او دعا کرد که همه دعاهای تو مستجاب شود.

در مذهب عاشقان قرار دگ-ر اس-ت وی--ن ب--اده ن--اب را خم--ار دگ--ر اس--ت هر علم که در مدرسه، حاصل گردد کار دگر است و عشق کار دگر است

دوستی پایدار

دوست، صدیق، خلیل و حبیب درست است که با هم فرق دارند، اما به دو نفری گفته می شود که بین آنها یک رابطه قلبی و تعلق خاطری وجود داشته باشد.

عزیزان من، تابه حال دوتا دوست صمیمی دیده اید؟

محبت حاکم بین دو دوست صمیمی ب-ه گون-ه ای اس-ت ک-ه هرک-دام ب-ه دنب-ال فرص-تی می گردند تا با هم صحبت کنند. نماز، قرارگاه عشقِ عاشق دل باخته حضرت حق ج-ل جلال-هاست. کسی نماز می خواند که عاشق باشد؛ چون عاشق دوست دارد ب-ا معش-وقش ه-م ک-لامباشد؛ مثل موسای کلیم: "وَکَلَّمَ موسی تکْلیما"(1)وقتی خدا از حضرت موسی(ع) پرس-ید : ای-ن

1- . "و خداوند متعال با حضرت موسی(ع) صحبت می کرد، صحبت کردنی" (نساء: .)١٦٤

چیست در دستانت؟" وَما تِلْکَ بِیَمینِکَ یا مُوسی"(1)حضرت موسی(ع) می توانست بگوید: "عص-ا " و دیگر ادامه ندهد؛ اما شروع می کند به توضیح و تفصیل دادن: "قالَ هِیَ عَصایَ أَتَوَکَّ ؤُا عَلَیْها وَأَهُشُ بِها عَلی غَنَمی وَ لِیَ فیها مَآرِبُ أُخْری"(2)؛ این عصای من است. به آن تکی-ه م-یده-م . ب-ا آن ب-رای

گوسفندانم از درختان برگ می ریزم ،و خیلی کارهای دیگر [به کمکش راه می روم، دفع دشمن می کنم و...] انجام می دهم. حضرت موسی(ع) چون عاشق خدای متعال بود، همیشه به دنبال فرصتی می گشت تا با خدا بیشتر گفت وگو کند؛ چون خدا را از همه چی-ز و هم-ه ک-س بیش-تردوست داشت: " وَّ الذینَ آمَنُوا أَشَدحُباّ للِه ".(3) نماز، یعنی همکلامی با بهترین .

شما چقدر دوست دارید با خدا همکلام شوید؟

خدایا ،به ما توفیق بده تا از صحبت با تو لذت ببریم. آمین .

1- طه : 17.
2- طه: 18.
3- "کسانیکه خدای متعال را باور دارند، او را از همه چیز بیشتر دوست دارند" (بقره: ١٦٥

7. بهترین ارتباط

راهبرد جلسه

ارتباط با خداوند متعال در صدر تعالیم قرآنی قرار دارد و سرلوحه برنامه همه انبیا و اولیا، ایجاد ارتباط بین بنده و معبود بوده است.

در این درس به یاری خدا، سعی می کنیم با بهترین نوع ارتباط آشنا شویم.

جذابیت اولیه

مربی گرامی ،ابتدا سؤالات زیر را پشت سر هم و سریع از دانش آموزان بپرسد .

خلیل ا، روح ا، ذبیح ا، حبیب ا، لقب کدامی ک از انبیای عظام می باشد؟

در صورت متوجه نشدن دانش آموزان، به صورت واضح تر سؤالات را طرح ک-رده، از آن-ان پاسخ را بخواهد .

- خلیل ا لقب کدام یک از انبیای عظام می باشد و به چه معناست؟ حضرت ابراهیم(ع)، دوست خدا.

- روح ا لقب کدام یک از انبیای عظام می باشد و به چه معناست؟ حضرت عیسی(ع)به معنای نسیم الهی.

- ذبیح ا لقب کدام یک از انبیای عظام می باشد و به چه معناست؟ حضرت اسماعیل(ع)، قربانی در راه خدا.

- حبیب ا لقب کدام یک از انبیای عظام می باشد و به چه معناست؟ حضرت محمد(ص)، محبوب خدا .

دوستان من، همانطور که می بینید تمامی این القاب به کلمه "ا"جلَّ جلاله اضافه شده است. این به معنای ارتباط عمیق و قوی بین بهترین ها با خدای متع-ال م-ی باش-د و بر اس-اسقوت و ضعف همین ارتباط، این القاب به انبیا نسبت داده شده است. ش-اهد ب-ر اینک-ه خ-اتم الانبیا(ص)

محبوب خداوند متعال است ،این فرمایش است که: "أَنَّهُ سَيِّدُ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ وَأَنَّهُ سَيِّدُ الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِين"؛ شهادت می دهیم پیامبر اکرم(ص) آقا و سرور اول-ین و آخ-رین اس-ت وشهادت می دهیم آقا و سرور همه انبیا و پیامبران است .

علت این آقایی و بزرگی ارتباط عمیق و خالصانه ایشان است ،"عَبَدْ تَ مُخْلِصا حَتی أَتَ-اکَ الْیَقِینُ" و اثر و نتیجه یک چنین ارتباط بی نظیری،" فَبَلغَ ِبکَ أَفَمَحَ ِّ لِّ الْمُکَرمِینَ وَ أَعْ لَی مَنَ-اِزِلِ الْمُقَرِبِینَ وَأَرْفَعَ دَرَجَاتِ الْمُرْسَلِینَ حَیْثُ لَا یَلْحَقُکَ لَاحِقٌ وَلَایَفُوقُکَ فَائِقٌ وَلَایَسْبِقُکَ سَا بِقٌ وَلَایَطْمَعُ فِی إِدِرَاکِکَ طَامِع"" "class="content_notelink (href="#content_note_28_1">(1)

می باشد .

همه ما در ارتباط هایمان این نکته را در نظر می گیریم، با کسی ارتباط بر ق-رار کن-یم ک-ه قوی و نیرومند، مهربان و با گذشت، ثروتمند و کریم، و مانند اینها باشد .

به نظر شما غیر از خدای مهربان کسی را سراغ دارید که همه این خصوص-یات را در ح-دکمال باشد؟

همانطور که دانستید، ارتباطی بهترین خواه-د ب-ود ک-ه ص-ادقانه و خالص-انه و خ-الی از هرگونه ناخالصی باشد .به همین علت خدای متعال، خلیل، حبیب ،روح و ذبیح را ب-ه خ-ودش نسبت داده است .

بیان داستان

در زمان حضرت موسی(ع) اهل شهر از معصیت جوانی فاسق به تنگ آمدند. زمانی گذش-ت .

ازجانب خداوند به موسی خطاب شد: "موسی ،او را از این دیار بیرون کن".

از آنجا بیرونش کردند او به شهر دیگری رفت و از آنجا هم بیرونش کردند. بر فراز کوهی رفت و طولی نکشید که در غاری مریض شد، کسی نبود از او پرستاری کن-د . ج-وان ص-ورت روی خاک نهاد و عرض کرد: "پروردگار من ،اگر مادرم بر بالینم حاضر بود، برای غریبی م-ن گریه می کرد .حال که پدر و مادر را از من جدا ساختی، رحمتت را از من قطع مکن و چنانچ-ه دل من به آتش فراق آنان سوخت، به آتش غضب خود مسوزان".

چون مناجاتش را پایان برد، ازجانب پروردگار به حور و غلمان خطاب شد:

"به صورت پدر و مادر و فرزندان او درآیید و بر بالینش حاضر شوید".

جوان چشم گشود .آنان را دید و خوشحال شد و از دنیا رفت.

ص: 28

اشاره

1- مستدرک الوسایل، ج ۳، ص ۱۷۵ ۱. میرزا حسین نوری

5. گفت وگو با کدام خدا

راهبرد جلسه

در این جلسه به تبیین این موضوع می پردازیم که خداوند متعال "أرحم الرَّاحمین" است. نه تنها نباید از او ترسید؛ بلکه بهترین دوست و همدم ما می باشد .

جذابیت اولیه

پیش از اینها فکر می کردم خان----ه ای دارد کن----ار ابره----ا

ط--لامث--ل قص--ر پادش--اه قص--ه ه--اخش--تی از الم--اس، خش--تی از

پایه های برجش از ع-اج و بلور سر تختی نشست باغرور

م--اه ب--رق ک--وچکی از ت--اج اوه-ر س-تاره پ-ولکی از ت-اج او

ه-ر س-تاره پ-ولکی از ت-اج اوم--اه ب--رق ک--وچکی از ت--اج او

اطل---س پی---راهن او آس---مان نق--ش روی دام--ن او کهکش--ان

رعد و برق شب ،طنین خندهاش س---یل و طوف---ان، نع---ره توفن---ده اش

دکم---ه پی--راهن او آفت--اب ب-رق تی-غ خنج-ر او ماهتاب

هیچکس از جای او آگاه نیس-ت هیچکس را در حضورش راه نیست

پیش از اینها خاطرم دلگیر ب-ود از خ--دا در ذه--نم ای--ن تص--ویر ب--ود

آن خدا بی رحم بود و خشمگین خان---ه اش در آس---مان، دور از زم---ین

ب--ود، ام--ا در می--ان م--ا نب--ود مهرب--ان و س--اده و زیب--ا نب--ود

در دل او دوستی جایی نداش-ت مهرب--انی ه--یچ معن--ایی نداش--ت

هرچه می پرس-ید م از خ-و د از خ-د ا از زم---ین از آس---مان از ابره---ا زود م--ی گفتن--د ای--ن ک--ار خداس--ت پرس وجو از کار او کاری خطاست با همین قصه دلم مشغول ب-ود خواب هایم، خواب دیو و غول ب-ود خواب می دیدم که غ-رق آتش-م در ده---ان اژده---ای سرکش---م

ص: 21

نی--ت م--ن، در نم--از و در دع--ا ت--رس ب--ود و وحش--ت از خش--م خ--دا

هرچه می کردم همه از ت-ر س ب-و د مث--ل از ب--ر ک--ردن ی--ک درس ب--ود تلخ، مثل خن-ده ای ب-ی حوص-له س--خت، مث--ل ح--ل ص--دها مس--ئله تا که یک شب دست در دس-ت پ-در راه افت--ادم ب--ه قص--د ی--ک س--فر

خان--ه ای دی--دیم، خ--وب و آش--نادر می--ان راه، در ی--ک روس--تا

گفت: اینجا خان-ه خ-وب خداس-ت زود پرسیدم پدر اینج-ا کجاس-ت؟

خانه اش اینجاست اینجا در زمین؟گفتمش پس آن خدای خش-مگی ن

ف-رشه-ایش از گل- یم و بوریاس- تگفت: آری خان-ه او ب-ی ریاس-ت

مث--ل ن--وری در دل آیین--ه اس--ت مهربان و ساده و بی کینه اس-ت

ن--ام او ن--ور و نش--انش روش--نی عادت او نیست خشم و دشمنی

مث--ل قه--ر مهرب--ان م--ادر اس--ت قهر او، از آشتی شیرین تر اس-ت

ای--ن خ--دای مهرب--ان و آشناس--ت تازه فهمیدم خدایم، ای-ن خداس-ت

از رگ گ--ردن ب--ه م--ن نزدی--کت--ردوستی، از من به من نزدیک تر

دوست باشم دوست، پاک و بی ریامی توانم بعد از این، با این خ-دا

ص--اف و س--اده مث--ل بلب--ل ح--رف زدمی توان درب-اره گ-ل ح-رف زد

ب--ا الفب--ای س--کوت، آواز خوان--دمی توان تصنیفی از پرواز خوان-د

ب--ا زب--انی ب--ی الفب--ا ح--رف زدمی توان مثل علف ه-ا ح-رف زد

م--ی ت--وان ش--عری خی--ال انگی--ز گف--تمی ت-وان درب-اره هرچی-ز گف-ت

پیش از اینها فکر می ک-ردم خ-دا (1)مث--ل ای--ن ش--عر روان و آش--نا

سؤال

به نظرشما کدام خدا، خدای واقعی است؟ خدایی که می شود با او راحت حرف زد یا خدایی که ارتباط با او سخت و بی فایده است .

1- قیصرامین پور

خدا در قرآن

قرآن کریم، او را اینگونه معرفی می کند:

"بسم الرحمن الرحیم"(1) خدایی که همیشه و همه جا رحمت و مهربانی اش شامل حال همه بندگانش می باشد؛

"هو الَّذِی یَقْبَلُ التوبهَ عَن عِبَاده"(2)؛ خدا، کسی است که همیشه توبه بندگانش را پذیراست؛

"إنَّ لَغَفُورٌ رَحِیمٌ "؛(3)خدایی که همیشه می بخشد و با مهربانی برخورد می کند؛

و امیرالمؤمنان(ع) خدای متعال را این گونه معرفی می کند: "یا مَ-نْ سَ-بَقَتْ رَحْمَتُ-هُ غَضَ-بَه"(4)؛ خدایی که رحمت، لطف و مهربانی اش، همیشه بر خشم و غضبش پیشی گرفته است.

خدایا ،به ما کمک کن تا آنگونه که هستی بشناسیمت.

ص: 23

1- ابتدای همهٔ سوره ها .
2- شوری: ۲۵.
3- نحل: ۱۸.
4- دعای کمیل

6. بهترین هم کلام

راهبرد جلسه

در این جلسه، به تبین این موضوع می پردازیم که عاشق و معشوق به دنبال فرصتی برای هم کلام شدن می گردند .این مطلب در قالب داستانی کوتاه و آیاتی از قرآن کریم ارائه می شود.

جذابیت اولیه

جذابیت اولیه (1)

کشتی در یک سفر دریایی در میان طوفان شکست و غرق شد. تنها دو مرد توانس-تند نج-ات پیدا کنند و شنا کنان خود را به جزیره کوچکی برسانند. آن دو هیچ چاره ای ندیدن-د ج-ز دع-اکردن و کمک خواستن از خداوند متعال. جالب اینکه، هر کدام ادعا می کردند هم کلامی بهت-رازخدا ندارد وخدا او را بیشتر دوست دارد و دعای او را زودتر اجابت خواهد کرد. تصمیم گرفتند که جزیره را به دو قسمت تقسیم کنند و هر کدام در قسمت خودش دست به دع-ا ب-ردارد ت-ابببینند کدام یک زودتر به خواسته هایش می رسد. نخستین چیزی که هردو از خدا خواستند، غذا بود .ص-بح روز بع-د م-رد اول، می-وه ای را ب-الا ی درخت-ی در قس-مت خ-ودش دی-د و ب-ا آن گرسنگی اش را بر طرف کرد؛ اما سرزمین مرد دوم هنوز خالی از هر گیاه و نعمتی ب-ود . هفت-ه بعد دو جزیره نشین احساس تنهایی کردند .مرد اول دست ب-ه دع-ا برداش-ت و از خ-دا طل-به مسر کرد. روز بعد کشتی دیگری شکست و غرق شد و تنها نجات یافته آن یک زن بود که به طرف بخشی که مرد اول قرار داشت شنا کرد. در سمت دیگر مرد دوم هنوز هیچ همراهی نداشت .

بار دیگر مرد اول از خداوند طلب لباس و غذای بیشتری نمود. در روز بعد مثل اینکه جادو شده باشد، همه چیزهایی که خواسته بود برای او فراهم میشد .اما مرد دوم هنوز هیچ چی-ز

1- مربی داستان را با جذابیت بیان کند.

نداشت .سرانجام مرد اول از خدا طلب یک کشتی نمود تا او و همس-رش آن جز ی-ره را ت-رک کنند. صبح روز بعد مرد، کشت ی را که در قسمت او لنگر انداخته بود پیدا ک-رد و ب-ا همس-رش سوار کشتی شد و تصمیم گرفتند جزیره را بدون مرد دوم ترک کنند. با خودش فکر م-یک-رد که مرد دوم شایسته دریافت نعمت های الهی نیست چرا که هیچ کدام از درخواست ه-ا ی او از طرف پروردگار پاسخ داده نشده بود. هنگامی که کشتی آماده ترک جزیره بود مرد اول ن-دا یی از آسمان شنید: "چرا همراه خود را در جزیره تنها م یگذاری؟"

مرد اول پاسخ داد: نعمت ها تنها برای من است. من تنها کسی بودم که ب-را ی آنه-ا دع-اکردم، اما دعاهای او مستجاب نشد، پس سزاوار هیچ کدام نیست؛ ندا آمد: "تو اشتباه می کنی او تنها کسی بود که من دعاهایش را مستجاب کردم و الا تو نیز هیچ کدام از نعمت های م-رادریافت نمی کردی!"

مرد پرسید: مگر او چه دعایی کرده که من باید بدهکارش باشم؟ او دعا کرد که همه دعاهای تو مستجاب شود.

در مذهب عاشقان قرار دگ-ر اس-ت وی--ن ب--اده ن--اب را خم--ار دگ--ر اس--ت هر علم که در مدرسه، حاصل گردد کار دگر است و عشق کار دگر است

دوستی پایدار

دوست، صدیق، خلیل و حبیب درست است که با هم فرق دارند، اما به دو نفری گفته می شود که بین آنها یک رابطه قلبی و تعلق خاطری وجود داشته باشد.

عزیزان من، تابه حال دوتا دوست صمیمی دیده اید؟

محبت حاکم بین دو دوست صمیمی ب-ه گون-ه ای اس-ت ک-ه هرک-دام ب-ه دنب-ال فرص-تی می گردند تا با هم صحبت کنند. نماز، قرارگاه عشقِ عاشق دل باخته حضرت حق ج-ل جلال-هاست. کسی نماز می خواند که عاشق باشد؛ چون عاشق دوست دارد ب-ا معش-وقش ه-م ک-لامباشد؛ مثل موسای کلیم: "وَکَلَّمَ موسی تکْلیما"(1)وقتی خدا از حضرت موسی(ع) پرس-ید : ای-ن

1- . "و خداوند متعال با حضرت موسی(ع) صحبت می کرد، صحبت کردنی" (نساء: .)١٦٤

چیست در دستانت؟" وَما تِلْکَ بِیَمینِکَ یا مُوسی"(1)حضرت موسی(ع) می توانست بگوید: "عص-ا " و دیگر ادامه ندهد؛ اما شروع می کند به توضیح و تفصیل دادن: "قالَ هِیَ عَصایَ أَتَوَکَّ ؤُا عَلَیْها وَأَهُشُ بِها عَلی غَنَمی وَ لِیَ فیها مَآرِبُ أُخْری"(2)؛ این عصای من است. به آن تکی-ه م-یده-م . ب-ا آن ب-رای

گوسفندانم از درختان برگ می ریزم ،و خیلی کارهای دیگر [به کمکش راه می روم، دفع دشمن می کنم و...] انجام می دهم. حضرت موسی(ع) چون عاشق خدای متعال بود، همیشه به دنبال فرصتی می گشت تا با خدا بیشتر گفت وگو کند؛ چون خدا را از همه چی-ز و هم-ه ک-س بیش-تردوست داشت: " وَّ الذینَ آمَنُوا أَشَدحُباّ للِه ".(3) نماز، یعنی همکلامی با بهترین .

شما چقدر دوست دارید با خدا همکلام شوید؟

خدایا ،به ما توفیق بده تا از صحبت با تو لذت ببریم. آمین .

1- طه : 17.
2- طه: 18.
3- "کسانیکه خدای متعال را باور دارند، او را از همه چیز بیشتر دوست دارند" (بقره: ١٦٥

7. بهترین ارتباط

راهبرد جلسه

ارتباط با خداوند متعال در صدر تعالیم قرآنی قرار دارد و سرلوحه برنامه همه انبیا و اولیا، ایجاد ارتباط بین بنده و معبود بوده است.

در این درس به یاری خدا، سعی می کنیم با بهترین نوع ارتباط آشنا شویم.

جذابیت اولیه

مربی گرامی ،ابتدا سؤالات زیر را پشت سر هم و سریع از دانش آموزان بپرسد .

خلیل ا، روح ا، ذبیح ا، حبیب ا، لقب کدامی ک از انبیای عظام می باشد؟

در صورت متوجه نشدن دانش آموزان، به صورت واضح تر سؤالات را طرح ک-رده، از آن-ان پاسخ را بخواهد .

- خلیل ا لقب کدام یک از انبیای عظام می باشد و به چه معناست؟ حضرت ابراهیم(ع)، دوست خدا.

- روح ا لقب کدام یک از انبیای عظام می باشد و به چه معناست؟ حضرت عیسی(ع)به معنای نسیم الهی.

- ذبیح ا لقب کدام یک از انبیای عظام می باشد و به چه معناست؟ حضرت اسماعیل(ع)، قربانی در راه خدا.

- حبیب ا لقب کدام یک از انبیای عظام می باشد و به چه معناست؟ حضرت محمد(ص)، محبوب خدا .

دوستان من، همانطور که می بینید تمامی این القاب به کلمه "ا"جلَّ جلاله اضافه شده است. این به معنای ارتباط عمیق و قوی بین بهترین ها با خدای متع-ال م-ی باش-د و بر اس-اسقوت و ضعف همین ارتباط، این القاب به انبیا نسبت داده شده است. ش-اهد ب-ر اینک-ه خ-اتم الانبیا(ص)

محبوب خداوند متعال است ،این فرمایش است که: "أَنَّهُ سَيِّدُ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ وَأَنَّهُ سَيِّدُ الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِين"؛ شهادت می دهیم پیامبر اکرم(ص) آقا و سرور اول-ین و آخ-رین اس-ت وشهادت می دهیم آقا و سرور همه انبیا و پیامبران است .

علت این آقایی و بزرگی ارتباط عمیق و خالصانه ایشان است ،"عَبَدْ تَ مُخْلِصا حَتی أَتَ-اکَ الْیَقِینُ" و اثر و نتیجه یک چنین ارتباط بی نظیری،" فَبَلغَ ِبکَ أَفَمَحَ ِّ لِّ الْمُکَرمِینَ وَ أَعْ لَی مَنَ-اِزِلِ الْمُقَرِبِینَ وَأَرْفَعَ دَرَجَاتِ الْمُرْسَلِینَ حَیْثُ لَا یَلْحَقُکَ لَاحِقٌ وَلَایَفُوقُکَ فَائِقٌ وَلَایَسْبِقُکَ سَا بِقٌ وَلَایَطْمَعُ فِی إِدِرَاکِکَ طَامِع"" "class="content_notelink (href="#content_note_28_1">(1)

می باشد .

همه ما در ارتباط هایمان این نکته را در نظر می گیریم، با کسی ارتباط بر ق-رار کن-یم ک-ه قوی و نیرومند، مهربان و با گذشت، ثروتمند و کریم، و مانند اینها باشد .

به نظر شما غیر از خدای مهربان کسی را سراغ دارید که همه این خصوص-یات را در ح-دکمال باشد؟

همانطور که دانستید، ارتباطی بهترین خواه-د ب-ود ک-ه ص-ادقانه و خالص-انه و خ-الی از هرگونه ناخالصی باشد .به همین علت خدای متعال، خلیل، حبیب ،روح و ذبیح را ب-ه خ-ودش نسبت داده است .

بیان داستان

در زمان حضرت موسی(ع) اهل شهر از معصیت جوانی فاسق به تنگ آمدند. زمانی گذش-ت .

ازجانب خداوند به موسی خطاب شد: "موسی ،او را از این دیار بیرون کن".

از آنجا بیرونش کردند او به شهر دیگری رفت و از آنجا هم بیرونش کردند. بر فراز کوهی رفت و طولی نکشید که در غاری مریض شد، کسی نبود از او پرستاری کن-د . ج-وان ص-ورت روی خاک نهاد و عرض کرد: "پروردگار من ،اگر مادرم بر بالینم حاضر بود، برای غریبی م-ن گریه می کرد .حال که پدر و مادر را از من جدا ساختی، رحمتت را از من قطع مکن و چنانچ-ه دل من به آتش فراق آنان سوخت، به آتش غضب خود مسوزان".

چون مناجاتش را پایان برد، ازجانب پروردگار به حور و غلمان خطاب شد:

"به صورت پدر و مادر و فرزندان او درآیید و بر بالینش حاضر شوید".

جوان چشم گشود .آنان را دید و خوشحال شد و از دنیا رفت.

ص: 28

1- مستدرک الوسایل، ج ۳، ص ۱۷۵ ۱. میرزا حسین نوری

5. گفت وگو با کدام خدا

راهبرد جلسه

در این جلسه به تبیین این موضوع می پردازیم که خداوند متعال "أرحم الرَّاحمین" است. نه تنها نباید از او ترسید؛ بلکه بهترین دوست و همدم ما می باشد .

جذابیت اولیه

پیش از اینها فکر می کردم خان----ه ای دارد کن----ار ابره----ا

ط--لامث--ل قص--ر پادش--اه قص--ه ه--اخش--تی از الم--اس، خش--تی از

پایه های برجش از ع-اج و بلور سر تختی نشست باغرور

م--اه ب--رق ک--وچکی از ت--اج اوه-ر س-تاره پ-ولکی از ت-اج او

ه-ر س-تاره پ-ولکی از ت-اج اوم--اه ب--رق ک--وچکی از ت--اج او

اطل---س پی---راهن او آس---مان نق--ش روی دام--ن او کهکش--ان

رعد و برق شب ،طنین خندهاش س---یل و طوف---ان، نع---ره توفن---ده اش

دکم---ه پی--راهن او آفت--اب ب-رق تی-غ خنج-ر او ماهتاب

هیچکس از جای او آگاه نیس-ت هیچکس را در حضورش راه نیست

پیش از اینها خاطرم دلگیر ب-ود از خ--دا در ذه--نم ای--ن تص--ویر ب--ود

آن خدا بی رحم بود و خشمگین خان---ه اش در آس---مان، دور از زم---ین

ب--ود، ام--ا در می--ان م--ا نب--ود مهرب--ان و س--اده و زیب--ا نب--ود

در دل او دوستی جایی نداش-ت مهرب--انی ه--یچ معن--ایی نداش--ت

هرچه می پرس-ید م از خ-و د از خ-د ا از زم---ین از آس---مان از ابره---ا زود م--ی گفتن--د ای--ن ک--ار خداس--ت پرس وجو از کار او کاری خطاست با همین قصه دلم مشغول ب-ود خواب هایم، خواب دیو و غول ب-ود خواب می دیدم که غ-رق آتش-م در ده---ان اژده---ای سرکش---م

ص: 21

نی--ت م--ن، در نم--از و در دع--ا ت--رس ب--ود و وحش--ت از خش--م خ--دا

هرچه می کردم همه از ت-ر س ب-و د مث--ل از ب--ر ک--ردن ی--ک درس ب--ود تلخ، مثل خن-ده ای ب-ی حوص-له س--خت، مث--ل ح--ل ص--دها مس--ئله تا که یک شب دست در دس-ت پ-در راه افت--ادم ب--ه قص--د ی--ک س--فر

خان--ه ای دی--دیم، خ--وب و آش--نادر می--ان راه، در ی--ک روس--تا

گفت: اینجا خان-ه خ-وب خداس-ت زود پرسیدم پدر اینج-ا کجاس-ت؟

خانه اش اینجاست اینجا در زمین؟گفتمش پس آن خدای خش-مگی ن

ف-رشه-ایش از گل- یم و بوریاس- تگفت: آری خان-ه او ب-ی ریاس-ت

مث--ل ن--وری در دل آیین--ه اس--ت مهربان و ساده و بی کینه اس-ت

ن--ام او ن--ور و نش--انش روش--نی عادت او نیست خشم و دشمنی

مث--ل قه--ر مهرب--ان م--ادر اس--ت قهر او، از آشتی شیرین تر اس-ت

ای--ن خ--دای مهرب--ان و آشناس--ت تازه فهمیدم خدایم، ای-ن خداس-ت

از رگ گ--ردن ب--ه م--ن نزدی--کت--ردوستی، از من به من نزدیک تر

دوست باشم دوست، پاک و بی ریامی توانم بعد از این، با این خ-دا

ص--اف و س--اده مث--ل بلب--ل ح--رف زدمی توان درب-اره گ-ل ح-رف زد

ب--ا الفب--ای س--کوت، آواز خوان--دمی توان تصنیفی از پرواز خوان-د

ب--ا زب--انی ب--ی الفب--ا ح--رف زدمی توان مثل علف ه-ا ح-رف زد

م--ی ت--وان ش--عری خی--ال انگی--ز گف--تمی ت-وان درب-اره هرچی-ز گف-ت

پیش از اینها فکر می ک-ردم خ-دا (1)مث--ل ای--ن ش--عر روان و آش--نا

سؤال

به نظرشما کدام خدا، خدای واقعی است؟ خدایی که می شود با او راحت حرف زد یا خدایی که ارتباط با او سخت و بی فایده است .

1- قیصرامین پور

خدا در قرآن

قرآن کریم، او را اینگونه معرفی می کند:

"بسم الرحمن الرحیم"(1) خدایی که همیشه و همه جا رحمت و مهربانی اش شامل حال همه بندگانش می باشد؛

"هو الَّذِی یَقْبَلُ التوبهَ عَن عِبَاده"(2)؛ خدا، کسی است که همیشه توبه بندگانش را پذیراست؛

"إنَّ لَغَفُورٌ رَحِیمٌ "؛(3)خدایی که همیشه می بخشد و با مهربانی برخورد می کند؛

و امیرالمؤمنان(ع) خدای متعال را این گونه معرفی می کند: "یا مَ-نْ سَ-بَقَتْ رَحْمَتُ-هُ غَضَ-بَه"(4)؛ خدایی که رحمت، لطف و مهربانی اش، همیشه بر خشم و غضبش پیشی گرفته است.

خدایا ،به ما کمک کن تا آنگونه که هستی بشناسیمت.

ص: 23

1- ابتدای همهٔ سوره ها .
2- شوری: ۲۵.
3- نحل: ۱۸.
4- دعای کمیل

6. بهترین هم کلام

راهبرد جلسه

در این جلسه، به تبین این موضوع می پردازیم که عاشق و معشوق به دنبال فرصتی برای هم کلام شدن می گردند .این مطلب در قالب داستانی کوتاه و آیاتی از قرآن کریم ارائه می شود.

جذابیت اولیه

جذابیت اولیه (1)

کشتی در یک سفر دریایی در میان طوفان شکست و غرق شد. تنها دو مرد توانس-تند نج-ات پیدا کنند و شنا کنان خود را به جزیره کوچکی برسانند. آن دو هیچ چاره ای ندیدن-د ج-ز دع-اکردن و کمک خواستن از خداوند متعال. جالب اینکه، هر کدام ادعا می کردند هم کلامی بهت-رازخدا ندارد وخدا او را بیشتر دوست دارد و دعای او را زودتر اجابت خواهد کرد. تصمیم گرفتند که جزیره را به دو قسمت تقسیم کنند و هر کدام در قسمت خودش دست به دع-ا ب-ردارد ت-ابببینند کدام یک زودتر به خواسته هایش می رسد. نخستین چیزی که هردو از خدا خواستند، غذا بود .ص-بح روز بع-د م-رد اول، می-وه ای را ب-الا ی درخت-ی در قس-مت خ-ودش دی-د و ب-ا آن گرسنگی اش را بر طرف کرد؛ اما سرزمین مرد دوم هنوز خالی از هر گیاه و نعمتی ب-ود . هفت-ه بعد دو جزیره نشین احساس تنهایی کردند .مرد اول دست ب-ه دع-ا برداش-ت و از خ-دا طل-به مسر کرد. روز بعد کشتی دیگری شکست و غرق شد و تنها نجات یافته آن یک زن بود که به طرف بخشی که مرد اول قرار داشت شنا کرد. در سمت دیگر مرد دوم هنوز هیچ همراهی نداشت .

بار دیگر مرد اول از خداوند طلب لباس و غذای بیشتری نمود. در روز بعد مثل اینکه جادو شده باشد، همه چیزهایی که خواسته بود برای او فراهم میشد .اما مرد دوم هنوز هیچ چی-ز

1- مربی داستان را با جذابیت بیان کند.

نداشت .سرانجام مرد اول از خدا طلب یک کشتی نمود تا او و همس-رش آن جز ی-ره را ت-رک کنند. صبح روز بعد مرد، کشت ی را که در قسمت او لنگر انداخته بود پیدا ک-رد و ب-ا همس-رش سوار کشتی شد و تصمیم گرفتند جزیره را بدون مرد دوم ترک کنند. با خودش فکر م-یک-رد که مرد دوم شایسته دریافت نعمت های الهی نیست چرا که هیچ کدام از درخواست ه-ا ی او از طرف پروردگار پاسخ داده نشده بود. هنگامی که کشتی آماده ترک جزیره بود مرد اول ن-دا یی از آسمان شنید: "چرا همراه خود را در جزیره تنها م یگذاری؟"

مرد اول پاسخ داد: نعمت ها تنها برای من است. من تنها کسی بودم که ب-را ی آنه-ا دع-اکردم، اما دعاهای او مستجاب نشد، پس سزاوار هیچ کدام نیست؛ ندا آمد: "تو اشتباه می کنی او تنها کسی بود که من دعاهایش را مستجاب کردم و الا تو نیز هیچ کدام از نعمت های م-رادریافت نمی کردی!"

مرد پرسید: مگر او چه دعایی کرده که من باید بدهکارش باشم؟ او دعا کرد که همه دعاهای تو مستجاب شود.

در مذهب عاشقان قرار دگ-ر اس-ت وی--ن ب--اده ن--اب را خم--ار دگ--ر اس--ت هر علم که در مدرسه، حاصل گردد کار دگر است و عشق کار دگر است

دوستی پایدار

دوست، صدیق، خلیل و حبیب درست است که با هم فرق دارند، اما به دو نفری گفته می شود که بین آنها یک رابطه قلبی و تعلق خاطری وجود داشته باشد.

عزیزان من، تابه حال دوتا دوست صمیمی دیده اید؟

محبت حاکم بین دو دوست صمیمی ب-ه گون-ه ای اس-ت ک-ه هرک-دام ب-ه دنب-ال فرص-تی می گردند تا با هم صحبت کنند. نماز، قرارگاه عشقِ عاشق دل باخته حضرت حق ج-ل جلال-هاست. کسی نماز می خواند که عاشق باشد؛ چون عاشق دوست دارد ب-ا معش-وقش ه-م ک-لامباشد؛ مثل موسای کلیم: "وَکَلَّمَ موسی تکْلیما"(1)وقتی خدا از حضرت موسی(ع) پرس-ید : ای-ن

1- . "و خداوند متعال با حضرت موسی(ع) صحبت می کرد، صحبت کردنی" (نساء: .)١٦٤

چیست در دستانت؟" وَما تِلْکَ بِیَمینِکَ یا مُوسی"(1)حضرت موسی(ع) می توانست بگوید: "عص-ا " و دیگر ادامه ندهد؛ اما شروع می کند به توضیح و تفصیل دادن: "قالَ هِیَ عَصایَ أَتَوَکَّ ؤُا عَلَیْها وَأَهُشُ بِها عَلی غَنَمی وَ لِیَ فیها مَآرِبُ أُخْری"(2)؛ این عصای من است. به آن تکی-ه م-یده-م . ب-ا آن ب-رای

گوسفندانم از درختان برگ می ریزم ،و خیلی کارهای دیگر [به کمکش راه می روم، دفع دشمن می کنم و...] انجام می دهم. حضرت موسی(ع) چون عاشق خدای متعال بود، همیشه به دنبال فرصتی می گشت تا با خدا بیشتر گفت وگو کند؛ چون خدا را از همه چی-ز و هم-ه ک-س بیش-تردوست داشت: " وَّ الذینَ آمَنُوا أَشَدحُباّ للِه ".(3) نماز، یعنی همکلامی با بهترین .

شما چقدر دوست دارید با خدا همکلام شوید؟

خدایا ،به ما توفیق بده تا از صحبت با تو لذت ببریم. آمین .

1- طه : 17.
2- طه: 18.
3- "کسانیکه خدای متعال را باور دارند، او را از همه چیز بیشتر دوست دارند" (بقره: ١٦٥

7. بهترین ارتباط

راهبرد جلسه

ارتباط با خداوند متعال در صدر تعالیم قرآنی قرار دارد و سرلوحه برنامه همه انبیا و اولیا، ایجاد ارتباط بین بنده و معبود بوده است.

در این درس به یاری خدا، سعی می کنیم با بهترین نوع ارتباط آشنا شویم.

جذابیت اولیه

مربی گرامی ،ابتدا سؤالات زیر را پشت سر هم و سریع از دانش آموزان بپرسد .

خلیل ا، روح ا، ذبیح ا، حبیب ا، لقب کدامی ک از انبیای عظام می باشد؟

در صورت متوجه نشدن دانش آموزان، به صورت واضح تر سؤالات را طرح ک-رده، از آن-ان پاسخ را بخواهد .

- خلیل ا لقب کدام یک از انبیای عظام می باشد و به چه معناست؟ حضرت ابراهیم(ع)، دوست خدا.

- روح ا لقب کدام یک از انبیای عظام می باشد و به چه معناست؟ حضرت عیسی(ع)به معنای نسیم الهی.

- ذبیح ا لقب کدام یک از انبیای عظام می باشد و به چه معناست؟ حضرت اسماعیل(ع)، قربانی در راه خدا.

- حبیب ا لقب کدام یک از انبیای عظام می باشد و به چه معناست؟ حضرت محمد(ص)، محبوب خدا .

دوستان من، همانطور که می بینید تمامی این القاب به کلمه "ا"جلَّ جلاله اضافه شده است. این به معنای ارتباط عمیق و قوی بین بهترین ها با خدای متع-ال م-ی باش-د و بر اس-اسقوت و ضعف همین ارتباط، این القاب به انبیا نسبت داده شده است. ش-اهد ب-ر اینک-ه خ-اتم الانبیا(ص)

محبوب خداوند متعال است ،این فرمایش است که: "أَنَّهُ سَيِّدُ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ وَأَنَّهُ سَيِّدُ الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِين"؛ شهادت می دهیم پیامبر اکرم(ص) آقا و سرور اول-ین و آخ-رین اس-ت وشهادت می دهیم آقا و سرور همه انبیا و پیامبران است .

علت این آقایی و بزرگی ارتباط عمیق و خالصانه ایشان است ،"عَبَدْ تَ مُخْلِصا حَتی أَتَ-اکَ الْیَقِینُ" و اثر و نتیجه یک چنین ارتباط بی نظیری،" فَبَلغَ ِبکَ أَفَمَحَ ِّ لِّ الْمُکَرمِینَ وَ أَعْ لَی مَنَ-اِزِلِ الْمُقَرِبِینَ وَأَرْفَعَ دَرَجَاتِ الْمُرْسَلِینَ حَیْثُ لَا یَلْحَقُکَ لَاحِقٌ وَلَایَفُوقُکَ فَائِقٌ وَلَایَسْبِقُکَ سَا بِقٌ وَلَایَطْمَعُ فِی إِدِرَاکِکَ طَامِع"" "class="content_notelink (href="#content_note_28_1">(1)

می باشد .

همه ما در ارتباط هایمان این نکته را در نظر می گیریم، با کسی ارتباط بر ق-رار کن-یم ک-ه قوی و نیرومند، مهربان و با گذشت، ثروتمند و کریم، و مانند اینها باشد .

به نظر شما غیر از خدای مهربان کسی را سراغ دارید که همه این خصوص-یات را در ح-دکمال باشد؟

همانطور که دانستید، ارتباطی بهترین خواه-د ب-ود ک-ه ص-ادقانه و خالص-انه و خ-الی از هرگونه ناخالصی باشد .به همین علت خدای متعال، خلیل، حبیب ،روح و ذبیح را ب-ه خ-ودش نسبت داده است .

بیان داستان

در زمان حضرت موسی(ع) اهل شهر از معصیت جوانی فاسق به تنگ آمدند. زمانی گذش-ت .

ازجانب خداوند به موسی خطاب شد: "موسی ،او را از این دیار بیرون کن".

از آنجا بیرونش کردند او به شهر دیگری رفت و از آنجا هم بیرونش کردند. بر فراز کوهی رفت و طولی نکشید که در غاری مریض شد، کسی نبود از او پرستاری کن-د . ج-وان ص-ورت روی خاک نهاد و عرض کرد: "پروردگار من ،اگر مادرم بر بالینم حاضر بود، برای غریبی م-ن گریه می کرد .حال که پدر و مادر را از من جدا ساختی، رحمتت را از من قطع مکن و چنانچ-ه دل من به آتش فراق آنان سوخت، به آتش غضب خود مسوزان".

چون مناجاتش را پایان برد، ازجانب پروردگار به حور و غلمان خطاب شد:

"به صورت پدر و مادر و فرزندان او درآیید و بر بالینش حاضر شوید".

جوان چشم گشود .آنان را دید و خوشحال شد و از دنیا رفت.

ص: 28

1- مستدرک الوسایل، ج ۳، ص ۱۷۵ ۱. میرزا حسین نوری

5. گفت وگو با کدام خدا

راهبرد جلسه

در این جلسه به تبیین این موضوع می پردازیم که خداوند متعال "أرحم الرَّاحمین" است. نه تنها نباید از او ترسید؛ بلکه بهترین دوست و همدم ما می باشد .

جذابیت اولیه

پیش از اینها فکر می کردم خان----ه ای دارد کن----ار ابره----ا

ط--لامث--ل قص--ر پادش--اه قص--ه ه--اخش--تی از الم--اس، خش--تی از

پایه های برجش از ع-اج و بلور سر تختی نشست باغرور

م--اه ب--رق ک--وچکی از ت--اج اوه-ر س-تاره پ-ولکی از ت-اج او

ه-ر س-تاره پ-ولکی از ت-اج اوم--اه ب--رق ک--وچکی از ت--اج او

اطل---س پی---راهن او آس---مان نق--ش روی دام--ن او کهکش--ان

رعد و برق شب ،طنین خندهاش س---یل و طوف---ان، نع---ره توفن---ده اش

دکم---ه پی--راهن او آفت--اب ب-رق تی-غ خنج-ر او ماهتاب

هیچکس از جای او آگاه نیس-ت هیچکس را در حضورش راه نیست

پیش از اینها خاطرم دلگیر ب-ود از خ--دا در ذه--نم ای--ن تص--ویر ب--ود

آن خدا بی رحم بود و خشمگین خان---ه اش در آس---مان، دور از زم---ین

ب--ود، ام--ا در می--ان م--ا نب--ود مهرب--ان و س--اده و زیب--ا نب--ود

در دل او دوستی جایی نداش-ت مهرب--انی ه--یچ معن--ایی نداش--ت

هرچه می پرس-ید م از خ-و د از خ-د ا از زم---ین از آس---مان از ابره---ا زود م--ی گفتن--د ای--ن ک--ار خداس--ت پرس وجو از کار او کاری خطاست با همین قصه دلم مشغول ب-ود خواب هایم، خواب دیو و غول ب-ود خواب می دیدم که غ-رق آتش-م در ده---ان اژده---ای سرکش---م

ص: 21

نی--ت م--ن، در نم--از و در دع--ا ت--رس ب--ود و وحش--ت از خش--م خ--دا

هرچه می کردم همه از ت-ر س ب-و د مث--ل از ب--ر ک--ردن ی--ک درس ب--ود تلخ، مثل خن-ده ای ب-ی حوص-له س--خت، مث--ل ح--ل ص--دها مس--ئله تا که یک شب دست در دس-ت پ-در راه افت--ادم ب--ه قص--د ی--ک س--فر

خان--ه ای دی--دیم، خ--وب و آش--نادر می--ان راه، در ی--ک روس--تا

گفت: اینجا خان-ه خ-وب خداس-ت زود پرسیدم پدر اینج-ا کجاس-ت؟

خانه اش اینجاست اینجا در زمین؟گفتمش پس آن خدای خش-مگی ن

ف-رشه-ایش از گل- یم و بوریاس- تگفت: آری خان-ه او ب-ی ریاس-ت

مث--ل ن--وری در دل آیین--ه اس--ت مهربان و ساده و بی کینه اس-ت

ن--ام او ن--ور و نش--انش روش--نی عادت او نیست خشم و دشمنی

مث--ل قه--ر مهرب--ان م--ادر اس--ت قهر او، از آشتی شیرین تر اس-ت

ای--ن خ--دای مهرب--ان و آشناس--ت تازه فهمیدم خدایم، ای-ن خداس-ت

از رگ گ--ردن ب--ه م--ن نزدی--کت--ردوستی، از من به من نزدیک تر

دوست باشم دوست، پاک و بی ریامی توانم بعد از این، با این خ-دا

ص--اف و س--اده مث--ل بلب--ل ح--رف زدمی توان درب-اره گ-ل ح-رف زد

ب--ا الفب--ای س--کوت، آواز خوان--دمی توان تصنیفی از پرواز خوان-د

ب--ا زب--انی ب--ی الفب--ا ح--رف زدمی توان مثل علف ه-ا ح-رف زد

م--ی ت--وان ش--عری خی--ال انگی--ز گف--تمی ت-وان درب-اره هرچی-ز گف-ت

پیش از اینها فکر می ک-ردم خ-دا (1)مث--ل ای--ن ش--عر روان و آش--نا

سؤال

به نظرشما کدام خدا، خدای واقعی است؟ خدایی که می شود با او راحت حرف زد یا خدایی که ارتباط با او سخت و بی فایده است .

1- قیصرامین پور

خدا در قرآن

قرآن کریم، او را اینگونه معرفی می کند:

"بسم الرحمن الرحیم"(1) خدایی که همیشه و همه جا رحمت و مهربانی اش شامل حال همه بندگانش می باشد؛

"هو الَّذِی یَقْبَلُ التوبهَ عَن عِبَاده"(2)؛ خدا، کسی است که همیشه توبه بندگانش را پذیراست؛

"إنَّ لَغَفُورٌ رَحِیمٌ "؛(3)خدایی که همیشه می بخشد و با مهربانی برخورد می کند؛

و امیرالمؤمنان(ع) خدای متعال را این گونه معرفی می کند: "یا مَ-نْ سَ-بَقَتْ رَحْمَتُ-هُ غَضَ-بَه"(4)؛ خدایی که رحمت، لطف و مهربانی اش، همیشه بر خشم و غضبش پیشی گرفته است.

خدایا ،به ما کمک کن تا آنگونه که هستی بشناسیمت.

ص: 23

1- ابتدای همهٔ سوره ها .
2- شوری: ۲۵.
3- نحل: ۱۸.
4- دعای کمیل

6. بهترین هم کلام

راهبرد جلسه

در این جلسه، به تبین این موضوع می پردازیم که عاشق و معشوق به دنبال فرصتی برای هم کلام شدن می گردند .این مطلب در قالب داستانی کوتاه و آیاتی از قرآن کریم ارائه می شود.

جذابیت اولیه

جذابیت اولیه (1)

کشتی در یک سفر دریایی در میان طوفان شکست و غرق شد. تنها دو مرد توانس-تند نج-ات پیدا کنند و شنا کنان خود را به جزیره کوچکی برسانند. آن دو هیچ چاره ای ندیدن-د ج-ز دع-اکردن و کمک خواستن از خداوند متعال. جالب اینکه، هر کدام ادعا می کردند هم کلامی بهت-رازخدا ندارد وخدا او را بیشتر دوست دارد و دعای او را زودتر اجابت خواهد کرد. تصمیم گرفتند که جزیره را به دو قسمت تقسیم کنند و هر کدام در قسمت خودش دست به دع-ا ب-ردارد ت-ابببینند کدام یک زودتر به خواسته هایش می رسد. نخستین چیزی که هردو از خدا خواستند، غذا بود .ص-بح روز بع-د م-رد اول، می-وه ای را ب-الا ی درخت-ی در قس-مت خ-ودش دی-د و ب-ا آن گرسنگی اش را بر طرف کرد؛ اما سرزمین مرد دوم هنوز خالی از هر گیاه و نعمتی ب-ود . هفت-ه بعد دو جزیره نشین احساس تنهایی کردند .مرد اول دست ب-ه دع-ا برداش-ت و از خ-دا طل-به مسر کرد. روز بعد کشتی دیگری شکست و غرق شد و تنها نجات یافته آن یک زن بود که به طرف بخشی که مرد اول قرار داشت شنا کرد. در سمت دیگر مرد دوم هنوز هیچ همراهی نداشت .

بار دیگر مرد اول از خداوند طلب لباس و غذای بیشتری نمود. در روز بعد مثل اینکه جادو شده باشد، همه چیزهایی که خواسته بود برای او فراهم میشد .اما مرد دوم هنوز هیچ چی-ز

1- مربی داستان را با جذابیت بیان کند.

نداشت .سرانجام مرد اول از خدا طلب یک کشتی نمود تا او و همس-رش آن جز ی-ره را ت-رک کنند. صبح روز بعد مرد، کشت ی را که در قسمت او لنگر انداخته بود پیدا ک-رد و ب-ا همس-رش سوار کشتی شد و تصمیم گرفتند جزیره را بدون مرد دوم ترک کنند. با خودش فکر م-یک-رد که مرد دوم شایسته دریافت نعمت های الهی نیست چرا که هیچ کدام از درخواست ه-ا ی او از طرف پروردگار پاسخ داده نشده بود. هنگامی که کشتی آماده ترک جزیره بود مرد اول ن-دا یی از آسمان شنید: "چرا همراه خود را در جزیره تنها م یگذاری؟"

مرد اول پاسخ داد: نعمت ها تنها برای من است. من تنها کسی بودم که ب-را ی آنه-ا دع-اکردم، اما دعاهای او مستجاب نشد، پس سزاوار هیچ کدام نیست؛ ندا آمد: "تو اشتباه می کنی او تنها کسی بود که من دعاهایش را مستجاب کردم و الا تو نیز هیچ کدام از نعمت های م-رادریافت نمی کردی!"

مرد پرسید: مگر او چه دعایی کرده که من باید بدهکارش باشم؟ او دعا کرد که همه دعاهای تو مستجاب شود.

در مذهب عاشقان قرار دگ-ر اس-ت وی--ن ب--اده ن--اب را خم--ار دگ--ر اس--ت هر علم که در مدرسه، حاصل گردد کار دگر است و عشق کار دگر است

دوستی پایدار

دوست، صدیق، خلیل و حبیب درست است که با هم فرق دارند، اما به دو نفری گفته می شود که بین آنها یک رابطه قلبی و تعلق خاطری وجود داشته باشد.

عزیزان من، تابه حال دوتا دوست صمیمی دیده اید؟

محبت حاکم بین دو دوست صمیمی ب-ه گون-ه ای اس-ت ک-ه هرک-دام ب-ه دنب-ال فرص-تی می گردند تا با هم صحبت کنند. نماز، قرارگاه عشقِ عاشق دل باخته حضرت حق ج-ل جلال-هاست. کسی نماز می خواند که عاشق باشد؛ چون عاشق دوست دارد ب-ا معش-وقش ه-م ک-لامباشد؛ مثل موسای کلیم: "وَکَلَّمَ موسی تکْلیما"(1)وقتی خدا از حضرت موسی(ع) پرس-ید : ای-ن

1- . "و خداوند متعال با حضرت موسی(ع) صحبت می کرد، صحبت کردنی" (نساء: .)١٦٤

چیست در دستانت؟" وَما تِلْکَ بِیَمینِکَ یا مُوسی"(1)حضرت موسی(ع) می توانست بگوید: "عص-ا " و دیگر ادامه ندهد؛ اما شروع می کند به توضیح و تفصیل دادن: "قالَ هِیَ عَصایَ أَتَوَکَّ ؤُا عَلَیْها وَأَهُشُ بِها عَلی غَنَمی وَ لِیَ فیها مَآرِبُ أُخْری"(2)؛ این عصای من است. به آن تکی-ه م-یده-م . ب-ا آن ب-رای

گوسفندانم از درختان برگ می ریزم ،و خیلی کارهای دیگر [به کمکش راه می روم، دفع دشمن می کنم و...] انجام می دهم. حضرت موسی(ع) چون عاشق خدای متعال بود، همیشه به دنبال فرصتی می گشت تا با خدا بیشتر گفت وگو کند؛ چون خدا را از همه چی-ز و هم-ه ک-س بیش-تردوست داشت: " وَّ الذینَ آمَنُوا أَشَدحُباّ للِه ".(3) نماز، یعنی همکلامی با بهترین .

شما چقدر دوست دارید با خدا همکلام شوید؟

خدایا ،به ما توفیق بده تا از صحبت با تو لذت ببریم. آمین .

1- طه : 17.
2- طه: 18.
3- "کسانیکه خدای متعال را باور دارند، او را از همه چیز بیشتر دوست دارند" (بقره: ١٦٥

7. بهترین ارتباط

راهبرد جلسه

ارتباط با خداوند متعال در صدر تعالیم قرآنی قرار دارد و سرلوحه برنامه همه انبیا و اولیا، ایجاد ارتباط بین بنده و معبود بوده است.

در این درس به یاری خدا، سعی می کنیم با بهترین نوع ارتباط آشنا شویم.

جذابیت اولیه

مربی گرامی ،ابتدا سؤالات زیر را پشت سر هم و سریع از دانش آموزان بپرسد .

خلیل ا، روح ا، ذبیح ا، حبیب ا، لقب کدامی ک از انبیای عظام می باشد؟

در صورت متوجه نشدن دانش آموزان، به صورت واضح تر سؤالات را طرح ک-رده، از آن-ان پاسخ را بخواهد .

- خلیل ا لقب کدام یک از انبیای عظام می باشد و به چه معناست؟ حضرت ابراهیم(ع)، دوست خدا.

- روح ا لقب کدام یک از انبیای عظام می باشد و به چه معناست؟ حضرت عیسی(ع)به معنای نسیم الهی.

- ذبیح ا لقب کدام یک از انبیای عظام می باشد و به چه معناست؟ حضرت اسماعیل(ع)، قربانی در راه خدا.

- حبیب ا لقب کدام یک از انبیای عظام می باشد و به چه معناست؟ حضرت محمد(ص)، محبوب خدا .

دوستان من، همانطور که می بینید تمامی این القاب به کلمه "ا"جلَّ جلاله اضافه شده است. این به معنای ارتباط عمیق و قوی بین بهترین ها با خدای متع-ال م-ی باش-د و بر اس-اسقوت و ضعف همین ارتباط، این القاب به انبیا نسبت داده شده است. ش-اهد ب-ر اینک-ه خ-اتم الانبیا(ص)

محبوب خداوند متعال است ،این فرمایش است که: "أَنَّهُ سَيِّدُ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ وَأَنَّهُ سَيِّدُ الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِين"؛ شهادت می دهیم پیامبر اکرم(ص) آقا و سرور اول-ین و آخ-رین اس-ت وشهادت می دهیم آقا و سرور همه انبیا و پیامبران است .

علت این آقایی و بزرگی ارتباط عمیق و خالصانه ایشان است ،"عَبَدْ تَ مُخْلِصا حَتی أَتَ-اکَ الْیَقِینُ" و اثر و نتیجه یک چنین ارتباط بی نظیری،" فَبَلغَ ِبکَ أَفَمَحَ ِّ لِّ الْمُکَرمِینَ وَ أَعْ لَی مَنَ-اِزِلِ الْمُقَرِبِینَ وَأَرْفَعَ دَرَجَاتِ الْمُرْسَلِینَ حَیْثُ لَا یَلْحَقُکَ لَاحِقٌ وَلَایَفُوقُکَ فَائِقٌ وَلَایَسْبِقُکَ سَا بِقٌ وَلَایَطْمَعُ فِی إِدِرَاکِکَ طَامِع"" "class="content_notelink (href="#content_note_28_1">(1)

می باشد .

همه ما در ارتباط هایمان این نکته را در نظر می گیریم، با کسی ارتباط بر ق-رار کن-یم ک-ه قوی و نیرومند، مهربان و با گذشت، ثروتمند و کریم، و مانند اینها باشد .

به نظر شما غیر از خدای مهربان کسی را سراغ دارید که همه این خصوص-یات را در ح-دکمال باشد؟

همانطور که دانستید، ارتباطی بهترین خواه-د ب-ود ک-ه ص-ادقانه و خالص-انه و خ-الی از هرگونه ناخالصی باشد .به همین علت خدای متعال، خلیل، حبیب ،روح و ذبیح را ب-ه خ-ودش نسبت داده است .

بیان داستان

در زمان حضرت موسی(ع) اهل شهر از معصیت جوانی فاسق به تنگ آمدند. زمانی گذش-ت .

ازجانب خداوند به موسی خطاب شد: "موسی ،او را از این دیار بیرون کن".

از آنجا بیرونش کردند او به شهر دیگری رفت و از آنجا هم بیرونش کردند. بر فراز کوهی رفت و طولی نکشید که در غاری مریض شد، کسی نبود از او پرستاری کن-د . ج-وان ص-ورت روی خاک نهاد و عرض کرد: "پروردگار من ،اگر مادرم بر بالینم حاضر بود، برای غریبی م-ن گریه می کرد .حال که پدر و مادر را از من جدا ساختی، رحمتت را از من قطع مکن و چنانچ-ه دل من به آتش فراق آنان سوخت، به آتش غضب خود مسوزان".

چون مناجاتش را پایان برد، ازجانب پروردگار به حور و غلمان خطاب شد:

"به صورت پدر و مادر و فرزندان او درآیید و بر بالینش حاضر شوید".

جوان چشم گشود .آنان را دید و خوشحال شد و از دنیا رفت.

ص: 28

1- مستدرک الوسایل، ج ۳، ص ۱۷۵ ۱. میرزا حسین نوری

5. گفت وگو با کدام خدا

راهبرد جلسه

در این جلسه به تبیین این موضوع می پردازیم که خداوند متعال "أرحم الرَّاحمین" است. نه تنها نباید از او ترسید؛ بلکه بهترین دوست و همدم ما می باشد .

جذابیت اولیه

پیش از اینها فکر می کردم خان----ه ای دارد کن----ار ابره----ا

ط--لامث--ل قص--ر پادش--اه قص--ه ه--اخش--تی از الم--اس، خش--تی از

پایه های برجش از ع-اج و بلور سر تختی نشست باغرور

م--اه ب--رق ک--وچکی از ت--اج اوه-ر س-تاره پ-ولکی از ت-اج او

ه-ر س-تاره پ-ولکی از ت-اج اوم--اه ب--رق ک--وچکی از ت--اج او

اطل---س پی---راهن او آس---مان نق--ش روی دام--ن او کهکش--ان

رعد و برق شب ،طنین خندهاش س---یل و طوف---ان، نع---ره توفن---ده اش

دکم---ه پی--راهن او آفت--اب ب-رق تی-غ خنج-ر او ماهتاب

هیچکس از جای او آگاه نیس-ت هیچکس را در حضورش راه نیست

پیش از اینها خاطرم دلگیر ب-ود از خ--دا در ذه--نم ای--ن تص--ویر ب--ود

آن خدا بی رحم بود و خشمگین خان---ه اش در آس---مان، دور از زم---ین

ب--ود، ام--ا در می--ان م--ا نب--ود مهرب--ان و س--اده و زیب--ا نب--ود

در دل او دوستی جایی نداش-ت مهرب--انی ه--یچ معن--ایی نداش--ت

هرچه می پرس-ید م از خ-و د از خ-د ا از زم---ین از آس---مان از ابره---ا زود م--ی گفتن--د ای--ن ک--ار خداس--ت پرس وجو از کار او کاری خطاست با همین قصه دلم مشغول ب-ود خواب هایم، خواب دیو و غول ب-ود خواب می دیدم که غ-رق آتش-م در ده---ان اژده---ای سرکش---م

ص: 21

نی--ت م--ن، در نم--از و در دع--ا ت--رس ب--ود و وحش--ت از خش--م خ--دا

هرچه می کردم همه از ت-ر س ب-و د مث--ل از ب--ر ک--ردن ی--ک درس ب--ود تلخ، مثل خن-ده ای ب-ی حوص-له س--خت، مث--ل ح--ل ص--دها مس--ئله تا که یک شب دست در دس-ت پ-در راه افت--ادم ب--ه قص--د ی--ک س--فر

خان--ه ای دی--دیم، خ--وب و آش--نادر می--ان راه، در ی--ک روس--تا

گفت: اینجا خان-ه خ-وب خداس-ت زود پرسیدم پدر اینج-ا کجاس-ت؟

خانه اش اینجاست اینجا در زمین؟گفتمش پس آن خدای خش-مگی ن

ف-رشه-ایش از گل- یم و بوریاس- تگفت: آری خان-ه او ب-ی ریاس-ت

مث--ل ن--وری در دل آیین--ه اس--ت مهربان و ساده و بی کینه اس-ت

ن--ام او ن--ور و نش--انش روش--نی عادت او نیست خشم و دشمنی

مث--ل قه--ر مهرب--ان م--ادر اس--ت قهر او، از آشتی شیرین تر اس-ت

ای--ن خ--دای مهرب--ان و آشناس--ت تازه فهمیدم خدایم، ای-ن خداس-ت

از رگ گ--ردن ب--ه م--ن نزدی--کت--ردوستی، از من به من نزدیک تر

دوست باشم دوست، پاک و بی ریامی توانم بعد از این، با این خ-دا

ص--اف و س--اده مث--ل بلب--ل ح--رف زدمی توان درب-اره گ-ل ح-رف زد

ب--ا الفب--ای س--کوت، آواز خوان--دمی توان تصنیفی از پرواز خوان-د

ب--ا زب--انی ب--ی الفب--ا ح--رف زدمی توان مثل علف ه-ا ح-رف زد

م--ی ت--وان ش--عری خی--ال انگی--ز گف--تمی ت-وان درب-اره هرچی-ز گف-ت

پیش از اینها فکر می ک-ردم خ-دا (1)مث--ل ای--ن ش--عر روان و آش--نا

سؤال

به نظرشما کدام خدا، خدای واقعی است؟ خدایی که می شود با او راحت حرف زد یا خدایی که ارتباط با او سخت و بی فایده است .

1- قیصرامین پور

خدا در قرآن

قرآن کریم، او را اینگونه معرفی می کند:

"بسم الرحمن الرحیم"(1) خدایی که همیشه و همه جا رحمت و مهربانی اش شامل حال همه بندگانش می باشد؛

"هو الَّذِی یَقْبَلُ التوبهَ عَن عِبَاده"(2)؛ خدا، کسی است که همیشه توبه بندگانش را پذیراست؛

"إنَّ لَغَفُورٌ رَحِیمٌ "؛(3)خدایی که همیشه می بخشد و با مهربانی برخورد می کند؛

و امیرالمؤمنان(ع) خدای متعال را این گونه معرفی می کند: "یا مَ-نْ سَ-بَقَتْ رَحْمَتُ-هُ غَضَ-بَه"(4)؛ خدایی که رحمت، لطف و مهربانی اش، همیشه بر خشم و غضبش پیشی گرفته است.

خدایا ،به ما کمک کن تا آنگونه که هستی بشناسیمت.

ص: 23

1- ابتدای همهٔ سوره ها .
2- شوری: ۲۵.
3- نحل: ۱۸.
4- دعای کمیل

6. بهترین هم کلام

راهبرد جلسه

در این جلسه، به تبین این موضوع می پردازیم که عاشق و معشوق به دنبال فرصتی برای هم کلام شدن می گردند .این مطلب در قالب داستانی کوتاه و آیاتی از قرآن کریم ارائه می شود.

جذابیت اولیه

جذابیت اولیه (1)

کشتی در یک سفر دریایی در میان طوفان شکست و غرق شد. تنها دو مرد توانس-تند نج-ات پیدا کنند و شنا کنان خود را به جزیره کوچکی برسانند. آن دو هیچ چاره ای ندیدن-د ج-ز دع-اکردن و کمک خواستن از خداوند متعال. جالب اینکه، هر کدام ادعا می کردند هم کلامی بهت-رازخدا ندارد وخدا او را بیشتر دوست دارد و دعای او را زودتر اجابت خواهد کرد. تصمیم گرفتند که جزیره را به دو قسمت تقسیم کنند و هر کدام در قسمت خودش دست به دع-ا ب-ردارد ت-ابببینند کدام یک زودتر به خواسته هایش می رسد. نخستین چیزی که هردو از خدا خواستند، غذا بود .ص-بح روز بع-د م-رد اول، می-وه ای را ب-الا ی درخت-ی در قس-مت خ-ودش دی-د و ب-ا آن گرسنگی اش را بر طرف کرد؛ اما سرزمین مرد دوم هنوز خالی از هر گیاه و نعمتی ب-ود . هفت-ه بعد دو جزیره نشین احساس تنهایی کردند .مرد اول دست ب-ه دع-ا برداش-ت و از خ-دا طل-به مسر کرد. روز بعد کشتی دیگری شکست و غرق شد و تنها نجات یافته آن یک زن بود که به طرف بخشی که مرد اول قرار داشت شنا کرد. در سمت دیگر مرد دوم هنوز هیچ همراهی نداشت .

بار دیگر مرد اول از خداوند طلب لباس و غذای بیشتری نمود. در روز بعد مثل اینکه جادو شده باشد، همه چیزهایی که خواسته بود برای او فراهم میشد .اما مرد دوم هنوز هیچ چی-ز

1- مربی داستان را با جذابیت بیان کند.

نداشت .سرانجام مرد اول از خدا طلب یک کشتی نمود تا او و همس-رش آن جز ی-ره را ت-رک کنند. صبح روز بعد مرد، کشت ی را که در قسمت او لنگر انداخته بود پیدا ک-رد و ب-ا همس-رش سوار کشتی شد و تصمیم گرفتند جزیره را بدون مرد دوم ترک کنند. با خودش فکر م-یک-رد که مرد دوم شایسته دریافت نعمت های الهی نیست چرا که هیچ کدام از درخواست ه-ا ی او از طرف پروردگار پاسخ داده نشده بود. هنگامی که کشتی آماده ترک جزیره بود مرد اول ن-دا یی از آسمان شنید: "چرا همراه خود را در جزیره تنها م یگذاری؟"

مرد اول پاسخ داد: نعمت ها تنها برای من است. من تنها کسی بودم که ب-را ی آنه-ا دع-اکردم، اما دعاهای او مستجاب نشد، پس سزاوار هیچ کدام نیست؛ ندا آمد: "تو اشتباه می کنی او تنها کسی بود که من دعاهایش را مستجاب کردم و الا تو نیز هیچ کدام از نعمت های م-رادریافت نمی کردی!"

مرد پرسید: مگر او چه دعایی کرده که من باید بدهکارش باشم؟ او دعا کرد که همه دعاهای تو مستجاب شود.

در مذهب عاشقان قرار دگ-ر اس-ت وی--ن ب--اده ن--اب را خم--ار دگ--ر اس--ت هر علم که در مدرسه، حاصل گردد کار دگر است و عشق کار دگر است

دوستی پایدار

دوست، صدیق، خلیل و حبیب درست است که با هم فرق دارند، اما به دو نفری گفته می شود که بین آنها یک رابطه قلبی و تعلق خاطری وجود داشته باشد.

عزیزان من، تابه حال دوتا دوست صمیمی دیده اید؟

محبت حاکم بین دو دوست صمیمی ب-ه گون-ه ای اس-ت ک-ه هرک-دام ب-ه دنب-ال فرص-تی می گردند تا با هم صحبت کنند. نماز، قرارگاه عشقِ عاشق دل باخته حضرت حق ج-ل جلال-هاست. کسی نماز می خواند که عاشق باشد؛ چون عاشق دوست دارد ب-ا معش-وقش ه-م ک-لامباشد؛ مثل موسای کلیم: "وَکَلَّمَ موسی تکْلیما"(1)وقتی خدا از حضرت موسی(ع) پرس-ید : ای-ن

1- . "و خداوند متعال با حضرت موسی(ع) صحبت می کرد، صحبت کردنی" (نساء: .)١٦٤

چیست در دستانت؟" وَما تِلْکَ بِیَمینِکَ یا مُوسی"(1)حضرت موسی(ع) می توانست بگوید: "عص-ا " و دیگر ادامه ندهد؛ اما شروع می کند به توضیح و تفصیل دادن: "قالَ هِیَ عَصایَ أَتَوَکَّ ؤُا عَلَیْها وَأَهُشُ بِها عَلی غَنَمی وَ لِیَ فیها مَآرِبُ أُخْری"(2)؛ این عصای من است. به آن تکی-ه م-یده-م . ب-ا آن ب-رای

گوسفندانم از درختان برگ می ریزم ،و خیلی کارهای دیگر [به کمکش راه می روم، دفع دشمن می کنم و...] انجام می دهم. حضرت موسی(ع) چون عاشق خدای متعال بود، همیشه به دنبال فرصتی می گشت تا با خدا بیشتر گفت وگو کند؛ چون خدا را از همه چی-ز و هم-ه ک-س بیش-تردوست داشت: " وَّ الذینَ آمَنُوا أَشَدحُباّ للِه ".(3) نماز، یعنی همکلامی با بهترین .

شما چقدر دوست دارید با خدا همکلام شوید؟

خدایا ،به ما توفیق بده تا از صحبت با تو لذت ببریم. آمین .

1- طه : 17.
2- طه: 18.
3- "کسانیکه خدای متعال را باور دارند، او را از همه چیز بیشتر دوست دارند" (بقره: ١٦٥

7. بهترین ارتباط

راهبرد جلسه

ارتباط با خداوند متعال در صدر تعالیم قرآنی قرار دارد و سرلوحه برنامه همه انبیا و اولیا، ایجاد ارتباط بین بنده و معبود بوده است.

در این درس به یاری خدا، سعی می کنیم با بهترین نوع ارتباط آشنا شویم.

جذابیت اولیه

مربی گرامی ،ابتدا سؤالات زیر را پشت سر هم و سریع از دانش آموزان بپرسد .

خلیل ا، روح ا، ذبیح ا، حبیب ا، لقب کدامی ک از انبیای عظام می باشد؟

در صورت متوجه نشدن دانش آموزان، به صورت واضح تر سؤالات را طرح ک-رده، از آن-ان پاسخ را بخواهد .

- خلیل ا لقب کدام یک از انبیای عظام می باشد و به چه معناست؟ حضرت ابراهیم(ع)، دوست خدا.

- روح ا لقب کدام یک از انبیای عظام می باشد و به چه معناست؟ حضرت عیسی(ع)به معنای نسیم الهی.

- ذبیح ا لقب کدام یک از انبیای عظام می باشد و به چه معناست؟ حضرت اسماعیل(ع)، قربانی در راه خدا.

- حبیب ا لقب کدام یک از انبیای عظام می باشد و به چه معناست؟ حضرت محمد(ص)، محبوب خدا .

دوستان من، همانطور که می بینید تمامی این القاب به کلمه "ا"جلَّ جلاله اضافه شده است. این به معنای ارتباط عمیق و قوی بین بهترین ها با خدای متع-ال م-ی باش-د و بر اس-اسقوت و ضعف همین ارتباط، این القاب به انبیا نسبت داده شده است. ش-اهد ب-ر اینک-ه خ-اتم الانبیا(ص)

محبوب خداوند متعال است ،این فرمایش است که: "أَنَّهُ سَيِّدُ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ وَأَنَّهُ سَيِّدُ الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِين"؛ شهادت می دهیم پیامبر اکرم(ص) آقا و سرور اول-ین و آخ-رین اس-ت وشهادت می دهیم آقا و سرور همه انبیا و پیامبران است .

علت این آقایی و بزرگی ارتباط عمیق و خالصانه ایشان است ،"عَبَدْ تَ مُخْلِصا حَتی أَتَ-اکَ الْیَقِینُ" و اثر و نتیجه یک چنین ارتباط بی نظیری،" فَبَلغَ ِبکَ أَفَمَحَ ِّ لِّ الْمُکَرمِینَ وَ أَعْ لَی مَنَ-اِزِلِ الْمُقَرِبِینَ وَأَرْفَعَ دَرَجَاتِ الْمُرْسَلِینَ حَیْثُ لَا یَلْحَقُکَ لَاحِقٌ وَلَایَفُوقُکَ فَائِقٌ وَلَایَسْبِقُکَ سَا بِقٌ وَلَایَطْمَعُ فِی إِدِرَاکِکَ طَامِع"" "class="content_notelink (href="#content_note_28_1">(1)

می باشد .

همه ما در ارتباط هایمان این نکته را در نظر می گیریم، با کسی ارتباط بر ق-رار کن-یم ک-ه قوی و نیرومند، مهربان و با گذشت، ثروتمند و کریم، و مانند اینها باشد .

به نظر شما غیر از خدای مهربان کسی را سراغ دارید که همه این خصوص-یات را در ح-دکمال باشد؟

همانطور که دانستید، ارتباطی بهترین خواه-د ب-ود ک-ه ص-ادقانه و خالص-انه و خ-الی از هرگونه ناخالصی باشد .به همین علت خدای متعال، خلیل، حبیب ،روح و ذبیح را ب-ه خ-ودش نسبت داده است .

بیان داستان

در زمان حضرت موسی(ع) اهل شهر از معصیت جوانی فاسق به تنگ آمدند. زمانی گذش-ت .

ازجانب خداوند به موسی خطاب شد: "موسی ،او را از این دیار بیرون کن".

از آنجا بیرونش کردند او به شهر دیگری رفت و از آنجا هم بیرونش کردند. بر فراز کوهی رفت و طولی نکشید که در غاری مریض شد، کسی نبود از او پرستاری کن-د . ج-وان ص-ورت روی خاک نهاد و عرض کرد: "پروردگار من ،اگر مادرم بر بالینم حاضر بود، برای غریبی م-ن گریه می کرد .حال که پدر و مادر را از من جدا ساختی، رحمتت را از من قطع مکن و چنانچ-ه دل من به آتش فراق آنان سوخت، به آتش غضب خود مسوزان".

چون مناجاتش را پایان برد، ازجانب پروردگار به حور و غلمان خطاب شد:

"به صورت پدر و مادر و فرزندان او درآیید و بر بالینش حاضر شوید".

جوان چشم گشود .آنان را دید و خوشحال شد و از دنیا رفت.

ص: 28

فهرست مطالب

مقدمه. 9

فصل اول

چرا ارتباط؟ چرا ارتباط با خدا؟ . 11

1.ارتباط .12

2.حقوق انسانها 15

3.آرامش 17

4.درد دل 19

5.گفت وگو با کدام خدا . 21

6.بهترین هم کلام..24

7.بهترین ارتباط 27

8.تن پروری و تنبلی (1) 30

9.تنبلی و تن پروری (2) 33

10.حواس پرتی از خود .35

11.زندگی سخت و بی روح 37

12.زیرآب زدن .40

13.رنگ خدا 42

14.فاصله 45

فصل دوم

چگونگی ارتباط با خدا . 49

15.گدای نابینا و روزنامه نگار 50

16.نماز واقعی 52

17.کمک به عشق .56

18.گرگ به نمازم زده است .58

19.خدای دیدنی 61

20.راننده شاکی 63

21.نماز در آیین یهود از منظر قرآن 65

1- مستدرک الوسایل، ج ۳، ص ۱۷۵ ۱. میرزا حسین نوری

5. گفت وگو با کدام خدا

راهبرد جلسه

در این جلسه به تبیین این موضوع می پردازیم که خداوند متعال "أرحم الرَّاحمین" است. نه تنها نباید از او ترسید؛ بلکه بهترین دوست و همدم ما می باشد .

جذابیت اولیه

پیش از اینها فکر می کردم خان----ه ای دارد کن----ار ابره----ا

ط--لامث--ل قص--ر پادش--اه قص--ه ه--اخش--تی از الم--اس، خش--تی از

پایه های برجش از ع-اج و بلور سر تختی نشست باغرور

م--اه ب--رق ک--وچکی از ت--اج اوه-ر س-تاره پ-ولکی از ت-اج او

ه-ر س-تاره پ-ولکی از ت-اج اوم--اه ب--رق ک--وچکی از ت--اج او

اطل---س پی---راهن او آس---مان نق--ش روی دام--ن او کهکش--ان

رعد و برق شب ،طنین خندهاش س---یل و طوف---ان، نع---ره توفن---ده اش

دکم---ه پی--راهن او آفت--اب ب-رق تی-غ خنج-ر او ماهتاب

هیچکس از جای او آگاه نیس-ت هیچکس را در حضورش راه نیست

پیش از اینها خاطرم دلگیر ب-ود از خ--دا در ذه--نم ای--ن تص--ویر ب--ود

آن خدا بی رحم بود و خشمگین خان---ه اش در آس---مان، دور از زم---ین

ب--ود، ام--ا در می--ان م--ا نب--ود مهرب--ان و س--اده و زیب--ا نب--ود

در دل او دوستی جایی نداش-ت مهرب--انی ه--یچ معن--ایی نداش--ت

هرچه می پرس-ید م از خ-و د از خ-د ا از زم---ین از آس---مان از ابره---ا زود م--ی گفتن--د ای--ن ک--ار خداس--ت پرس وجو از کار او کاری خطاست با همین قصه دلم مشغول ب-ود خواب هایم، خواب دیو و غول ب-ود خواب می دیدم که غ-رق آتش-م در ده---ان اژده---ای سرکش---م

ص: 21

نی--ت م--ن، در نم--از و در دع--ا ت--رس ب--ود و وحش--ت از خش--م خ--دا

هرچه می کردم همه از ت-ر س ب-و د مث--ل از ب--ر ک--ردن ی--ک درس ب--ود تلخ، مثل خن-ده ای ب-ی حوص-له س--خت، مث--ل ح--ل ص--دها مس--ئله تا که یک شب دست در دس-ت پ-در راه افت--ادم ب--ه قص--د ی--ک س--فر

خان--ه ای دی--دیم، خ--وب و آش--نادر می--ان راه، در ی--ک روس--تا

گفت: اینجا خان-ه خ-وب خداس-ت زود پرسیدم پدر اینج-ا کجاس-ت؟

خانه اش اینجاست اینجا در زمین؟گفتمش پس آن خدای خش-مگی ن

ف-رشه-ایش از گل- یم و بوریاس- تگفت: آری خان-ه او ب-ی ریاس-ت

مث--ل ن--وری در دل آیین--ه اس--ت مهربان و ساده و بی کینه اس-ت

ن--ام او ن--ور و نش--انش روش--نی عادت او نیست خشم و دشمنی

مث--ل قه--ر مهرب--ان م--ادر اس--ت قهر او، از آشتی شیرین تر اس-ت

ای--ن خ--دای مهرب--ان و آشناس--ت تازه فهمیدم خدایم، ای-ن خداس-ت

از رگ گ--ردن ب--ه م--ن نزدی--کت--ردوستی، از من به من نزدیک تر

دوست باشم دوست، پاک و بی ریامی توانم بعد از این، با این خ-دا

ص--اف و س--اده مث--ل بلب--ل ح--رف زدمی توان درب-اره گ-ل ح-رف زد

ب--ا الفب--ای س--کوت، آواز خوان--دمی توان تصنیفی از پرواز خوان-د

ب--ا زب--انی ب--ی الفب--ا ح--رف زدمی توان مثل علف ه-ا ح-رف زد

م--ی ت--وان ش--عری خی--ال انگی--ز گف--تمی ت-وان درب-اره هرچی-ز گف-ت

پیش از اینها فکر می ک-ردم خ-دا (1)مث--ل ای--ن ش--عر روان و آش--نا

سؤال

به نظرشما کدام خدا، خدای واقعی است؟ خدایی که می شود با او راحت حرف زد یا خدایی که ارتباط با او سخت و بی فایده است .

1- قیصرامین پور

خدا در قرآن

قرآن کریم، او را اینگونه معرفی می کند:

"بسم الرحمن الرحیم"(1) خدایی که همیشه و همه جا رحمت و مهربانی اش شامل حال همه بندگانش می باشد؛

"هو الَّذِی یَقْبَلُ التوبهَ عَن عِبَاده"(2)؛ خدا، کسی است که همیشه توبه بندگانش را پذیراست؛

"إنَّ لَغَفُورٌ رَحِیمٌ "؛(3)خدایی که همیشه می بخشد و با مهربانی برخورد می کند؛

و امیرالمؤمنان(ع) خدای متعال را این گونه معرفی می کند: "یا مَ-نْ سَ-بَقَتْ رَحْمَتُ-هُ غَضَ-بَه"(4)؛ خدایی که رحمت، لطف و مهربانی اش، همیشه بر خشم و غضبش پیشی گرفته است.

خدایا ،به ما کمک کن تا آنگونه که هستی بشناسیمت.

ص: 23

1- ابتدای همهٔ سوره ها .
2- شوری: ۲۵.
3- نحل: ۱۸.
4- دعای کمیل

6. بهترین هم کلام

راهبرد جلسه

در این جلسه، به تبین این موضوع می پردازیم که عاشق و معشوق به دنبال فرصتی برای هم کلام شدن می گردند .این مطلب در قالب داستانی کوتاه و آیاتی از قرآن کریم ارائه می شود.

جذابیت اولیه

جذابیت اولیه (1)

کشتی در یک سفر دریایی در میان طوفان شکست و غرق شد. تنها دو مرد توانس-تند نج-ات پیدا کنند و شنا کنان خود را به جزیره کوچکی برسانند. آن دو هیچ چاره ای ندیدن-د ج-ز دع-اکردن و کمک خواستن از خداوند متعال. جالب اینکه، هر کدام ادعا می کردند هم کلامی بهت-رازخدا ندارد وخدا او را بیشتر دوست دارد و دعای او را زودتر اجابت خواهد کرد. تصمیم گرفتند که جزیره را به دو قسمت تقسیم کنند و هر کدام در قسمت خودش دست به دع-ا ب-ردارد ت-ابببینند کدام یک زودتر به خواسته هایش می رسد. نخستین چیزی که هردو از خدا خواستند، غذا بود .ص-بح روز بع-د م-رد اول، می-وه ای را ب-الا ی درخت-ی در قس-مت خ-ودش دی-د و ب-ا آن گرسنگی اش را بر طرف کرد؛ اما سرزمین مرد دوم هنوز خالی از هر گیاه و نعمتی ب-ود . هفت-ه بعد دو جزیره نشین احساس تنهایی کردند .مرد اول دست ب-ه دع-ا برداش-ت و از خ-دا طل-به مسر کرد. روز بعد کشتی دیگری شکست و غرق شد و تنها نجات یافته آن یک زن بود که به طرف بخشی که مرد اول قرار داشت شنا کرد. در سمت دیگر مرد دوم هنوز هیچ همراهی نداشت .

بار دیگر مرد اول از خداوند طلب لباس و غذای بیشتری نمود. در روز بعد مثل اینکه جادو شده باشد، همه چیزهایی که خواسته بود برای او فراهم میشد .اما مرد دوم هنوز هیچ چی-ز

1- مربی داستان را با جذابیت بیان کند.

نداشت .سرانجام مرد اول از خدا طلب یک کشتی نمود تا او و همس-رش آن جز ی-ره را ت-رک کنند. صبح روز بعد مرد، کشت ی را که در قسمت او لنگر انداخته بود پیدا ک-رد و ب-ا همس-رش سوار کشتی شد و تصمیم گرفتند جزیره را بدون مرد دوم ترک کنند. با خودش فکر م-یک-رد که مرد دوم شایسته دریافت نعمت های الهی نیست چرا که هیچ کدام از درخواست ه-ا ی او از طرف پروردگار پاسخ داده نشده بود. هنگامی که کشتی آماده ترک جزیره بود مرد اول ن-دا یی از آسمان شنید: "چرا همراه خود را در جزیره تنها م یگذاری؟"

مرد اول پاسخ داد: نعمت ها تنها برای من است. من تنها کسی بودم که ب-را ی آنه-ا دع-اکردم، اما دعاهای او مستجاب نشد، پس سزاوار هیچ کدام نیست؛ ندا آمد: "تو اشتباه می کنی او تنها کسی بود که من دعاهایش را مستجاب کردم و الا تو نیز هیچ کدام از نعمت های م-رادریافت نمی کردی!"

مرد پرسید: مگر او چه دعایی کرده که من باید بدهکارش باشم؟ او دعا کرد که همه دعاهای تو مستجاب شود.

در مذهب عاشقان قرار دگ-ر اس-ت وی--ن ب--اده ن--اب را خم--ار دگ--ر اس--ت هر علم که در مدرسه، حاصل گردد کار دگر است و عشق کار دگر است

دوستی پایدار

دوست، صدیق، خلیل و حبیب درست است که با هم فرق دارند، اما به دو نفری گفته می شود که بین آنها یک رابطه قلبی و تعلق خاطری وجود داشته باشد.

عزیزان من، تابه حال دوتا دوست صمیمی دیده اید؟

محبت حاکم بین دو دوست صمیمی ب-ه گون-ه ای اس-ت ک-ه هرک-دام ب-ه دنب-ال فرص-تی می گردند تا با هم صحبت کنند. نماز، قرارگاه عشقِ عاشق دل باخته حضرت حق ج-ل جلال-هاست. کسی نماز می خواند که عاشق باشد؛ چون عاشق دوست دارد ب-ا معش-وقش ه-م ک-لامباشد؛ مثل موسای کلیم: "وَکَلَّمَ موسی تکْلیما"(1)وقتی خدا از حضرت موسی(ع) پرس-ید : ای-ن

1- . "و خداوند متعال با حضرت موسی(ع) صحبت می کرد، صحبت کردنی" (نساء: .)١٦٤

چیست در دستانت؟" وَما تِلْکَ بِیَمینِکَ یا مُوسی"(1)حضرت موسی(ع) می توانست بگوید: "عص-ا " و دیگر ادامه ندهد؛ اما شروع می کند به توضیح و تفصیل دادن: "قالَ هِیَ عَصایَ أَتَوَکَّ ؤُا عَلَیْها وَأَهُشُ بِها عَلی غَنَمی وَ لِیَ فیها مَآرِبُ أُخْری"(2)؛ این عصای من است. به آن تکی-ه م-یده-م . ب-ا آن ب-رای

گوسفندانم از درختان برگ می ریزم ،و خیلی کارهای دیگر [به کمکش راه می روم، دفع دشمن می کنم و...] انجام می دهم. حضرت موسی(ع) چون عاشق خدای متعال بود، همیشه به دنبال فرصتی می گشت تا با خدا بیشتر گفت وگو کند؛ چون خدا را از همه چی-ز و هم-ه ک-س بیش-تردوست داشت: " وَّ الذینَ آمَنُوا أَشَدحُباّ للِه ".(3) نماز، یعنی همکلامی با بهترین .

شما چقدر دوست دارید با خدا همکلام شوید؟

خدایا ،به ما توفیق بده تا از صحبت با تو لذت ببریم. آمین .

1- طه : 17.
2- طه: 18.
3- "کسانیکه خدای متعال را باور دارند، او را از همه چیز بیشتر دوست دارند" (بقره: ١٦٥

7. بهترین ارتباط

راهبرد جلسه

ارتباط با خداوند متعال در صدر تعالیم قرآنی قرار دارد و سرلوحه برنامه همه انبیا و اولیا، ایجاد ارتباط بین بنده و معبود بوده است.

در این درس به یاری خدا، سعی می کنیم با بهترین نوع ارتباط آشنا شویم.

جذابیت اولیه

مربی گرامی ،ابتدا سؤالات زیر را پشت سر هم و سریع از دانش آموزان بپرسد .

خلیل ا، روح ا، ذبیح ا، حبیب ا، لقب کدامی ک از انبیای عظام می باشد؟

در صورت متوجه نشدن دانش آموزان، به صورت واضح تر سؤالات را طرح ک-رده، از آن-ان پاسخ را بخواهد .

- خلیل ا لقب کدام یک از انبیای عظام می باشد و به چه معناست؟ حضرت ابراهیم(ع)، دوست خدا.

- روح ا لقب کدام یک از انبیای عظام می باشد و به چه معناست؟ حضرت عیسی(ع)به معنای نسیم الهی.

- ذبیح ا لقب کدام یک از انبیای عظام می باشد و به چه معناست؟ حضرت اسماعیل(ع)، قربانی در راه خدا.

- حبیب ا لقب کدام یک از انبیای عظام می باشد و به چه معناست؟ حضرت محمد(ص)، محبوب خدا .

دوستان من، همانطور که می بینید تمامی این القاب به کلمه "ا"جلَّ جلاله اضافه شده است. این به معنای ارتباط عمیق و قوی بین بهترین ها با خدای متع-ال م-ی باش-د و بر اس-اسقوت و ضعف همین ارتباط، این القاب به انبیا نسبت داده شده است. ش-اهد ب-ر اینک-ه خ-اتم الانبیا(ص)

محبوب خداوند متعال است ،این فرمایش است که: "أَنَّهُ سَيِّدُ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ وَأَنَّهُ سَيِّدُ الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِين"؛ شهادت می دهیم پیامبر اکرم(ص) آقا و سرور اول-ین و آخ-رین اس-ت وشهادت می دهیم آقا و سرور همه انبیا و پیامبران است .

علت این آقایی و بزرگی ارتباط عمیق و خالصانه ایشان است ،"عَبَدْ تَ مُخْلِصا حَتی أَتَ-اکَ الْیَقِینُ" و اثر و نتیجه یک چنین ارتباط بی نظیری،" فَبَلغَ ِبکَ أَفَمَحَ ِّ لِّ الْمُکَرمِینَ وَ أَعْ لَی مَنَ-اِزِلِ الْمُقَرِبِینَ وَأَرْفَعَ دَرَجَاتِ الْمُرْسَلِینَ حَیْثُ لَا یَلْحَقُکَ لَاحِقٌ وَلَایَفُوقُکَ فَائِقٌ وَلَایَسْبِقُکَ سَا بِقٌ وَلَایَطْمَعُ فِی إِدِرَاکِکَ طَامِع"" "class="content_notelink (href="#content_note_28_1">(1)

می باشد .

همه ما در ارتباط هایمان این نکته را در نظر می گیریم، با کسی ارتباط بر ق-رار کن-یم ک-ه قوی و نیرومند، مهربان و با گذشت، ثروتمند و کریم، و مانند اینها باشد .

به نظر شما غیر از خدای مهربان کسی را سراغ دارید که همه این خصوص-یات را در ح-دکمال باشد؟

همانطور که دانستید، ارتباطی بهترین خواه-د ب-ود ک-ه ص-ادقانه و خالص-انه و خ-الی از هرگونه ناخالصی باشد .به همین علت خدای متعال، خلیل، حبیب ،روح و ذبیح را ب-ه خ-ودش نسبت داده است .

بیان داستان

در زمان حضرت موسی(ع) اهل شهر از معصیت جوانی فاسق به تنگ آمدند. زمانی گذش-ت .

ازجانب خداوند به موسی خطاب شد: "موسی ،او را از این دیار بیرون کن".

از آنجا بیرونش کردند او به شهر دیگری رفت و از آنجا هم بیرونش کردند. بر فراز کوهی رفت و طولی نکشید که در غاری مریض شد، کسی نبود از او پرستاری کن-د . ج-وان ص-ورت روی خاک نهاد و عرض کرد: "پروردگار من ،اگر مادرم بر بالینم حاضر بود، برای غریبی م-ن گریه می کرد .حال که پدر و مادر را از من جدا ساختی، رحمتت را از من قطع مکن و چنانچ-ه دل من به آتش فراق آنان سوخت، به آتش غضب خود مسوزان".

چون مناجاتش را پایان برد، ازجانب پروردگار به حور و غلمان خطاب شد:

"به صورت پدر و مادر و فرزندان او درآیید و بر بالینش حاضر شوید".

جوان چشم گشود .آنان را دید و خوشحال شد و از دنیا رفت.

ص: 28

22.نماز مسیحیان 68

فصل سوم

چرا نماز؟ .71

23.ملاقات 72

24.بندگی مسیر پیروزی .74

25.قویترین مسکن 76

26.بهترین راه شناخت 78

27.از کوره دررفتن 80

28.نماز و دریادلی 83

29.نماز و سخاوت 85

30.نمازگزار و بخل! هرگز 87

31.سکوی پرواز 90

32.دوست همیشگی من 92

33.انسان الهی 95

34.نماز موجودی زنده 97

35.مددرسان بی نظیر 99

36.قهرمان توحید 101

37.چگونه صبور شویم؟ 103

39.وایتکس گناه 108

40.چرا هر روز نماز بخوانیم؟ .110

41.آب دریا را اگر نتوان کشید 113

42.لحظه آخر .115

فصل چهارم

راز نماز 117

43.حیا، راز نماز 118

44.رازدوستیابی 120

45.راز ولایت 122

46.استعانت 125

47.عزت یا ذلت .128

1- مستدرک الوسایل، ج ۳، ص ۱۷۵ ۱. میرزا حسین نوری

5. گفت وگو با کدام خدا

راهبرد جلسه

در این جلسه به تبیین این موضوع می پردازیم که خداوند متعال "أرحم الرَّاحمین" است. نه تنها نباید از او ترسید؛ بلکه بهترین دوست و همدم ما می باشد .

جذابیت اولیه

پیش از اینها فکر می کردم خان----ه ای دارد کن----ار ابره----ا

ط--لامث--ل قص--ر پادش--اه قص--ه ه--اخش--تی از الم--اس، خش--تی از

پایه های برجش از ع-اج و بلور سر تختی نشست باغرور

م--اه ب--رق ک--وچکی از ت--اج اوه-ر س-تاره پ-ولکی از ت-اج او

ه-ر س-تاره پ-ولکی از ت-اج اوم--اه ب--رق ک--وچکی از ت--اج او

اطل---س پی---راهن او آس---مان نق--ش روی دام--ن او کهکش--ان

رعد و برق شب ،طنین خندهاش س---یل و طوف---ان، نع---ره توفن---ده اش

دکم---ه پی--راهن او آفت--اب ب-رق تی-غ خنج-ر او ماهتاب

هیچکس از جای او آگاه نیس-ت هیچکس را در حضورش راه نیست

پیش از اینها خاطرم دلگیر ب-ود از خ--دا در ذه--نم ای--ن تص--ویر ب--ود

آن خدا بی رحم بود و خشمگین خان---ه اش در آس---مان، دور از زم---ین

ب--ود، ام--ا در می--ان م--ا نب--ود مهرب--ان و س--اده و زیب--ا نب--ود

در دل او دوستی جایی نداش-ت مهرب--انی ه--یچ معن--ایی نداش--ت

هرچه می پرس-ید م از خ-و د از خ-د ا از زم---ین از آس---مان از ابره---ا زود م--ی گفتن--د ای--ن ک--ار خداس--ت پرس وجو از کار او کاری خطاست با همین قصه دلم مشغول ب-ود خواب هایم، خواب دیو و غول ب-ود خواب می دیدم که غ-رق آتش-م در ده---ان اژده---ای سرکش---م

ص: 21

نی--ت م--ن، در نم--از و در دع--ا ت--رس ب--ود و وحش--ت از خش--م خ--دا

هرچه می کردم همه از ت-ر س ب-و د مث--ل از ب--ر ک--ردن ی--ک درس ب--ود تلخ، مثل خن-ده ای ب-ی حوص-له س--خت، مث--ل ح--ل ص--دها مس--ئله تا که یک شب دست در دس-ت پ-در راه افت--ادم ب--ه قص--د ی--ک س--فر

خان--ه ای دی--دیم، خ--وب و آش--نادر می--ان راه، در ی--ک روس--تا

گفت: اینجا خان-ه خ-وب خداس-ت زود پرسیدم پدر اینج-ا کجاس-ت؟

خانه اش اینجاست اینجا در زمین؟گفتمش پس آن خدای خش-مگی ن

ف-رشه-ایش از گل- یم و بوریاس- تگفت: آری خان-ه او ب-ی ریاس-ت

مث--ل ن--وری در دل آیین--ه اس--ت مهربان و ساده و بی کینه اس-ت

ن--ام او ن--ور و نش--انش روش--نی عادت او نیست خشم و دشمنی

مث--ل قه--ر مهرب--ان م--ادر اس--ت قهر او، از آشتی شیرین تر اس-ت

ای--ن خ--دای مهرب--ان و آشناس--ت تازه فهمیدم خدایم، ای-ن خداس-ت

از رگ گ--ردن ب--ه م--ن نزدی--کت--ردوستی، از من به من نزدیک تر

دوست باشم دوست، پاک و بی ریامی توانم بعد از این، با این خ-دا

ص--اف و س--اده مث--ل بلب--ل ح--رف زدمی توان درب-اره گ-ل ح-رف زد

ب--ا الفب--ای س--کوت، آواز خوان--دمی توان تصنیفی از پرواز خوان-د

ب--ا زب--انی ب--ی الفب--ا ح--رف زدمی توان مثل علف ه-ا ح-رف زد

م--ی ت--وان ش--عری خی--ال انگی--ز گف--تمی ت-وان درب-اره هرچی-ز گف-ت

پیش از اینها فکر می ک-ردم خ-دا (1)مث--ل ای--ن ش--عر روان و آش--نا

سؤال

به نظرشما کدام خدا، خدای واقعی است؟ خدایی که می شود با او راحت حرف زد یا خدایی که ارتباط با او سخت و بی فایده است .

1- قیصرامین پور

خدا در قرآن

قرآن کریم، او را اینگونه معرفی می کند:

"بسم الرحمن الرحیم"(1) خدایی که همیشه و همه جا رحمت و مهربانی اش شامل حال همه بندگانش می باشد؛

"هو الَّذِی یَقْبَلُ التوبهَ عَن عِبَاده"(2)؛ خدا، کسی است که همیشه توبه بندگانش را پذیراست؛

"إنَّ لَغَفُورٌ رَحِیمٌ "؛(3)خدایی که همیشه می بخشد و با مهربانی برخورد می کند؛

و امیرالمؤمنان(ع) خدای متعال را این گونه معرفی می کند: "یا مَ-نْ سَ-بَقَتْ رَحْمَتُ-هُ غَضَ-بَه"(4)؛ خدایی که رحمت، لطف و مهربانی اش، همیشه بر خشم و غضبش پیشی گرفته است.

خدایا ،به ما کمک کن تا آنگونه که هستی بشناسیمت.

ص: 23

1- ابتدای همهٔ سوره ها .
2- شوری: ۲۵.
3- نحل: ۱۸.
4- دعای کمیل

6. بهترین هم کلام

راهبرد جلسه

در این جلسه، به تبین این موضوع می پردازیم که عاشق و معشوق به دنبال فرصتی برای هم کلام شدن می گردند .این مطلب در قالب داستانی کوتاه و آیاتی از قرآن کریم ارائه می شود.

جذابیت اولیه

جذابیت اولیه (1)

کشتی در یک سفر دریایی در میان طوفان شکست و غرق شد. تنها دو مرد توانس-تند نج-ات پیدا کنند و شنا کنان خود را به جزیره کوچکی برسانند. آن دو هیچ چاره ای ندیدن-د ج-ز دع-اکردن و کمک خواستن از خداوند متعال. جالب اینکه، هر کدام ادعا می کردند هم کلامی بهت-رازخدا ندارد وخدا او را بیشتر دوست دارد و دعای او را زودتر اجابت خواهد کرد. تصمیم گرفتند که جزیره را به دو قسمت تقسیم کنند و هر کدام در قسمت خودش دست به دع-ا ب-ردارد ت-ابببینند کدام یک زودتر به خواسته هایش می رسد. نخستین چیزی که هردو از خدا خواستند، غذا بود .ص-بح روز بع-د م-رد اول، می-وه ای را ب-الا ی درخت-ی در قس-مت خ-ودش دی-د و ب-ا آن گرسنگی اش را بر طرف کرد؛ اما سرزمین مرد دوم هنوز خالی از هر گیاه و نعمتی ب-ود . هفت-ه بعد دو جزیره نشین احساس تنهایی کردند .مرد اول دست ب-ه دع-ا برداش-ت و از خ-دا طل-به مسر کرد. روز بعد کشتی دیگری شکست و غرق شد و تنها نجات یافته آن یک زن بود که به طرف بخشی که مرد اول قرار داشت شنا کرد. در سمت دیگر مرد دوم هنوز هیچ همراهی نداشت .

بار دیگر مرد اول از خداوند طلب لباس و غذای بیشتری نمود. در روز بعد مثل اینکه جادو شده باشد، همه چیزهایی که خواسته بود برای او فراهم میشد .اما مرد دوم هنوز هیچ چی-ز

1- مربی داستان را با جذابیت بیان کند.

نداشت .سرانجام مرد اول از خدا طلب یک کشتی نمود تا او و همس-رش آن جز ی-ره را ت-رک کنند. صبح روز بعد مرد، کشت ی را که در قسمت او لنگر انداخته بود پیدا ک-رد و ب-ا همس-رش سوار کشتی شد و تصمیم گرفتند جزیره را بدون مرد دوم ترک کنند. با خودش فکر م-یک-رد که مرد دوم شایسته دریافت نعمت های الهی نیست چرا که هیچ کدام از درخواست ه-ا ی او از طرف پروردگار پاسخ داده نشده بود. هنگامی که کشتی آماده ترک جزیره بود مرد اول ن-دا یی از آسمان شنید: "چرا همراه خود را در جزیره تنها م یگذاری؟"

مرد اول پاسخ داد: نعمت ها تنها برای من است. من تنها کسی بودم که ب-را ی آنه-ا دع-اکردم، اما دعاهای او مستجاب نشد، پس سزاوار هیچ کدام نیست؛ ندا آمد: "تو اشتباه می کنی او تنها کسی بود که من دعاهایش را مستجاب کردم و الا تو نیز هیچ کدام از نعمت های م-رادریافت نمی کردی!"

مرد پرسید: مگر او چه دعایی کرده که من باید بدهکارش باشم؟ او دعا کرد که همه دعاهای تو مستجاب شود.

در مذهب عاشقان قرار دگ-ر اس-ت وی--ن ب--اده ن--اب را خم--ار دگ--ر اس--ت هر علم که در مدرسه، حاصل گردد کار دگر است و عشق کار دگر است

دوستی پایدار

دوست، صدیق، خلیل و حبیب درست است که با هم فرق دارند، اما به دو نفری گفته می شود که بین آنها یک رابطه قلبی و تعلق خاطری وجود داشته باشد.

عزیزان من، تابه حال دوتا دوست صمیمی دیده اید؟

محبت حاکم بین دو دوست صمیمی ب-ه گون-ه ای اس-ت ک-ه هرک-دام ب-ه دنب-ال فرص-تی می گردند تا با هم صحبت کنند. نماز، قرارگاه عشقِ عاشق دل باخته حضرت حق ج-ل جلال-هاست. کسی نماز می خواند که عاشق باشد؛ چون عاشق دوست دارد ب-ا معش-وقش ه-م ک-لامباشد؛ مثل موسای کلیم: "وَکَلَّمَ موسی تکْلیما"(1)وقتی خدا از حضرت موسی(ع) پرس-ید : ای-ن

1- . "و خداوند متعال با حضرت موسی(ع) صحبت می کرد، صحبت کردنی" (نساء: .)١٦٤

چیست در دستانت؟" وَما تِلْکَ بِیَمینِکَ یا مُوسی"(1)حضرت موسی(ع) می توانست بگوید: "عص-ا " و دیگر ادامه ندهد؛ اما شروع می کند به توضیح و تفصیل دادن: "قالَ هِیَ عَصایَ أَتَوَکَّ ؤُا عَلَیْها وَأَهُشُ بِها عَلی غَنَمی وَ لِیَ فیها مَآرِبُ أُخْری"(2)؛ این عصای من است. به آن تکی-ه م-یده-م . ب-ا آن ب-رای

گوسفندانم از درختان برگ می ریزم ،و خیلی کارهای دیگر [به کمکش راه می روم، دفع دشمن می کنم و...] انجام می دهم. حضرت موسی(ع) چون عاشق خدای متعال بود، همیشه به دنبال فرصتی می گشت تا با خدا بیشتر گفت وگو کند؛ چون خدا را از همه چی-ز و هم-ه ک-س بیش-تردوست داشت: " وَّ الذینَ آمَنُوا أَشَدحُباّ للِه ".(3) نماز، یعنی همکلامی با بهترین .

شما چقدر دوست دارید با خدا همکلام شوید؟

خدایا ،به ما توفیق بده تا از صحبت با تو لذت ببریم. آمین .

1- طه : 17.
2- طه: 18.
3- "کسانیکه خدای متعال را باور دارند، او را از همه چیز بیشتر دوست دارند" (بقره: ١٦٥

7. بهترین ارتباط

راهبرد جلسه

ارتباط با خداوند متعال در صدر تعالیم قرآنی قرار دارد و سرلوحه برنامه همه انبیا و اولیا، ایجاد ارتباط بین بنده و معبود بوده است.

در این درس به یاری خدا، سعی می کنیم با بهترین نوع ارتباط آشنا شویم.

جذابیت اولیه

مربی گرامی ،ابتدا سؤالات زیر را پشت سر هم و سریع از دانش آموزان بپرسد .

خلیل ا، روح ا، ذبیح ا، حبیب ا، لقب کدامی ک از انبیای عظام می باشد؟

در صورت متوجه نشدن دانش آموزان، به صورت واضح تر سؤالات را طرح ک-رده، از آن-ان پاسخ را بخواهد .

- خلیل ا لقب کدام یک از انبیای عظام می باشد و به چه معناست؟ حضرت ابراهیم(ع)، دوست خدا.

- روح ا لقب کدام یک از انبیای عظام می باشد و به چه معناست؟ حضرت عیسی(ع)به معنای نسیم الهی.

- ذبیح ا لقب کدام یک از انبیای عظام می باشد و به چه معناست؟ حضرت اسماعیل(ع)، قربانی در راه خدا.

- حبیب ا لقب کدام یک از انبیای عظام می باشد و به چه معناست؟ حضرت محمد(ص)، محبوب خدا .

دوستان من، همانطور که می بینید تمامی این القاب به کلمه "ا"جلَّ جلاله اضافه شده است. این به معنای ارتباط عمیق و قوی بین بهترین ها با خدای متع-ال م-ی باش-د و بر اس-اسقوت و ضعف همین ارتباط، این القاب به انبیا نسبت داده شده است. ش-اهد ب-ر اینک-ه خ-اتم الانبیا(ص)

محبوب خداوند متعال است ،این فرمایش است که: "أَنَّهُ سَيِّدُ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ وَأَنَّهُ سَيِّدُ الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِين"؛ شهادت می دهیم پیامبر اکرم(ص) آقا و سرور اول-ین و آخ-رین اس-ت وشهادت می دهیم آقا و سرور همه انبیا و پیامبران است .

علت این آقایی و بزرگی ارتباط عمیق و خالصانه ایشان است ،"عَبَدْ تَ مُخْلِصا حَتی أَتَ-اکَ الْیَقِینُ" و اثر و نتیجه یک چنین ارتباط بی نظیری،" فَبَلغَ ِبکَ أَفَمَحَ ِّ لِّ الْمُکَرمِینَ وَ أَعْ لَی مَنَ-اِزِلِ الْمُقَرِبِینَ وَأَرْفَعَ دَرَجَاتِ الْمُرْسَلِینَ حَیْثُ لَا یَلْحَقُکَ لَاحِقٌ وَلَایَفُوقُکَ فَائِقٌ وَلَایَسْبِقُکَ سَا بِقٌ وَلَایَطْمَعُ فِی إِدِرَاکِکَ طَامِع"" "class="content_notelink (href="#content_note_28_1">(1)

می باشد .

همه ما در ارتباط هایمان این نکته را در نظر می گیریم، با کسی ارتباط بر ق-رار کن-یم ک-ه قوی و نیرومند، مهربان و با گذشت، ثروتمند و کریم، و مانند اینها باشد .

به نظر شما غیر از خدای مهربان کسی را سراغ دارید که همه این خصوص-یات را در ح-دکمال باشد؟

همانطور که دانستید، ارتباطی بهترین خواه-د ب-ود ک-ه ص-ادقانه و خالص-انه و خ-الی از هرگونه ناخالصی باشد .به همین علت خدای متعال، خلیل، حبیب ،روح و ذبیح را ب-ه خ-ودش نسبت داده است .

بیان داستان

در زمان حضرت موسی(ع) اهل شهر از معصیت جوانی فاسق به تنگ آمدند. زمانی گذش-ت .

ازجانب خداوند به موسی خطاب شد: "موسی ،او را از این دیار بیرون کن".

از آنجا بیرونش کردند او به شهر دیگری رفت و از آنجا هم بیرونش کردند. بر فراز کوهی رفت و طولی نکشید که در غاری مریض شد، کسی نبود از او پرستاری کن-د . ج-وان ص-ورت روی خاک نهاد و عرض کرد: "پروردگار من ،اگر مادرم بر بالینم حاضر بود، برای غریبی م-ن گریه می کرد .حال که پدر و مادر را از من جدا ساختی، رحمتت را از من قطع مکن و چنانچ-ه دل من به آتش فراق آنان سوخت، به آتش غضب خود مسوزان".

چون مناجاتش را پایان برد، ازجانب پروردگار به حور و غلمان خطاب شد:

"به صورت پدر و مادر و فرزندان او درآیید و بر بالینش حاضر شوید".

جوان چشم گشود .آنان را دید و خوشحال شد و از دنیا رفت.

ص: 28

48.نماز تجلی بدهکاری ما .130

49.صبر زینب 132

50.عبادت بهجز خدمت خلق نیست 135

51.شیطان که رانده گشت بهجز یک خطا نکرد 137

52.خود بینی مایه هلاکت 140

53.نماز کارخانه انسانسازی .143

54.نماز حاجت 146

55.نماز غفیله .150

56.نماز شب . 153

57.نماز استغاثه به حضرت فاطمه 156

فصل پنجم

نماز صحیح و مقبول 161

58.بدعت. 162

59.عشق واقعی.164

60.نماز در تب 24 درجه 167

61.نماز آخر . 169

62.کلید فتح نماز . 172

63.حکم قرآنی وضو و ساختمان مغز 175

64.زمان ملاقات 178

65.تظاهر به عشق.180

66.علامت مؤمن .183

67.خوش صدایی در مؤذّنّ 185

68.اخلاص)1(188

69.اخلاص)2(190

70.شیطان نمی گذارد تا صبح نماز بخوانی 192

71.نماز ریایی چیست؟ 194

72.تاریخ انقضای نماز196

73.مسیر وحدت . 199

74.نخستین سخن 200

75.تأثیر الفاظ204

76.چرا نماز را به زبان عربی بخوانیم؟ 207

77.قرائت پیامبر اکرم 210

1- مستدرک الوسایل، ج ۳، ص ۱۷۵ ۱. میرزا حسین نوری

5. گفت وگو با کدام خدا

راهبرد جلسه

در این جلسه به تبیین این موضوع می پردازیم که خداوند متعال "أرحم الرَّاحمین" است. نه تنها نباید از او ترسید؛ بلکه بهترین دوست و همدم ما می باشد .

جذابیت اولیه

پیش از اینها فکر می کردم خان----ه ای دارد کن----ار ابره----ا

ط--لامث--ل قص--ر پادش--اه قص--ه ه--اخش--تی از الم--اس، خش--تی از

پایه های برجش از ع-اج و بلور سر تختی نشست باغرور

م--اه ب--رق ک--وچکی از ت--اج اوه-ر س-تاره پ-ولکی از ت-اج او

ه-ر س-تاره پ-ولکی از ت-اج اوم--اه ب--رق ک--وچکی از ت--اج او

اطل---س پی---راهن او آس---مان نق--ش روی دام--ن او کهکش--ان

رعد و برق شب ،طنین خندهاش س---یل و طوف---ان، نع---ره توفن---ده اش

دکم---ه پی--راهن او آفت--اب ب-رق تی-غ خنج-ر او ماهتاب

هیچکس از جای او آگاه نیس-ت هیچکس را در حضورش راه نیست

پیش از اینها خاطرم دلگیر ب-ود از خ--دا در ذه--نم ای--ن تص--ویر ب--ود

آن خدا بی رحم بود و خشمگین خان---ه اش در آس---مان، دور از زم---ین

ب--ود، ام--ا در می--ان م--ا نب--ود مهرب--ان و س--اده و زیب--ا نب--ود

در دل او دوستی جایی نداش-ت مهرب--انی ه--یچ معن--ایی نداش--ت

هرچه می پرس-ید م از خ-و د از خ-د ا از زم---ین از آس---مان از ابره---ا زود م--ی گفتن--د ای--ن ک--ار خداس--ت پرس وجو از کار او کاری خطاست با همین قصه دلم مشغول ب-ود خواب هایم، خواب دیو و غول ب-ود خواب می دیدم که غ-رق آتش-م در ده---ان اژده---ای سرکش---م

ص: 21

نی--ت م--ن، در نم--از و در دع--ا ت--رس ب--ود و وحش--ت از خش--م خ--دا

هرچه می کردم همه از ت-ر س ب-و د مث--ل از ب--ر ک--ردن ی--ک درس ب--ود تلخ، مثل خن-ده ای ب-ی حوص-له س--خت، مث--ل ح--ل ص--دها مس--ئله تا که یک شب دست در دس-ت پ-در راه افت--ادم ب--ه قص--د ی--ک س--فر

خان--ه ای دی--دیم، خ--وب و آش--نادر می--ان راه، در ی--ک روس--تا

گفت: اینجا خان-ه خ-وب خداس-ت زود پرسیدم پدر اینج-ا کجاس-ت؟

خانه اش اینجاست اینجا در زمین؟گفتمش پس آن خدای خش-مگی ن

ف-رشه-ایش از گل- یم و بوریاس- تگفت: آری خان-ه او ب-ی ریاس-ت

مث--ل ن--وری در دل آیین--ه اس--ت مهربان و ساده و بی کینه اس-ت

ن--ام او ن--ور و نش--انش روش--نی عادت او نیست خشم و دشمنی

مث--ل قه--ر مهرب--ان م--ادر اس--ت قهر او، از آشتی شیرین تر اس-ت

ای--ن خ--دای مهرب--ان و آشناس--ت تازه فهمیدم خدایم، ای-ن خداس-ت

از رگ گ--ردن ب--ه م--ن نزدی--کت--ردوستی، از من به من نزدیک تر

دوست باشم دوست، پاک و بی ریامی توانم بعد از این، با این خ-دا

ص--اف و س--اده مث--ل بلب--ل ح--رف زدمی توان درب-اره گ-ل ح-رف زد

ب--ا الفب--ای س--کوت، آواز خوان--دمی توان تصنیفی از پرواز خوان-د

ب--ا زب--انی ب--ی الفب--ا ح--رف زدمی توان مثل علف ه-ا ح-رف زد

م--ی ت--وان ش--عری خی--ال انگی--ز گف--تمی ت-وان درب-اره هرچی-ز گف-ت

پیش از اینها فکر می ک-ردم خ-دا (1)مث--ل ای--ن ش--عر روان و آش--نا

سؤال

به نظرشما کدام خدا، خدای واقعی است؟ خدایی که می شود با او راحت حرف زد یا خدایی که ارتباط با او سخت و بی فایده است .

1- قیصرامین پور

خدا در قرآن

قرآن کریم، او را اینگونه معرفی می کند:

"بسم الرحمن الرحیم"(1) خدایی که همیشه و همه جا رحمت و مهربانی اش شامل حال همه بندگانش می باشد؛

"هو الَّذِی یَقْبَلُ التوبهَ عَن عِبَاده"(2)؛ خدا، کسی است که همیشه توبه بندگانش را پذیراست؛

"إنَّ لَغَفُورٌ رَحِیمٌ "؛(3)خدایی که همیشه می بخشد و با مهربانی برخورد می کند؛

و امیرالمؤمنان(ع) خدای متعال را این گونه معرفی می کند: "یا مَ-نْ سَ-بَقَتْ رَحْمَتُ-هُ غَضَ-بَه"(4)؛ خدایی که رحمت، لطف و مهربانی اش، همیشه بر خشم و غضبش پیشی گرفته است.

خدایا ،به ما کمک کن تا آنگونه که هستی بشناسیمت.

ص: 23

1- ابتدای همهٔ سوره ها .
2- شوری: ۲۵.
3- نحل: ۱۸.
4- دعای کمیل

6. بهترین هم کلام

راهبرد جلسه

در این جلسه، به تبین این موضوع می پردازیم که عاشق و معشوق به دنبال فرصتی برای هم کلام شدن می گردند .این مطلب در قالب داستانی کوتاه و آیاتی از قرآن کریم ارائه می شود.

جذابیت اولیه

جذابیت اولیه (1)

کشتی در یک سفر دریایی در میان طوفان شکست و غرق شد. تنها دو مرد توانس-تند نج-ات پیدا کنند و شنا کنان خود را به جزیره کوچکی برسانند. آن دو هیچ چاره ای ندیدن-د ج-ز دع-اکردن و کمک خواستن از خداوند متعال. جالب اینکه، هر کدام ادعا می کردند هم کلامی بهت-رازخدا ندارد وخدا او را بیشتر دوست دارد و دعای او را زودتر اجابت خواهد کرد. تصمیم گرفتند که جزیره را به دو قسمت تقسیم کنند و هر کدام در قسمت خودش دست به دع-ا ب-ردارد ت-ابببینند کدام یک زودتر به خواسته هایش می رسد. نخستین چیزی که هردو از خدا خواستند، غذا بود .ص-بح روز بع-د م-رد اول، می-وه ای را ب-الا ی درخت-ی در قس-مت خ-ودش دی-د و ب-ا آن گرسنگی اش را بر طرف کرد؛ اما سرزمین مرد دوم هنوز خالی از هر گیاه و نعمتی ب-ود . هفت-ه بعد دو جزیره نشین احساس تنهایی کردند .مرد اول دست ب-ه دع-ا برداش-ت و از خ-دا طل-به مسر کرد. روز بعد کشتی دیگری شکست و غرق شد و تنها نجات یافته آن یک زن بود که به طرف بخشی که مرد اول قرار داشت شنا کرد. در سمت دیگر مرد دوم هنوز هیچ همراهی نداشت .

بار دیگر مرد اول از خداوند طلب لباس و غذای بیشتری نمود. در روز بعد مثل اینکه جادو شده باشد، همه چیزهایی که خواسته بود برای او فراهم میشد .اما مرد دوم هنوز هیچ چی-ز

1- مربی داستان را با جذابیت بیان کند.

نداشت .سرانجام مرد اول از خدا طلب یک کشتی نمود تا او و همس-رش آن جز ی-ره را ت-رک کنند. صبح روز بعد مرد، کشت ی را که در قسمت او لنگر انداخته بود پیدا ک-رد و ب-ا همس-رش سوار کشتی شد و تصمیم گرفتند جزیره را بدون مرد دوم ترک کنند. با خودش فکر م-یک-رد که مرد دوم شایسته دریافت نعمت های الهی نیست چرا که هیچ کدام از درخواست ه-ا ی او از طرف پروردگار پاسخ داده نشده بود. هنگامی که کشتی آماده ترک جزیره بود مرد اول ن-دا یی از آسمان شنید: "چرا همراه خود را در جزیره تنها م یگذاری؟"

مرد اول پاسخ داد: نعمت ها تنها برای من است. من تنها کسی بودم که ب-را ی آنه-ا دع-اکردم، اما دعاهای او مستجاب نشد، پس سزاوار هیچ کدام نیست؛ ندا آمد: "تو اشتباه می کنی او تنها کسی بود که من دعاهایش را مستجاب کردم و الا تو نیز هیچ کدام از نعمت های م-رادریافت نمی کردی!"

مرد پرسید: مگر او چه دعایی کرده که من باید بدهکارش باشم؟ او دعا کرد که همه دعاهای تو مستجاب شود.

در مذهب عاشقان قرار دگ-ر اس-ت وی--ن ب--اده ن--اب را خم--ار دگ--ر اس--ت هر علم که در مدرسه، حاصل گردد کار دگر است و عشق کار دگر است

دوستی پایدار

دوست، صدیق، خلیل و حبیب درست است که با هم فرق دارند، اما به دو نفری گفته می شود که بین آنها یک رابطه قلبی و تعلق خاطری وجود داشته باشد.

عزیزان من، تابه حال دوتا دوست صمیمی دیده اید؟

محبت حاکم بین دو دوست صمیمی ب-ه گون-ه ای اس-ت ک-ه هرک-دام ب-ه دنب-ال فرص-تی می گردند تا با هم صحبت کنند. نماز، قرارگاه عشقِ عاشق دل باخته حضرت حق ج-ل جلال-هاست. کسی نماز می خواند که عاشق باشد؛ چون عاشق دوست دارد ب-ا معش-وقش ه-م ک-لامباشد؛ مثل موسای کلیم: "وَکَلَّمَ موسی تکْلیما"(1)وقتی خدا از حضرت موسی(ع) پرس-ید : ای-ن

1- . "و خداوند متعال با حضرت موسی(ع) صحبت می کرد، صحبت کردنی" (نساء: .)١٦٤

چیست در دستانت؟" وَما تِلْکَ بِیَمینِکَ یا مُوسی"(1)حضرت موسی(ع) می توانست بگوید: "عص-ا " و دیگر ادامه ندهد؛ اما شروع می کند به توضیح و تفصیل دادن: "قالَ هِیَ عَصایَ أَتَوَکَّ ؤُا عَلَیْها وَأَهُشُ بِها عَلی غَنَمی وَ لِیَ فیها مَآرِبُ أُخْری"(2)؛ این عصای من است. به آن تکی-ه م-یده-م . ب-ا آن ب-رای

گوسفندانم از درختان برگ می ریزم ،و خیلی کارهای دیگر [به کمکش راه می روم، دفع دشمن می کنم و...] انجام می دهم. حضرت موسی(ع) چون عاشق خدای متعال بود، همیشه به دنبال فرصتی می گشت تا با خدا بیشتر گفت وگو کند؛ چون خدا را از همه چی-ز و هم-ه ک-س بیش-تردوست داشت: " وَّ الذینَ آمَنُوا أَشَدحُباّ للِه ".(3) نماز، یعنی همکلامی با بهترین .

شما چقدر دوست دارید با خدا همکلام شوید؟

خدایا ،به ما توفیق بده تا از صحبت با تو لذت ببریم. آمین .

1- طه : 17.
2- طه: 18.
3- "کسانیکه خدای متعال را باور دارند، او را از همه چیز بیشتر دوست دارند" (بقره: ١٦٥

7. بهترین ارتباط

راهبرد جلسه

ارتباط با خداوند متعال در صدر تعالیم قرآنی قرار دارد و سرلوحه برنامه همه انبیا و اولیا، ایجاد ارتباط بین بنده و معبود بوده است.

در این درس به یاری خدا، سعی می کنیم با بهترین نوع ارتباط آشنا شویم.

جذابیت اولیه

مربی گرامی ،ابتدا سؤالات زیر را پشت سر هم و سریع از دانش آموزان بپرسد .

خلیل ا، روح ا، ذبیح ا، حبیب ا، لقب کدامی ک از انبیای عظام می باشد؟

در صورت متوجه نشدن دانش آموزان، به صورت واضح تر سؤالات را طرح ک-رده، از آن-ان پاسخ را بخواهد .

- خلیل ا لقب کدام یک از انبیای عظام می باشد و به چه معناست؟ حضرت ابراهیم(ع)، دوست خدا.

- روح ا لقب کدام یک از انبیای عظام می باشد و به چه معناست؟ حضرت عیسی(ع)به معنای نسیم الهی.

- ذبیح ا لقب کدام یک از انبیای عظام می باشد و به چه معناست؟ حضرت اسماعیل(ع)، قربانی در راه خدا.

- حبیب ا لقب کدام یک از انبیای عظام می باشد و به چه معناست؟ حضرت محمد(ص)، محبوب خدا .

دوستان من، همانطور که می بینید تمامی این القاب به کلمه "ا"جلَّ جلاله اضافه شده است. این به معنای ارتباط عمیق و قوی بین بهترین ها با خدای متع-ال م-ی باش-د و بر اس-اسقوت و ضعف همین ارتباط، این القاب به انبیا نسبت داده شده است. ش-اهد ب-ر اینک-ه خ-اتم الانبیا(ص)

محبوب خداوند متعال است ،این فرمایش است که: "أَنَّهُ سَيِّدُ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ وَأَنَّهُ سَيِّدُ الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِين"؛ شهادت می دهیم پیامبر اکرم(ص) آقا و سرور اول-ین و آخ-رین اس-ت وشهادت می دهیم آقا و سرور همه انبیا و پیامبران است .

علت این آقایی و بزرگی ارتباط عمیق و خالصانه ایشان است ،"عَبَدْ تَ مُخْلِصا حَتی أَتَ-اکَ الْیَقِینُ" و اثر و نتیجه یک چنین ارتباط بی نظیری،" فَبَلغَ ِبکَ أَفَمَحَ ِّ لِّ الْمُکَرمِینَ وَ أَعْ لَی مَنَ-اِزِلِ الْمُقَرِبِینَ وَأَرْفَعَ دَرَجَاتِ الْمُرْسَلِینَ حَیْثُ لَا یَلْحَقُکَ لَاحِقٌ وَلَایَفُوقُکَ فَائِقٌ وَلَایَسْبِقُکَ سَا بِقٌ وَلَایَطْمَعُ فِی إِدِرَاکِکَ طَامِع"" "class="content_notelink (href="#content_note_28_1">(1)

می باشد .

همه ما در ارتباط هایمان این نکته را در نظر می گیریم، با کسی ارتباط بر ق-رار کن-یم ک-ه قوی و نیرومند، مهربان و با گذشت، ثروتمند و کریم، و مانند اینها باشد .

به نظر شما غیر از خدای مهربان کسی را سراغ دارید که همه این خصوص-یات را در ح-دکمال باشد؟

همانطور که دانستید، ارتباطی بهترین خواه-د ب-ود ک-ه ص-ادقانه و خالص-انه و خ-الی از هرگونه ناخالصی باشد .به همین علت خدای متعال، خلیل، حبیب ،روح و ذبیح را ب-ه خ-ودش نسبت داده است .

بیان داستان

در زمان حضرت موسی(ع) اهل شهر از معصیت جوانی فاسق به تنگ آمدند. زمانی گذش-ت .

ازجانب خداوند به موسی خطاب شد: "موسی ،او را از این دیار بیرون کن".

از آنجا بیرونش کردند او به شهر دیگری رفت و از آنجا هم بیرونش کردند. بر فراز کوهی رفت و طولی نکشید که در غاری مریض شد، کسی نبود از او پرستاری کن-د . ج-وان ص-ورت روی خاک نهاد و عرض کرد: "پروردگار من ،اگر مادرم بر بالینم حاضر بود، برای غریبی م-ن گریه می کرد .حال که پدر و مادر را از من جدا ساختی، رحمتت را از من قطع مکن و چنانچ-ه دل من به آتش فراق آنان سوخت، به آتش غضب خود مسوزان".

چون مناجاتش را پایان برد، ازجانب پروردگار به حور و غلمان خطاب شد:

"به صورت پدر و مادر و فرزندان او درآیید و بر بالینش حاضر شوید".

جوان چشم گشود .آنان را دید و خوشحال شد و از دنیا رفت.

ص: 28

78.آواز خدا..212

79.بامبو و سرخس..215

80.تفکری بالنده در نماز 218

81."استاد علَم" ؛ "از این نبود سر علَم" 222

82.تسبیحات اربعه در نماز 226

83.اقامه نماز نه قرائت نماز 229

84.راز رکوع 231

85.کارهایت نقص ندارد .233

86.سجده بر یوسف .236

87.آثار طبی سجده.238

88.راز سجده بر خاک 241

89.سلام آخر 244

90.خوش بینی در معاشرت 246

91.برترین مساجد 248

92.مسجد شاکی 252

93.سنبل اتحاد.255

94.حفظ فاصله ها 258

95.نماز خوف .260

96.آشنایی با احکام نماز 262

97.تعقیب بی نظیر 265

98.تسبیحی بهتر از هر خدمتکار .268

99.قبولی نماز و خانواده.272

100.شیرینی نماز 275

کتابنامه 277

1- مستدرک الوسایل، ج ۳، ص ۱۷۵ ۱. میرزا حسین نوری

5. گفت وگو با کدام خدا

راهبرد جلسه

در این جلسه به تبیین این موضوع می پردازیم که خداوند متعال "أرحم الرَّاحمین" است. نه تنها نباید از او ترسید؛ بلکه بهترین دوست و همدم ما می باشد .

جذابیت اولیه

پیش از اینها فکر می کردم خان----ه ای دارد کن----ار ابره----ا

ط--لامث--ل قص--ر پادش--اه قص--ه ه--اخش--تی از الم--اس، خش--تی از

پایه های برجش از ع-اج و بلور سر تختی نشست باغرور

م--اه ب--رق ک--وچکی از ت--اج اوه-ر س-تاره پ-ولکی از ت-اج او

ه-ر س-تاره پ-ولکی از ت-اج اوم--اه ب--رق ک--وچکی از ت--اج او

اطل---س پی---راهن او آس---مان نق--ش روی دام--ن او کهکش--ان

رعد و برق شب ،طنین خندهاش س---یل و طوف---ان، نع---ره توفن---ده اش

دکم---ه پی--راهن او آفت--اب ب-رق تی-غ خنج-ر او ماهتاب

هیچکس از جای او آگاه نیس-ت هیچکس را در حضورش راه نیست

پیش از اینها خاطرم دلگیر ب-ود از خ--دا در ذه--نم ای--ن تص--ویر ب--ود

آن خدا بی رحم بود و خشمگین خان---ه اش در آس---مان، دور از زم---ین

ب--ود، ام--ا در می--ان م--ا نب--ود مهرب--ان و س--اده و زیب--ا نب--ود

در دل او دوستی جایی نداش-ت مهرب--انی ه--یچ معن--ایی نداش--ت

هرچه می پرس-ید م از خ-و د از خ-د ا از زم---ین از آس---مان از ابره---ا زود م--ی گفتن--د ای--ن ک--ار خداس--ت پرس وجو از کار او کاری خطاست با همین قصه دلم مشغول ب-ود خواب هایم، خواب دیو و غول ب-ود خواب می دیدم که غ-رق آتش-م در ده---ان اژده---ای سرکش---م

ص: 21

نی--ت م--ن، در نم--از و در دع--ا ت--رس ب--ود و وحش--ت از خش--م خ--دا

هرچه می کردم همه از ت-ر س ب-و د مث--ل از ب--ر ک--ردن ی--ک درس ب--ود تلخ، مثل خن-ده ای ب-ی حوص-له س--خت، مث--ل ح--ل ص--دها مس--ئله تا که یک شب دست در دس-ت پ-در راه افت--ادم ب--ه قص--د ی--ک س--فر

خان--ه ای دی--دیم، خ--وب و آش--نادر می--ان راه، در ی--ک روس--تا

گفت: اینجا خان-ه خ-وب خداس-ت زود پرسیدم پدر اینج-ا کجاس-ت؟

خانه اش اینجاست اینجا در زمین؟گفتمش پس آن خدای خش-مگی ن

ف-رشه-ایش از گل- یم و بوریاس- تگفت: آری خان-ه او ب-ی ریاس-ت

مث--ل ن--وری در دل آیین--ه اس--ت مهربان و ساده و بی کینه اس-ت

ن--ام او ن--ور و نش--انش روش--نی عادت او نیست خشم و دشمنی

مث--ل قه--ر مهرب--ان م--ادر اس--ت قهر او، از آشتی شیرین تر اس-ت

ای--ن خ--دای مهرب--ان و آشناس--ت تازه فهمیدم خدایم، ای-ن خداس-ت

از رگ گ--ردن ب--ه م--ن نزدی--کت--ردوستی، از من به من نزدیک تر

دوست باشم دوست، پاک و بی ریامی توانم بعد از این، با این خ-دا

ص--اف و س--اده مث--ل بلب--ل ح--رف زدمی توان درب-اره گ-ل ح-رف زد

ب--ا الفب--ای س--کوت، آواز خوان--دمی توان تصنیفی از پرواز خوان-د

ب--ا زب--انی ب--ی الفب--ا ح--رف زدمی توان مثل علف ه-ا ح-رف زد

م--ی ت--وان ش--عری خی--ال انگی--ز گف--تمی ت-وان درب-اره هرچی-ز گف-ت

پیش از اینها فکر می ک-ردم خ-دا (1)مث--ل ای--ن ش--عر روان و آش--نا

سؤال

به نظرشما کدام خدا، خدای واقعی است؟ خدایی که می شود با او راحت حرف زد یا خدایی که ارتباط با او سخت و بی فایده است .

1- قیصرامین پور

خدا در قرآن

قرآن کریم، او را اینگونه معرفی می کند:

"بسم الرحمن الرحیم"(1) خدایی که همیشه و همه جا رحمت و مهربانی اش شامل حال همه بندگانش می باشد؛

"هو الَّذِی یَقْبَلُ التوبهَ عَن عِبَاده"(2)؛ خدا، کسی است که همیشه توبه بندگانش را پذیراست؛

"إنَّ لَغَفُورٌ رَحِیمٌ "؛(3)خدایی که همیشه می بخشد و با مهربانی برخورد می کند؛

و امیرالمؤمنان(ع) خدای متعال را این گونه معرفی می کند: "یا مَ-نْ سَ-بَقَتْ رَحْمَتُ-هُ غَضَ-بَه"(4)؛ خدایی که رحمت، لطف و مهربانی اش، همیشه بر خشم و غضبش پیشی گرفته است.

خدایا ،به ما کمک کن تا آنگونه که هستی بشناسیمت.

ص: 23

1- ابتدای همهٔ سوره ها .
2- شوری: ۲۵.
3- نحل: ۱۸.
4- دعای کمیل

6. بهترین هم کلام

راهبرد جلسه

در این جلسه، به تبین این موضوع می پردازیم که عاشق و معشوق به دنبال فرصتی برای هم کلام شدن می گردند .این مطلب در قالب داستانی کوتاه و آیاتی از قرآن کریم ارائه می شود.

جذابیت اولیه

جذابیت اولیه (1)

کشتی در یک سفر دریایی در میان طوفان شکست و غرق شد. تنها دو مرد توانس-تند نج-ات پیدا کنند و شنا کنان خود را به جزیره کوچکی برسانند. آن دو هیچ چاره ای ندیدن-د ج-ز دع-اکردن و کمک خواستن از خداوند متعال. جالب اینکه، هر کدام ادعا می کردند هم کلامی بهت-رازخدا ندارد وخدا او را بیشتر دوست دارد و دعای او را زودتر اجابت خواهد کرد. تصمیم گرفتند که جزیره را به دو قسمت تقسیم کنند و هر کدام در قسمت خودش دست به دع-ا ب-ردارد ت-ابببینند کدام یک زودتر به خواسته هایش می رسد. نخستین چیزی که هردو از خدا خواستند، غذا بود .ص-بح روز بع-د م-رد اول، می-وه ای را ب-الا ی درخت-ی در قس-مت خ-ودش دی-د و ب-ا آن گرسنگی اش را بر طرف کرد؛ اما سرزمین مرد دوم هنوز خالی از هر گیاه و نعمتی ب-ود . هفت-ه بعد دو جزیره نشین احساس تنهایی کردند .مرد اول دست ب-ه دع-ا برداش-ت و از خ-دا طل-به مسر کرد. روز بعد کشتی دیگری شکست و غرق شد و تنها نجات یافته آن یک زن بود که به طرف بخشی که مرد اول قرار داشت شنا کرد. در سمت دیگر مرد دوم هنوز هیچ همراهی نداشت .

بار دیگر مرد اول از خداوند طلب لباس و غذای بیشتری نمود. در روز بعد مثل اینکه جادو شده باشد، همه چیزهایی که خواسته بود برای او فراهم میشد .اما مرد دوم هنوز هیچ چی-ز

1- مربی داستان را با جذابیت بیان کند.

نداشت .سرانجام مرد اول از خدا طلب یک کشتی نمود تا او و همس-رش آن جز ی-ره را ت-رک کنند. صبح روز بعد مرد، کشت ی را که در قسمت او لنگر انداخته بود پیدا ک-رد و ب-ا همس-رش سوار کشتی شد و تصمیم گرفتند جزیره را بدون مرد دوم ترک کنند. با خودش فکر م-یک-رد که مرد دوم شایسته دریافت نعمت های الهی نیست چرا که هیچ کدام از درخواست ه-ا ی او از طرف پروردگار پاسخ داده نشده بود. هنگامی که کشتی آماده ترک جزیره بود مرد اول ن-دا یی از آسمان شنید: "چرا همراه خود را در جزیره تنها م یگذاری؟"

مرد اول پاسخ داد: نعمت ها تنها برای من است. من تنها کسی بودم که ب-را ی آنه-ا دع-اکردم، اما دعاهای او مستجاب نشد، پس سزاوار هیچ کدام نیست؛ ندا آمد: "تو اشتباه می کنی او تنها کسی بود که من دعاهایش را مستجاب کردم و الا تو نیز هیچ کدام از نعمت های م-رادریافت نمی کردی!"

مرد پرسید: مگر او چه دعایی کرده که من باید بدهکارش باشم؟ او دعا کرد که همه دعاهای تو مستجاب شود.

در مذهب عاشقان قرار دگ-ر اس-ت وی--ن ب--اده ن--اب را خم--ار دگ--ر اس--ت هر علم که در مدرسه، حاصل گردد کار دگر است و عشق کار دگر است

دوستی پایدار

دوست، صدیق، خلیل و حبیب درست است که با هم فرق دارند، اما به دو نفری گفته می شود که بین آنها یک رابطه قلبی و تعلق خاطری وجود داشته باشد.

عزیزان من، تابه حال دوتا دوست صمیمی دیده اید؟

محبت حاکم بین دو دوست صمیمی ب-ه گون-ه ای اس-ت ک-ه هرک-دام ب-ه دنب-ال فرص-تی می گردند تا با هم صحبت کنند. نماز، قرارگاه عشقِ عاشق دل باخته حضرت حق ج-ل جلال-هاست. کسی نماز می خواند که عاشق باشد؛ چون عاشق دوست دارد ب-ا معش-وقش ه-م ک-لامباشد؛ مثل موسای کلیم: "وَکَلَّمَ موسی تکْلیما"(1)وقتی خدا از حضرت موسی(ع) پرس-ید : ای-ن

1- . "و خداوند متعال با حضرت موسی(ع) صحبت می کرد، صحبت کردنی" (نساء: .)١٦٤

چیست در دستانت؟" وَما تِلْکَ بِیَمینِکَ یا مُوسی"(1)حضرت موسی(ع) می توانست بگوید: "عص-ا " و دیگر ادامه ندهد؛ اما شروع می کند به توضیح و تفصیل دادن: "قالَ هِیَ عَصایَ أَتَوَکَّ ؤُا عَلَیْها وَأَهُشُ بِها عَلی غَنَمی وَ لِیَ فیها مَآرِبُ أُخْری"(2)؛ این عصای من است. به آن تکی-ه م-یده-م . ب-ا آن ب-رای

گوسفندانم از درختان برگ می ریزم ،و خیلی کارهای دیگر [به کمکش راه می روم، دفع دشمن می کنم و...] انجام می دهم. حضرت موسی(ع) چون عاشق خدای متعال بود، همیشه به دنبال فرصتی می گشت تا با خدا بیشتر گفت وگو کند؛ چون خدا را از همه چی-ز و هم-ه ک-س بیش-تردوست داشت: " وَّ الذینَ آمَنُوا أَشَدحُباّ للِه ".(3) نماز، یعنی همکلامی با بهترین .

شما چقدر دوست دارید با خدا همکلام شوید؟

خدایا ،به ما توفیق بده تا از صحبت با تو لذت ببریم. آمین .

1- طه : 17.
2- طه: 18.
3- "کسانیکه خدای متعال را باور دارند، او را از همه چیز بیشتر دوست دارند" (بقره: ١٦٥

7. بهترین ارتباط

راهبرد جلسه

ارتباط با خداوند متعال در صدر تعالیم قرآنی قرار دارد و سرلوحه برنامه همه انبیا و اولیا، ایجاد ارتباط بین بنده و معبود بوده است.

در این درس به یاری خدا، سعی می کنیم با بهترین نوع ارتباط آشنا شویم.

جذابیت اولیه

مربی گرامی ،ابتدا سؤالات زیر را پشت سر هم و سریع از دانش آموزان بپرسد .

خلیل ا، روح ا، ذبیح ا، حبیب ا، لقب کدامی ک از انبیای عظام می باشد؟

در صورت متوجه نشدن دانش آموزان، به صورت واضح تر سؤالات را طرح ک-رده، از آن-ان پاسخ را بخواهد .

- خلیل ا لقب کدام یک از انبیای عظام می باشد و به چه معناست؟ حضرت ابراهیم(ع)، دوست خدا.

- روح ا لقب کدام یک از انبیای عظام می باشد و به چه معناست؟ حضرت عیسی(ع)به معنای نسیم الهی.

- ذبیح ا لقب کدام یک از انبیای عظام می باشد و به چه معناست؟ حضرت اسماعیل(ع)، قربانی در راه خدا.

- حبیب ا لقب کدام یک از انبیای عظام می باشد و به چه معناست؟ حضرت محمد(ص)، محبوب خدا .

دوستان من، همانطور که می بینید تمامی این القاب به کلمه "ا"جلَّ جلاله اضافه شده است. این به معنای ارتباط عمیق و قوی بین بهترین ها با خدای متع-ال م-ی باش-د و بر اس-اسقوت و ضعف همین ارتباط، این القاب به انبیا نسبت داده شده است. ش-اهد ب-ر اینک-ه خ-اتم الانبیا(ص)

محبوب خداوند متعال است ،این فرمایش است که: "أَنَّهُ سَيِّدُ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ وَأَنَّهُ سَيِّدُ الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِين"؛ شهادت می دهیم پیامبر اکرم(ص) آقا و سرور اول-ین و آخ-رین اس-ت وشهادت می دهیم آقا و سرور همه انبیا و پیامبران است .

علت این آقایی و بزرگی ارتباط عمیق و خالصانه ایشان است ،"عَبَدْ تَ مُخْلِصا حَتی أَتَ-اکَ الْیَقِینُ" و اثر و نتیجه یک چنین ارتباط بی نظیری،" فَبَلغَ ِبکَ أَفَمَحَ ِّ لِّ الْمُکَرمِینَ وَ أَعْ لَی مَنَ-اِزِلِ الْمُقَرِبِینَ وَأَرْفَعَ دَرَجَاتِ الْمُرْسَلِینَ حَیْثُ لَا یَلْحَقُکَ لَاحِقٌ وَلَایَفُوقُکَ فَائِقٌ وَلَایَسْبِقُکَ سَا بِقٌ وَلَایَطْمَعُ فِی إِدِرَاکِکَ طَامِع"" "class="content_notelink (href="#content_note_28_1">(1)

می باشد .

همه ما در ارتباط هایمان این نکته را در نظر می گیریم، با کسی ارتباط بر ق-رار کن-یم ک-ه قوی و نیرومند، مهربان و با گذشت، ثروتمند و کریم، و مانند اینها باشد .

به نظر شما غیر از خدای مهربان کسی را سراغ دارید که همه این خصوص-یات را در ح-دکمال باشد؟

همانطور که دانستید، ارتباطی بهترین خواه-د ب-ود ک-ه ص-ادقانه و خالص-انه و خ-الی از هرگونه ناخالصی باشد .به همین علت خدای متعال، خلیل، حبیب ،روح و ذبیح را ب-ه خ-ودش نسبت داده است .

بیان داستان

در زمان حضرت موسی(ع) اهل شهر از معصیت جوانی فاسق به تنگ آمدند. زمانی گذش-ت .

ازجانب خداوند به موسی خطاب شد: "موسی ،او را از این دیار بیرون کن".

از آنجا بیرونش کردند او به شهر دیگری رفت و از آنجا هم بیرونش کردند. بر فراز کوهی رفت و طولی نکشید که در غاری مریض شد، کسی نبود از او پرستاری کن-د . ج-وان ص-ورت روی خاک نهاد و عرض کرد: "پروردگار من ،اگر مادرم بر بالینم حاضر بود، برای غریبی م-ن گریه می کرد .حال که پدر و مادر را از من جدا ساختی، رحمتت را از من قطع مکن و چنانچ-ه دل من به آتش فراق آنان سوخت، به آتش غضب خود مسوزان".

چون مناجاتش را پایان برد، ازجانب پروردگار به حور و غلمان خطاب شد:

"به صورت پدر و مادر و فرزندان او درآیید و بر بالینش حاضر شوید".

جوان چشم گشود .آنان را دید و خوشحال شد و از دنیا رفت.

ص: 28

مقدمه

آنچه در پیش رو دارید، درسنامه هایی درباره نماز است که بر پایه آیات و روایات نگاشته شده است .در این کتاب سعی شده علاوه بر کوتاه بودن درس ه-ا، مطال-ب آن ج-ذابیت و زیب-ایی خاصی برای جوانان و نوجوانان داشته باشد؛ لذا از تشبیهات و مثال های گوناگون و مسابقات و بیان داستانی هایی کوتاه و جذاب و مرتبط با روح نماز استفاده شده است.

در این کتاب، علاوه بر شناخت روح نماز یعنی ارتباط حقیقی عاشق و معشوق، با قدرت و استحکام بخشی و پیرو زمندی مافوق تصور نماز، آشنا خواهید شد .

نماز مهم ترین راه حل مشکلات و افسردگی های امروز جامعه است و از ای-ن رو اس-اس وپایه برنامه سعادت بشری معرفی شده است.

چگونه است در جامعه کنونی با وجود گستردگی ارتباط انسان ها با یکدیگر، یک ج-وان درمدرسه و دانشگاه، در جمع خانواده و دوستان و حتی در کن-ار ش-خص م-ورد علاق-ه اش، ب-ازاحساس تنهایی می کند؟

آیا این احساس تنهایی، ریشه در احساسات حلنشده یا مخفی نگهداشتن اسرار موجود در

زندگی یا احساس ناکامی و عدم موفقیت نسبت به دیگران یا احساس پوچی و بی هدفی است؟ چگونه است که امام کاظم(ع) با حضور در زندان های متعدد به دست ظالمان زمان خود و تحمل اذیت و آزار آنها در بدترین شرایط، نهتنها احساس تنهایی نمی کرد؛ بلک-ه م-ی فرم-ود :

"اللَّهُم إنِکّ َتَعْلَمُ أنَّی کُنْتُ أَسْأَلُکَ أ نْ تُفَّرغَنِی لِعِبَادَتِکَ اللَّهُم وَقَدْ فَعَلتَ فَلَکَ الْحَمْد"(1)؛ خ-دایا، ت-و خ-ودبهتر می دانی من به دنبال چنین فرصتی می گشتم تا با تو خلوت کنم و ت-و چن-ین فرص-تی رابرایم فراهم کردی؛ پس ستایش فقط برای توست.

1- محمدباقرمجلسی ،بحارالانوار،ج 48، ص 107.

1- مستدرک الوسایل، ج ۳، ص ۱۷۵ ۱. میرزا حسین نوری

5. گفت وگو با کدام خدا

راهبرد جلسه

در این جلسه به تبیین این موضوع می پردازیم که خداوند متعال "أرحم الرَّاحمین" است. نه تنها نباید از او ترسید؛ بلکه بهترین دوست و همدم ما می باشد .

جذابیت اولیه

پیش از اینها فکر می کردم خان----ه ای دارد کن----ار ابره----ا

ط--لامث--ل قص--ر پادش--اه قص--ه ه--اخش--تی از الم--اس، خش--تی از

پایه های برجش از ع-اج و بلور سر تختی نشست باغرور

م--اه ب--رق ک--وچکی از ت--اج اوه-ر س-تاره پ-ولکی از ت-اج او

ه-ر س-تاره پ-ولکی از ت-اج اوم--اه ب--رق ک--وچکی از ت--اج او

اطل---س پی---راهن او آس---مان نق--ش روی دام--ن او کهکش--ان

رعد و برق شب ،طنین خندهاش س---یل و طوف---ان، نع---ره توفن---ده اش

دکم---ه پی--راهن او آفت--اب ب-رق تی-غ خنج-ر او ماهتاب

هیچکس از جای او آگاه نیس-ت هیچکس را در حضورش راه نیست

پیش از اینها خاطرم دلگیر ب-ود از خ--دا در ذه--نم ای--ن تص--ویر ب--ود

آن خدا بی رحم بود و خشمگین خان---ه اش در آس---مان، دور از زم---ین

ب--ود، ام--ا در می--ان م--ا نب--ود مهرب--ان و س--اده و زیب--ا نب--ود

در دل او دوستی جایی نداش-ت مهرب--انی ه--یچ معن--ایی نداش--ت

هرچه می پرس-ید م از خ-و د از خ-د ا از زم---ین از آس---مان از ابره---ا زود م--ی گفتن--د ای--ن ک--ار خداس--ت پرس وجو از کار او کاری خطاست با همین قصه دلم مشغول ب-ود خواب هایم، خواب دیو و غول ب-ود خواب می دیدم که غ-رق آتش-م در ده---ان اژده---ای سرکش---م

ص: 21

نی--ت م--ن، در نم--از و در دع--ا ت--رس ب--ود و وحش--ت از خش--م خ--دا

هرچه می کردم همه از ت-ر س ب-و د مث--ل از ب--ر ک--ردن ی--ک درس ب--ود تلخ، مثل خن-ده ای ب-ی حوص-له س--خت، مث--ل ح--ل ص--دها مس--ئله تا که یک شب دست در دس-ت پ-در راه افت--ادم ب--ه قص--د ی--ک س--فر

خان--ه ای دی--دیم، خ--وب و آش--نادر می--ان راه، در ی--ک روس--تا

گفت: اینجا خان-ه خ-وب خداس-ت زود پرسیدم پدر اینج-ا کجاس-ت؟

خانه اش اینجاست اینجا در زمین؟گفتمش پس آن خدای خش-مگی ن

ف-رشه-ایش از گل- یم و بوریاس- تگفت: آری خان-ه او ب-ی ریاس-ت

مث--ل ن--وری در دل آیین--ه اس--ت مهربان و ساده و بی کینه اس-ت

ن--ام او ن--ور و نش--انش روش--نی عادت او نیست خشم و دشمنی

مث--ل قه--ر مهرب--ان م--ادر اس--ت قهر او، از آشتی شیرین تر اس-ت

ای--ن خ--دای مهرب--ان و آشناس--ت تازه فهمیدم خدایم، ای-ن خداس-ت

از رگ گ--ردن ب--ه م--ن نزدی--کت--ردوستی، از من به من نزدیک تر

دوست باشم دوست، پاک و بی ریامی توانم بعد از این، با این خ-دا

ص--اف و س--اده مث--ل بلب--ل ح--رف زدمی توان درب-اره گ-ل ح-رف زد

ب--ا الفب--ای س--کوت، آواز خوان--دمی توان تصنیفی از پرواز خوان-د

ب--ا زب--انی ب--ی الفب--ا ح--رف زدمی توان مثل علف ه-ا ح-رف زد

م--ی ت--وان ش--عری خی--ال انگی--ز گف--تمی ت-وان درب-اره هرچی-ز گف-ت

پیش از اینها فکر می ک-ردم خ-دا (1)مث--ل ای--ن ش--عر روان و آش--نا

سؤال

به نظرشما کدام خدا، خدای واقعی است؟ خدایی که می شود با او راحت حرف زد یا خدایی که ارتباط با او سخت و بی فایده است .

1- قیصرامین پور

خدا در قرآن

قرآن کریم، او را اینگونه معرفی می کند:

"بسم الرحمن الرحیم"(1) خدایی که همیشه و همه جا رحمت و مهربانی اش شامل حال همه بندگانش می باشد؛

"هو الَّذِی یَقْبَلُ التوبهَ عَن عِبَاده"(2)؛ خدا، کسی است که همیشه توبه بندگانش را پذیراست؛

"إنَّ لَغَفُورٌ رَحِیمٌ "؛(3)خدایی که همیشه می بخشد و با مهربانی برخورد می کند؛

و امیرالمؤمنان(ع) خدای متعال را این گونه معرفی می کند: "یا مَ-نْ سَ-بَقَتْ رَحْمَتُ-هُ غَضَ-بَه"(4)؛ خدایی که رحمت، لطف و مهربانی اش، همیشه بر خشم و غضبش پیشی گرفته است.

خدایا ،به ما کمک کن تا آنگونه که هستی بشناسیمت.

ص: 23

1- ابتدای همهٔ سوره ها .
2- شوری: ۲۵.
3- نحل: ۱۸.
4- دعای کمیل

6. بهترین هم کلام

راهبرد جلسه

در این جلسه، به تبین این موضوع می پردازیم که عاشق و معشوق به دنبال فرصتی برای هم کلام شدن می گردند .این مطلب در قالب داستانی کوتاه و آیاتی از قرآن کریم ارائه می شود.

جذابیت اولیه

جذابیت اولیه (1)

کشتی در یک سفر دریایی در میان طوفان شکست و غرق شد. تنها دو مرد توانس-تند نج-ات پیدا کنند و شنا کنان خود را به جزیره کوچکی برسانند. آن دو هیچ چاره ای ندیدن-د ج-ز دع-اکردن و کمک خواستن از خداوند متعال. جالب اینکه، هر کدام ادعا می کردند هم کلامی بهت-رازخدا ندارد وخدا او را بیشتر دوست دارد و دعای او را زودتر اجابت خواهد کرد. تصمیم گرفتند که جزیره را به دو قسمت تقسیم کنند و هر کدام در قسمت خودش دست به دع-ا ب-ردارد ت-ابببینند کدام یک زودتر به خواسته هایش می رسد. نخستین چیزی که هردو از خدا خواستند، غذا بود .ص-بح روز بع-د م-رد اول، می-وه ای را ب-الا ی درخت-ی در قس-مت خ-ودش دی-د و ب-ا آن گرسنگی اش را بر طرف کرد؛ اما سرزمین مرد دوم هنوز خالی از هر گیاه و نعمتی ب-ود . هفت-ه بعد دو جزیره نشین احساس تنهایی کردند .مرد اول دست ب-ه دع-ا برداش-ت و از خ-دا طل-به مسر کرد. روز بعد کشتی دیگری شکست و غرق شد و تنها نجات یافته آن یک زن بود که به طرف بخشی که مرد اول قرار داشت شنا کرد. در سمت دیگر مرد دوم هنوز هیچ همراهی نداشت .

بار دیگر مرد اول از خداوند طلب لباس و غذای بیشتری نمود. در روز بعد مثل اینکه جادو شده باشد، همه چیزهایی که خواسته بود برای او فراهم میشد .اما مرد دوم هنوز هیچ چی-ز

1- مربی داستان را با جذابیت بیان کند.

نداشت .سرانجام مرد اول از خدا طلب یک کشتی نمود تا او و همس-رش آن جز ی-ره را ت-رک کنند. صبح روز بعد مرد، کشت ی را که در قسمت او لنگر انداخته بود پیدا ک-رد و ب-ا همس-رش سوار کشتی شد و تصمیم گرفتند جزیره را بدون مرد دوم ترک کنند. با خودش فکر م-یک-رد که مرد دوم شایسته دریافت نعمت های الهی نیست چرا که هیچ کدام از درخواست ه-ا ی او از طرف پروردگار پاسخ داده نشده بود. هنگامی که کشتی آماده ترک جزیره بود مرد اول ن-دا یی از آسمان شنید: "چرا همراه خود را در جزیره تنها م یگذاری؟"

مرد اول پاسخ داد: نعمت ها تنها برای من است. من تنها کسی بودم که ب-را ی آنه-ا دع-اکردم، اما دعاهای او مستجاب نشد، پس سزاوار هیچ کدام نیست؛ ندا آمد: "تو اشتباه می کنی او تنها کسی بود که من دعاهایش را مستجاب کردم و الا تو نیز هیچ کدام از نعمت های م-رادریافت نمی کردی!"

مرد پرسید: مگر او چه دعایی کرده که من باید بدهکارش باشم؟ او دعا کرد که همه دعاهای تو مستجاب شود.

در مذهب عاشقان قرار دگ-ر اس-ت وی--ن ب--اده ن--اب را خم--ار دگ--ر اس--ت هر علم که در مدرسه، حاصل گردد کار دگر است و عشق کار دگر است

دوستی پایدار

دوست، صدیق، خلیل و حبیب درست است که با هم فرق دارند، اما به دو نفری گفته می شود که بین آنها یک رابطه قلبی و تعلق خاطری وجود داشته باشد.

عزیزان من، تابه حال دوتا دوست صمیمی دیده اید؟

محبت حاکم بین دو دوست صمیمی ب-ه گون-ه ای اس-ت ک-ه هرک-دام ب-ه دنب-ال فرص-تی می گردند تا با هم صحبت کنند. نماز، قرارگاه عشقِ عاشق دل باخته حضرت حق ج-ل جلال-هاست. کسی نماز می خواند که عاشق باشد؛ چون عاشق دوست دارد ب-ا معش-وقش ه-م ک-لامباشد؛ مثل موسای کلیم: "وَکَلَّمَ موسی تکْلیما"(1)وقتی خدا از حضرت موسی(ع) پرس-ید : ای-ن

1- . "و خداوند متعال با حضرت موسی(ع) صحبت می کرد، صحبت کردنی" (نساء: .)١٦٤

چیست در دستانت؟" وَما تِلْکَ بِیَمینِکَ یا مُوسی"(1)حضرت موسی(ع) می توانست بگوید: "عص-ا " و دیگر ادامه ندهد؛ اما شروع می کند به توضیح و تفصیل دادن: "قالَ هِیَ عَصایَ أَتَوَکَّ ؤُا عَلَیْها وَأَهُشُ بِها عَلی غَنَمی وَ لِیَ فیها مَآرِبُ أُخْری"(2)؛ این عصای من است. به آن تکی-ه م-یده-م . ب-ا آن ب-رای

گوسفندانم از درختان برگ می ریزم ،و خیلی کارهای دیگر [به کمکش راه می روم، دفع دشمن می کنم و...] انجام می دهم. حضرت موسی(ع) چون عاشق خدای متعال بود، همیشه به دنبال فرصتی می گشت تا با خدا بیشتر گفت وگو کند؛ چون خدا را از همه چی-ز و هم-ه ک-س بیش-تردوست داشت: " وَّ الذینَ آمَنُوا أَشَدحُباّ للِه ".(3) نماز، یعنی همکلامی با بهترین .

شما چقدر دوست دارید با خدا همکلام شوید؟

خدایا ،به ما توفیق بده تا از صحبت با تو لذت ببریم. آمین .

1- طه : 17.
2- طه: 18.
3- "کسانیکه خدای متعال را باور دارند، او را از همه چیز بیشتر دوست دارند" (بقره: ١٦٥

7. بهترین ارتباط

راهبرد جلسه

ارتباط با خداوند متعال در صدر تعالیم قرآنی قرار دارد و سرلوحه برنامه همه انبیا و اولیا، ایجاد ارتباط بین بنده و معبود بوده است.

در این درس به یاری خدا، سعی می کنیم با بهترین نوع ارتباط آشنا شویم.

جذابیت اولیه

مربی گرامی ،ابتدا سؤالات زیر را پشت سر هم و سریع از دانش آموزان بپرسد .

خلیل ا، روح ا، ذبیح ا، حبیب ا، لقب کدامی ک از انبیای عظام می باشد؟

در صورت متوجه نشدن دانش آموزان، به صورت واضح تر سؤالات را طرح ک-رده، از آن-ان پاسخ را بخواهد .

- خلیل ا لقب کدام یک از انبیای عظام می باشد و به چه معناست؟ حضرت ابراهیم(ع)، دوست خدا.

- روح ا لقب کدام یک از انبیای عظام می باشد و به چه معناست؟ حضرت عیسی(ع)به معنای نسیم الهی.

- ذبیح ا لقب کدام یک از انبیای عظام می باشد و به چه معناست؟ حضرت اسماعیل(ع)، قربانی در راه خدا.

- حبیب ا لقب کدام یک از انبیای عظام می باشد و به چه معناست؟ حضرت محمد(ص)، محبوب خدا .

دوستان من، همانطور که می بینید تمامی این القاب به کلمه "ا"جلَّ جلاله اضافه شده است. این به معنای ارتباط عمیق و قوی بین بهترین ها با خدای متع-ال م-ی باش-د و بر اس-اسقوت و ضعف همین ارتباط، این القاب به انبیا نسبت داده شده است. ش-اهد ب-ر اینک-ه خ-اتم الانبیا(ص)

محبوب خداوند متعال است ،این فرمایش است که: "أَنَّهُ سَيِّدُ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ وَأَنَّهُ سَيِّدُ الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِين"؛ شهادت می دهیم پیامبر اکرم(ص) آقا و سرور اول-ین و آخ-رین اس-ت وشهادت می دهیم آقا و سرور همه انبیا و پیامبران است .

علت این آقایی و بزرگی ارتباط عمیق و خالصانه ایشان است ،"عَبَدْ تَ مُخْلِصا حَتی أَتَ-اکَ الْیَقِینُ" و اثر و نتیجه یک چنین ارتباط بی نظیری،" فَبَلغَ ِبکَ أَفَمَحَ ِّ لِّ الْمُکَرمِینَ وَ أَعْ لَی مَنَ-اِزِلِ الْمُقَرِبِینَ وَأَرْفَعَ دَرَجَاتِ الْمُرْسَلِینَ حَیْثُ لَا یَلْحَقُکَ لَاحِقٌ وَلَایَفُوقُکَ فَائِقٌ وَلَایَسْبِقُکَ سَا بِقٌ وَلَایَطْمَعُ فِی إِدِرَاکِکَ طَامِع"" "class="content_notelink (href="#content_note_28_1">(1)

می باشد .

همه ما در ارتباط هایمان این نکته را در نظر می گیریم، با کسی ارتباط بر ق-رار کن-یم ک-ه قوی و نیرومند، مهربان و با گذشت، ثروتمند و کریم، و مانند اینها باشد .

به نظر شما غیر از خدای مهربان کسی را سراغ دارید که همه این خصوص-یات را در ح-دکمال باشد؟

همانطور که دانستید، ارتباطی بهترین خواه-د ب-ود ک-ه ص-ادقانه و خالص-انه و خ-الی از هرگونه ناخالصی باشد .به همین علت خدای متعال، خلیل، حبیب ،روح و ذبیح را ب-ه خ-ودش نسبت داده است .

بیان داستان

در زمان حضرت موسی(ع) اهل شهر از معصیت جوانی فاسق به تنگ آمدند. زمانی گذش-ت .

ازجانب خداوند به موسی خطاب شد: "موسی ،او را از این دیار بیرون کن".

از آنجا بیرونش کردند او به شهر دیگری رفت و از آنجا هم بیرونش کردند. بر فراز کوهی رفت و طولی نکشید که در غاری مریض شد، کسی نبود از او پرستاری کن-د . ج-وان ص-ورت روی خاک نهاد و عرض کرد: "پروردگار من ،اگر مادرم بر بالینم حاضر بود، برای غریبی م-ن گریه می کرد .حال که پدر و مادر را از من جدا ساختی، رحمتت را از من قطع مکن و چنانچ-ه دل من به آتش فراق آنان سوخت، به آتش غضب خود مسوزان".

چون مناجاتش را پایان برد، ازجانب پروردگار به حور و غلمان خطاب شد:

"به صورت پدر و مادر و فرزندان او درآیید و بر بالینش حاضر شوید".

جوان چشم گشود .آنان را دید و خوشحال شد و از دنیا رفت.

ص: 28

شاهد بر این مطلب نقل احمدبن عبدا از فضیل بن ربیع که یکی از زن-دان ب-ان ه-ای ام-ام

کاظم(ع) در بغداد است. فضیل می گوید: "لَمْ أجِدهُ فِی وَقْتٍ مِنَ الْأوْقَاتِ إِلّا عَلَی هَ-ذهِ الْحَال-َه"؛ ه-رساعت از شبانه روز که ناگهانی به سراغش می آیم، او را در حال نماز و عبادت می بینم .

پس اگر در زندگی خود، تنها هستیِ عالم را بشناس-یم و مس-یر دوس-تی و رفاق-ت ب-ا او راپیماییم، قطعاً در هر زمان و مکانی و در سخت ترین شرایط و مشکلات، تنه-ای ی را شکس-ت خواهیم داد و به پیروزی و سعادت خواهیم رسید. به همین جهت ن-ام ای-ن مختص-ر، شکس-ت تنهایی قرار داده شد تا با عنایات الهی و استعانت از نماز و البته سرّ نم-از ؛ یعن-ی محم-د و آل محمد: بتوانیم به هدف از خلقتمان دست یابیم.

در پایان شایسته می دانم از دوست عزیز و گرامی حجت الاسلام محمد خدابخش دچ-انی که در امر تحقیق بنده را یاری نمودند، سپاسگزاری کنم .

والسلام علیکم و رحمها و برکاته

حامد تقی راد

1- مستدرک الوسایل، ج ۳، ص ۱۷۵ ۱. میرزا حسین نوری

5. گفت وگو با کدام خدا

راهبرد جلسه

در این جلسه به تبیین این موضوع می پردازیم که خداوند متعال "أرحم الرَّاحمین" است. نه تنها نباید از او ترسید؛ بلکه بهترین دوست و همدم ما می باشد .

جذابیت اولیه

پیش از اینها فکر می کردم خان----ه ای دارد کن----ار ابره----ا

ط--لامث--ل قص--ر پادش--اه قص--ه ه--اخش--تی از الم--اس، خش--تی از

پایه های برجش از ع-اج و بلور سر تختی نشست باغرور

م--اه ب--رق ک--وچکی از ت--اج اوه-ر س-تاره پ-ولکی از ت-اج او

ه-ر س-تاره پ-ولکی از ت-اج اوم--اه ب--رق ک--وچکی از ت--اج او

اطل---س پی---راهن او آس---مان نق--ش روی دام--ن او کهکش--ان

رعد و برق شب ،طنین خندهاش س---یل و طوف---ان، نع---ره توفن---ده اش

دکم---ه پی--راهن او آفت--اب ب-رق تی-غ خنج-ر او ماهتاب

هیچکس از جای او آگاه نیس-ت هیچکس را در حضورش راه نیست

پیش از اینها خاطرم دلگیر ب-ود از خ--دا در ذه--نم ای--ن تص--ویر ب--ود

آن خدا بی رحم بود و خشمگین خان---ه اش در آس---مان، دور از زم---ین

ب--ود، ام--ا در می--ان م--ا نب--ود مهرب--ان و س--اده و زیب--ا نب--ود

در دل او دوستی جایی نداش-ت مهرب--انی ه--یچ معن--ایی نداش--ت

هرچه می پرس-ید م از خ-و د از خ-د ا از زم---ین از آس---مان از ابره---ا زود م--ی گفتن--د ای--ن ک--ار خداس--ت پرس وجو از کار او کاری خطاست با همین قصه دلم مشغول ب-ود خواب هایم، خواب دیو و غول ب-ود خواب می دیدم که غ-رق آتش-م در ده---ان اژده---ای سرکش---م

ص: 21

نی--ت م--ن، در نم--از و در دع--ا ت--رس ب--ود و وحش--ت از خش--م خ--دا

هرچه می کردم همه از ت-ر س ب-و د مث--ل از ب--ر ک--ردن ی--ک درس ب--ود تلخ، مثل خن-ده ای ب-ی حوص-له س--خت، مث--ل ح--ل ص--دها مس--ئله تا که یک شب دست در دس-ت پ-در راه افت--ادم ب--ه قص--د ی--ک س--فر

خان--ه ای دی--دیم، خ--وب و آش--نادر می--ان راه، در ی--ک روس--تا

گفت: اینجا خان-ه خ-وب خداس-ت زود پرسیدم پدر اینج-ا کجاس-ت؟

خانه اش اینجاست اینجا در زمین؟گفتمش پس آن خدای خش-مگی ن

ف-رشه-ایش از گل- یم و بوریاس- تگفت: آری خان-ه او ب-ی ریاس-ت

مث--ل ن--وری در دل آیین--ه اس--ت مهربان و ساده و بی کینه اس-ت

ن--ام او ن--ور و نش--انش روش--نی عادت او نیست خشم و دشمنی

مث--ل قه--ر مهرب--ان م--ادر اس--ت قهر او، از آشتی شیرین تر اس-ت

ای--ن خ--دای مهرب--ان و آشناس--ت تازه فهمیدم خدایم، ای-ن خداس-ت

از رگ گ--ردن ب--ه م--ن نزدی--کت--ردوستی، از من به من نزدیک تر

دوست باشم دوست، پاک و بی ریامی توانم بعد از این، با این خ-دا

ص--اف و س--اده مث--ل بلب--ل ح--رف زدمی توان درب-اره گ-ل ح-رف زد

ب--ا الفب--ای س--کوت، آواز خوان--دمی توان تصنیفی از پرواز خوان-د

ب--ا زب--انی ب--ی الفب--ا ح--رف زدمی توان مثل علف ه-ا ح-رف زد

م--ی ت--وان ش--عری خی--ال انگی--ز گف--تمی ت-وان درب-اره هرچی-ز گف-ت

پیش از اینها فکر می ک-ردم خ-دا (1)مث--ل ای--ن ش--عر روان و آش--نا

سؤال

به نظرشما کدام خدا، خدای واقعی است؟ خدایی که می شود با او راحت حرف زد یا خدایی که ارتباط با او سخت و بی فایده است .

1- قیصرامین پور

خدا در قرآن

قرآن کریم، او را اینگونه معرفی می کند:

"بسم الرحمن الرحیم"(1) خدایی که همیشه و همه جا رحمت و مهربانی اش شامل حال همه بندگانش می باشد؛

"هو الَّذِی یَقْبَلُ التوبهَ عَن عِبَاده"(2)؛ خدا، کسی است که همیشه توبه بندگانش را پذیراست؛

"إنَّ لَغَفُورٌ رَحِیمٌ "؛(3)خدایی که همیشه می بخشد و با مهربانی برخورد می کند؛

و امیرالمؤمنان(ع) خدای متعال را این گونه معرفی می کند: "یا مَ-نْ سَ-بَقَتْ رَحْمَتُ-هُ غَضَ-بَه"(4)؛ خدایی که رحمت، لطف و مهربانی اش، همیشه بر خشم و غضبش پیشی گرفته است.

خدایا ،به ما کمک کن تا آنگونه که هستی بشناسیمت.

ص: 23

1- ابتدای همهٔ سوره ها .
2- شوری: ۲۵.
3- نحل: ۱۸.
4- دعای کمیل

6. بهترین هم کلام

راهبرد جلسه

در این جلسه، به تبین این موضوع می پردازیم که عاشق و معشوق به دنبال فرصتی برای هم کلام شدن می گردند .این مطلب در قالب داستانی کوتاه و آیاتی از قرآن کریم ارائه می شود.

جذابیت اولیه

جذابیت اولیه (1)

کشتی در یک سفر دریایی در میان طوفان شکست و غرق شد. تنها دو مرد توانس-تند نج-ات پیدا کنند و شنا کنان خود را به جزیره کوچکی برسانند. آن دو هیچ چاره ای ندیدن-د ج-ز دع-اکردن و کمک خواستن از خداوند متعال. جالب اینکه، هر کدام ادعا می کردند هم کلامی بهت-رازخدا ندارد وخدا او را بیشتر دوست دارد و دعای او را زودتر اجابت خواهد کرد. تصمیم گرفتند که جزیره را به دو قسمت تقسیم کنند و هر کدام در قسمت خودش دست به دع-ا ب-ردارد ت-ابببینند کدام یک زودتر به خواسته هایش می رسد. نخستین چیزی که هردو از خدا خواستند، غذا بود .ص-بح روز بع-د م-رد اول، می-وه ای را ب-الا ی درخت-ی در قس-مت خ-ودش دی-د و ب-ا آن گرسنگی اش را بر طرف کرد؛ اما سرزمین مرد دوم هنوز خالی از هر گیاه و نعمتی ب-ود . هفت-ه بعد دو جزیره نشین احساس تنهایی کردند .مرد اول دست ب-ه دع-ا برداش-ت و از خ-دا طل-به مسر کرد. روز بعد کشتی دیگری شکست و غرق شد و تنها نجات یافته آن یک زن بود که به طرف بخشی که مرد اول قرار داشت شنا کرد. در سمت دیگر مرد دوم هنوز هیچ همراهی نداشت .

بار دیگر مرد اول از خداوند طلب لباس و غذای بیشتری نمود. در روز بعد مثل اینکه جادو شده باشد، همه چیزهایی که خواسته بود برای او فراهم میشد .اما مرد دوم هنوز هیچ چی-ز

1- مربی داستان را با جذابیت بیان کند.

نداشت .سرانجام مرد اول از خدا طلب یک کشتی نمود تا او و همس-رش آن جز ی-ره را ت-رک کنند. صبح روز بعد مرد، کشت ی را که در قسمت او لنگر انداخته بود پیدا ک-رد و ب-ا همس-رش سوار کشتی شد و تصمیم گرفتند جزیره را بدون مرد دوم ترک کنند. با خودش فکر م-یک-رد که مرد دوم شایسته دریافت نعمت های الهی نیست چرا که هیچ کدام از درخواست ه-ا ی او از طرف پروردگار پاسخ داده نشده بود. هنگامی که کشتی آماده ترک جزیره بود مرد اول ن-دا یی از آسمان شنید: "چرا همراه خود را در جزیره تنها م یگذاری؟"

مرد اول پاسخ داد: نعمت ها تنها برای من است. من تنها کسی بودم که ب-را ی آنه-ا دع-اکردم، اما دعاهای او مستجاب نشد، پس سزاوار هیچ کدام نیست؛ ندا آمد: "تو اشتباه می کنی او تنها کسی بود که من دعاهایش را مستجاب کردم و الا تو نیز هیچ کدام از نعمت های م-رادریافت نمی کردی!"

مرد پرسید: مگر او چه دعایی کرده که من باید بدهکارش باشم؟ او دعا کرد که همه دعاهای تو مستجاب شود.

در مذهب عاشقان قرار دگ-ر اس-ت وی--ن ب--اده ن--اب را خم--ار دگ--ر اس--ت هر علم که در مدرسه، حاصل گردد کار دگر است و عشق کار دگر است

دوستی پایدار

دوست، صدیق، خلیل و حبیب درست است که با هم فرق دارند، اما به دو نفری گفته می شود که بین آنها یک رابطه قلبی و تعلق خاطری وجود داشته باشد.

عزیزان من، تابه حال دوتا دوست صمیمی دیده اید؟

محبت حاکم بین دو دوست صمیمی ب-ه گون-ه ای اس-ت ک-ه هرک-دام ب-ه دنب-ال فرص-تی می گردند تا با هم صحبت کنند. نماز، قرارگاه عشقِ عاشق دل باخته حضرت حق ج-ل جلال-هاست. کسی نماز می خواند که عاشق باشد؛ چون عاشق دوست دارد ب-ا معش-وقش ه-م ک-لامباشد؛ مثل موسای کلیم: "وَکَلَّمَ موسی تکْلیما"(1)وقتی خدا از حضرت موسی(ع) پرس-ید : ای-ن

1- . "و خداوند متعال با حضرت موسی(ع) صحبت می کرد، صحبت کردنی" (نساء: .)١٦٤

چیست در دستانت؟" وَما تِلْکَ بِیَمینِکَ یا مُوسی"(1)حضرت موسی(ع) می توانست بگوید: "عص-ا " و دیگر ادامه ندهد؛ اما شروع می کند به توضیح و تفصیل دادن: "قالَ هِیَ عَصایَ أَتَوَکَّ ؤُا عَلَیْها وَأَهُشُ بِها عَلی غَنَمی وَ لِیَ فیها مَآرِبُ أُخْری"(2)؛ این عصای من است. به آن تکی-ه م-یده-م . ب-ا آن ب-رای

گوسفندانم از درختان برگ می ریزم ،و خیلی کارهای دیگر [به کمکش راه می روم، دفع دشمن می کنم و...] انجام می دهم. حضرت موسی(ع) چون عاشق خدای متعال بود، همیشه به دنبال فرصتی می گشت تا با خدا بیشتر گفت وگو کند؛ چون خدا را از همه چی-ز و هم-ه ک-س بیش-تردوست داشت: " وَّ الذینَ آمَنُوا أَشَدحُباّ للِه ".(3) نماز، یعنی همکلامی با بهترین .

شما چقدر دوست دارید با خدا همکلام شوید؟

خدایا ،به ما توفیق بده تا از صحبت با تو لذت ببریم. آمین .

1- طه : 17.
2- طه: 18.
3- "کسانیکه خدای متعال را باور دارند، او را از همه چیز بیشتر دوست دارند" (بقره: ١٦٥

7. بهترین ارتباط

راهبرد جلسه

ارتباط با خداوند متعال در صدر تعالیم قرآنی قرار دارد و سرلوحه برنامه همه انبیا و اولیا، ایجاد ارتباط بین بنده و معبود بوده است.

در این درس به یاری خدا، سعی می کنیم با بهترین نوع ارتباط آشنا شویم.

جذابیت اولیه

مربی گرامی ،ابتدا سؤالات زیر را پشت سر هم و سریع از دانش آموزان بپرسد .

خلیل ا، روح ا، ذبیح ا، حبیب ا، لقب کدامی ک از انبیای عظام می باشد؟

در صورت متوجه نشدن دانش آموزان، به صورت واضح تر سؤالات را طرح ک-رده، از آن-ان پاسخ را بخواهد .

- خلیل ا لقب کدام یک از انبیای عظام می باشد و به چه معناست؟ حضرت ابراهیم(ع)، دوست خدا.

- روح ا لقب کدام یک از انبیای عظام می باشد و به چه معناست؟ حضرت عیسی(ع)به معنای نسیم الهی.

- ذبیح ا لقب کدام یک از انبیای عظام می باشد و به چه معناست؟ حضرت اسماعیل(ع)، قربانی در راه خدا.

- حبیب ا لقب کدام یک از انبیای عظام می باشد و به چه معناست؟ حضرت محمد(ص)، محبوب خدا .

دوستان من، همانطور که می بینید تمامی این القاب به کلمه "ا"جلَّ جلاله اضافه شده است. این به معنای ارتباط عمیق و قوی بین بهترین ها با خدای متع-ال م-ی باش-د و بر اس-اسقوت و ضعف همین ارتباط، این القاب به انبیا نسبت داده شده است. ش-اهد ب-ر اینک-ه خ-اتم الانبیا(ص)

محبوب خداوند متعال است ،این فرمایش است که: "أَنَّهُ سَيِّدُ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ وَأَنَّهُ سَيِّدُ الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِين"؛ شهادت می دهیم پیامبر اکرم(ص) آقا و سرور اول-ین و آخ-رین اس-ت وشهادت می دهیم آقا و سرور همه انبیا و پیامبران است .

علت این آقایی و بزرگی ارتباط عمیق و خالصانه ایشان است ،"عَبَدْ تَ مُخْلِصا حَتی أَتَ-اکَ الْیَقِینُ" و اثر و نتیجه یک چنین ارتباط بی نظیری،" فَبَلغَ ِبکَ أَفَمَحَ ِّ لِّ الْمُکَرمِینَ وَ أَعْ لَی مَنَ-اِزِلِ الْمُقَرِبِینَ وَأَرْفَعَ دَرَجَاتِ الْمُرْسَلِینَ حَیْثُ لَا یَلْحَقُکَ لَاحِقٌ وَلَایَفُوقُکَ فَائِقٌ وَلَایَسْبِقُکَ سَا بِقٌ وَلَایَطْمَعُ فِی إِدِرَاکِکَ طَامِع"" "class="content_notelink (href="#content_note_28_1">(1)

می باشد .

همه ما در ارتباط هایمان این نکته را در نظر می گیریم، با کسی ارتباط بر ق-رار کن-یم ک-ه قوی و نیرومند، مهربان و با گذشت، ثروتمند و کریم، و مانند اینها باشد .

به نظر شما غیر از خدای مهربان کسی را سراغ دارید که همه این خصوص-یات را در ح-دکمال باشد؟

همانطور که دانستید، ارتباطی بهترین خواه-د ب-ود ک-ه ص-ادقانه و خالص-انه و خ-الی از هرگونه ناخالصی باشد .به همین علت خدای متعال، خلیل، حبیب ،روح و ذبیح را ب-ه خ-ودش نسبت داده است .

بیان داستان

در زمان حضرت موسی(ع) اهل شهر از معصیت جوانی فاسق به تنگ آمدند. زمانی گذش-ت .

ازجانب خداوند به موسی خطاب شد: "موسی ،او را از این دیار بیرون کن".

از آنجا بیرونش کردند او به شهر دیگری رفت و از آنجا هم بیرونش کردند. بر فراز کوهی رفت و طولی نکشید که در غاری مریض شد، کسی نبود از او پرستاری کن-د . ج-وان ص-ورت روی خاک نهاد و عرض کرد: "پروردگار من ،اگر مادرم بر بالینم حاضر بود، برای غریبی م-ن گریه می کرد .حال که پدر و مادر را از من جدا ساختی، رحمتت را از من قطع مکن و چنانچ-ه دل من به آتش فراق آنان سوخت، به آتش غضب خود مسوزان".

چون مناجاتش را پایان برد، ازجانب پروردگار به حور و غلمان خطاب شد:

"به صورت پدر و مادر و فرزندان او درآیید و بر بالینش حاضر شوید".

جوان چشم گشود .آنان را دید و خوشحال شد و از دنیا رفت.

ص: 28

1- مستدرک الوسایل، ج ۳، ص ۱۷۵ ۱. میرزا حسین نوری

5. گفت وگو با کدام خدا

راهبرد جلسه

در این جلسه به تبیین این موضوع می پردازیم که خداوند متعال "أرحم الرَّاحمین" است. نه تنها نباید از او ترسید؛ بلکه بهترین دوست و همدم ما می باشد .

جذابیت اولیه

پیش از اینها فکر می کردم خان----ه ای دارد کن----ار ابره----ا

ط--لامث--ل قص--ر پادش--اه قص--ه ه--اخش--تی از الم--اس، خش--تی از

پایه های برجش از ع-اج و بلور سر تختی نشست باغرور

م--اه ب--رق ک--وچکی از ت--اج اوه-ر س-تاره پ-ولکی از ت-اج او

ه-ر س-تاره پ-ولکی از ت-اج اوم--اه ب--رق ک--وچکی از ت--اج او

اطل---س پی---راهن او آس---مان نق--ش روی دام--ن او کهکش--ان

رعد و برق شب ،طنین خندهاش س---یل و طوف---ان، نع---ره توفن---ده اش

دکم---ه پی--راهن او آفت--اب ب-رق تی-غ خنج-ر او ماهتاب

هیچکس از جای او آگاه نیس-ت هیچکس را در حضورش راه نیست

پیش از اینها خاطرم دلگیر ب-ود از خ--دا در ذه--نم ای--ن تص--ویر ب--ود

آن خدا بی رحم بود و خشمگین خان---ه اش در آس---مان، دور از زم---ین

ب--ود، ام--ا در می--ان م--ا نب--ود مهرب--ان و س--اده و زیب--ا نب--ود

در دل او دوستی جایی نداش-ت مهرب--انی ه--یچ معن--ایی نداش--ت

هرچه می پرس-ید م از خ-و د از خ-د ا از زم---ین از آس---مان از ابره---ا زود م--ی گفتن--د ای--ن ک--ار خداس--ت پرس وجو از کار او کاری خطاست با همین قصه دلم مشغول ب-ود خواب هایم، خواب دیو و غول ب-ود خواب می دیدم که غ-رق آتش-م در ده---ان اژده---ای سرکش---م

ص: 21

نی--ت م--ن، در نم--از و در دع--ا ت--رس ب--ود و وحش--ت از خش--م خ--دا

هرچه می کردم همه از ت-ر س ب-و د مث--ل از ب--ر ک--ردن ی--ک درس ب--ود تلخ، مثل خن-ده ای ب-ی حوص-له س--خت، مث--ل ح--ل ص--دها مس--ئله تا که یک شب دست در دس-ت پ-در راه افت--ادم ب--ه قص--د ی--ک س--فر

خان--ه ای دی--دیم، خ--وب و آش--نادر می--ان راه، در ی--ک روس--تا

گفت: اینجا خان-ه خ-وب خداس-ت زود پرسیدم پدر اینج-ا کجاس-ت؟

خانه اش اینجاست اینجا در زمین؟گفتمش پس آن خدای خش-مگی ن

ف-رشه-ایش از گل- یم و بوریاس- تگفت: آری خان-ه او ب-ی ریاس-ت

مث--ل ن--وری در دل آیین--ه اس--ت مهربان و ساده و بی کینه اس-ت

ن--ام او ن--ور و نش--انش روش--نی عادت او نیست خشم و دشمنی

مث--ل قه--ر مهرب--ان م--ادر اس--ت قهر او، از آشتی شیرین تر اس-ت

ای--ن خ--دای مهرب--ان و آشناس--ت تازه فهمیدم خدایم، ای-ن خداس-ت

از رگ گ--ردن ب--ه م--ن نزدی--کت--ردوستی، از من به من نزدیک تر

دوست باشم دوست، پاک و بی ریامی توانم بعد از این، با این خ-دا

ص--اف و س--اده مث--ل بلب--ل ح--رف زدمی توان درب-اره گ-ل ح-رف زد

ب--ا الفب--ای س--کوت، آواز خوان--دمی توان تصنیفی از پرواز خوان-د

ب--ا زب--انی ب--ی الفب--ا ح--رف زدمی توان مثل علف ه-ا ح-رف زد

م--ی ت--وان ش--عری خی--ال انگی--ز گف--تمی ت-وان درب-اره هرچی-ز گف-ت

پیش از اینها فکر می ک-ردم خ-دا (1)مث--ل ای--ن ش--عر روان و آش--نا

سؤال

به نظرشما کدام خدا، خدای واقعی است؟ خدایی که می شود با او راحت حرف زد یا خدایی که ارتباط با او سخت و بی فایده است .

1- قیصرامین پور

خدا در قرآن

قرآن کریم، او را اینگونه معرفی می کند:

"بسم الرحمن الرحیم"(1) خدایی که همیشه و همه جا رحمت و مهربانی اش شامل حال همه بندگانش می باشد؛

"هو الَّذِی یَقْبَلُ التوبهَ عَن عِبَاده"(2)؛ خدا، کسی است که همیشه توبه بندگانش را پذیراست؛

"إنَّ لَغَفُورٌ رَحِیمٌ "؛(3)خدایی که همیشه می بخشد و با مهربانی برخورد می کند؛

و امیرالمؤمنان(ع) خدای متعال را این گونه معرفی می کند: "یا مَ-نْ سَ-بَقَتْ رَحْمَتُ-هُ غَضَ-بَه"(4)؛ خدایی که رحمت، لطف و مهربانی اش، همیشه بر خشم و غضبش پیشی گرفته است.

خدایا ،به ما کمک کن تا آنگونه که هستی بشناسیمت.

ص: 23

1- ابتدای همهٔ سوره ها .
2- شوری: ۲۵.
3- نحل: ۱۸.
4- دعای کمیل

6. بهترین هم کلام

راهبرد جلسه

در این جلسه، به تبین این موضوع می پردازیم که عاشق و معشوق به دنبال فرصتی برای هم کلام شدن می گردند .این مطلب در قالب داستانی کوتاه و آیاتی از قرآن کریم ارائه می شود.

جذابیت اولیه

جذابیت اولیه (1)

کشتی در یک سفر دریایی در میان طوفان شکست و غرق شد. تنها دو مرد توانس-تند نج-ات پیدا کنند و شنا کنان خود را به جزیره کوچکی برسانند. آن دو هیچ چاره ای ندیدن-د ج-ز دع-اکردن و کمک خواستن از خداوند متعال. جالب اینکه، هر کدام ادعا می کردند هم کلامی بهت-رازخدا ندارد وخدا او را بیشتر دوست دارد و دعای او را زودتر اجابت خواهد کرد. تصمیم گرفتند که جزیره را به دو قسمت تقسیم کنند و هر کدام در قسمت خودش دست به دع-ا ب-ردارد ت-ابببینند کدام یک زودتر به خواسته هایش می رسد. نخستین چیزی که هردو از خدا خواستند، غذا بود .ص-بح روز بع-د م-رد اول، می-وه ای را ب-الا ی درخت-ی در قس-مت خ-ودش دی-د و ب-ا آن گرسنگی اش را بر طرف کرد؛ اما سرزمین مرد دوم هنوز خالی از هر گیاه و نعمتی ب-ود . هفت-ه بعد دو جزیره نشین احساس تنهایی کردند .مرد اول دست ب-ه دع-ا برداش-ت و از خ-دا طل-به مسر کرد. روز بعد کشتی دیگری شکست و غرق شد و تنها نجات یافته آن یک زن بود که به طرف بخشی که مرد اول قرار داشت شنا کرد. در سمت دیگر مرد دوم هنوز هیچ همراهی نداشت .

بار دیگر مرد اول از خداوند طلب لباس و غذای بیشتری نمود. در روز بعد مثل اینکه جادو شده باشد، همه چیزهایی که خواسته بود برای او فراهم میشد .اما مرد دوم هنوز هیچ چی-ز

1- مربی داستان را با جذابیت بیان کند.

نداشت .سرانجام مرد اول از خدا طلب یک کشتی نمود تا او و همس-رش آن جز ی-ره را ت-رک کنند. صبح روز بعد مرد، کشت ی را که در قسمت او لنگر انداخته بود پیدا ک-رد و ب-ا همس-رش سوار کشتی شد و تصمیم گرفتند جزیره را بدون مرد دوم ترک کنند. با خودش فکر م-یک-رد که مرد دوم شایسته دریافت نعمت های الهی نیست چرا که هیچ کدام از درخواست ه-ا ی او از طرف پروردگار پاسخ داده نشده بود. هنگامی که کشتی آماده ترک جزیره بود مرد اول ن-دا یی از آسمان شنید: "چرا همراه خود را در جزیره تنها م یگذاری؟"

مرد اول پاسخ داد: نعمت ها تنها برای من است. من تنها کسی بودم که ب-را ی آنه-ا دع-اکردم، اما دعاهای او مستجاب نشد، پس سزاوار هیچ کدام نیست؛ ندا آمد: "تو اشتباه می کنی او تنها کسی بود که من دعاهایش را مستجاب کردم و الا تو نیز هیچ کدام از نعمت های م-رادریافت نمی کردی!"

مرد پرسید: مگر او چه دعایی کرده که من باید بدهکارش باشم؟ او دعا کرد که همه دعاهای تو مستجاب شود.

در مذهب عاشقان قرار دگ-ر اس-ت وی--ن ب--اده ن--اب را خم--ار دگ--ر اس--ت هر علم که در مدرسه، حاصل گردد کار دگر است و عشق کار دگر است

دوستی پایدار

دوست، صدیق، خلیل و حبیب درست است که با هم فرق دارند، اما به دو نفری گفته می شود که بین آنها یک رابطه قلبی و تعلق خاطری وجود داشته باشد.

عزیزان من، تابه حال دوتا دوست صمیمی دیده اید؟

محبت حاکم بین دو دوست صمیمی ب-ه گون-ه ای اس-ت ک-ه هرک-دام ب-ه دنب-ال فرص-تی می گردند تا با هم صحبت کنند. نماز، قرارگاه عشقِ عاشق دل باخته حضرت حق ج-ل جلال-هاست. کسی نماز می خواند که عاشق باشد؛ چون عاشق دوست دارد ب-ا معش-وقش ه-م ک-لامباشد؛ مثل موسای کلیم: "وَکَلَّمَ موسی تکْلیما"(1)وقتی خدا از حضرت موسی(ع) پرس-ید : ای-ن

1- . "و خداوند متعال با حضرت موسی(ع) صحبت می کرد، صحبت کردنی" (نساء: .)١٦٤

چیست در دستانت؟" وَما تِلْکَ بِیَمینِکَ یا مُوسی"(1)حضرت موسی(ع) می توانست بگوید: "عص-ا " و دیگر ادامه ندهد؛ اما شروع می کند به توضیح و تفصیل دادن: "قالَ هِیَ عَصایَ أَتَوَکَّ ؤُا عَلَیْها وَأَهُشُ بِها عَلی غَنَمی وَ لِیَ فیها مَآرِبُ أُخْری"(2)؛ این عصای من است. به آن تکی-ه م-یده-م . ب-ا آن ب-رای

گوسفندانم از درختان برگ می ریزم ،و خیلی کارهای دیگر [به کمکش راه می روم، دفع دشمن می کنم و...] انجام می دهم. حضرت موسی(ع) چون عاشق خدای متعال بود، همیشه به دنبال فرصتی می گشت تا با خدا بیشتر گفت وگو کند؛ چون خدا را از همه چی-ز و هم-ه ک-س بیش-تردوست داشت: " وَّ الذینَ آمَنُوا أَشَدحُباّ للِه ".(3) نماز، یعنی همکلامی با بهترین .

شما چقدر دوست دارید با خدا همکلام شوید؟

خدایا ،به ما توفیق بده تا از صحبت با تو لذت ببریم. آمین .

1- طه : 17.
2- طه: 18.
3- "کسانیکه خدای متعال را باور دارند، او را از همه چیز بیشتر دوست دارند" (بقره: ١٦٥

7. بهترین ارتباط

راهبرد جلسه

ارتباط با خداوند متعال در صدر تعالیم قرآنی قرار دارد و سرلوحه برنامه همه انبیا و اولیا، ایجاد ارتباط بین بنده و معبود بوده است.

در این درس به یاری خدا، سعی می کنیم با بهترین نوع ارتباط آشنا شویم.

جذابیت اولیه

مربی گرامی ،ابتدا سؤالات زیر را پشت سر هم و سریع از دانش آموزان بپرسد .

خلیل ا، روح ا، ذبیح ا، حبیب ا، لقب کدامی ک از انبیای عظام می باشد؟

در صورت متوجه نشدن دانش آموزان، به صورت واضح تر سؤالات را طرح ک-رده، از آن-ان پاسخ را بخواهد .

- خلیل ا لقب کدام یک از انبیای عظام می باشد و به چه معناست؟ حضرت ابراهیم(ع)، دوست خدا.

- روح ا لقب کدام یک از انبیای عظام می باشد و به چه معناست؟ حضرت عیسی(ع)به معنای نسیم الهی.

- ذبیح ا لقب کدام یک از انبیای عظام می باشد و به چه معناست؟ حضرت اسماعیل(ع)، قربانی در راه خدا.

- حبیب ا لقب کدام یک از انبیای عظام می باشد و به چه معناست؟ حضرت محمد(ص)، محبوب خدا .

دوستان من، همانطور که می بینید تمامی این القاب به کلمه "ا"جلَّ جلاله اضافه شده است. این به معنای ارتباط عمیق و قوی بین بهترین ها با خدای متع-ال م-ی باش-د و بر اس-اسقوت و ضعف همین ارتباط، این القاب به انبیا نسبت داده شده است. ش-اهد ب-ر اینک-ه خ-اتم الانبیا(ص)

محبوب خداوند متعال است ،این فرمایش است که: "أَنَّهُ سَيِّدُ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ وَأَنَّهُ سَيِّدُ الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِين"؛ شهادت می دهیم پیامبر اکرم(ص) آقا و سرور اول-ین و آخ-رین اس-ت وشهادت می دهیم آقا و سرور همه انبیا و پیامبران است .

علت این آقایی و بزرگی ارتباط عمیق و خالصانه ایشان است ،"عَبَدْ تَ مُخْلِصا حَتی أَتَ-اکَ الْیَقِینُ" و اثر و نتیجه یک چنین ارتباط بی نظیری،" فَبَلغَ ِبکَ أَفَمَحَ ِّ لِّ الْمُکَرمِینَ وَ أَعْ لَی مَنَ-اِزِلِ الْمُقَرِبِینَ وَأَرْفَعَ دَرَجَاتِ الْمُرْسَلِینَ حَیْثُ لَا یَلْحَقُکَ لَاحِقٌ وَلَایَفُوقُکَ فَائِقٌ وَلَایَسْبِقُکَ سَا بِقٌ وَلَایَطْمَعُ فِی إِدِرَاکِکَ طَامِع"" "class="content_notelink (href="#content_note_28_1">(1)

می باشد .

همه ما در ارتباط هایمان این نکته را در نظر می گیریم، با کسی ارتباط بر ق-رار کن-یم ک-ه قوی و نیرومند، مهربان و با گذشت، ثروتمند و کریم، و مانند اینها باشد .

به نظر شما غیر از خدای مهربان کسی را سراغ دارید که همه این خصوص-یات را در ح-دکمال باشد؟

همانطور که دانستید، ارتباطی بهترین خواه-د ب-ود ک-ه ص-ادقانه و خالص-انه و خ-الی از هرگونه ناخالصی باشد .به همین علت خدای متعال، خلیل، حبیب ،روح و ذبیح را ب-ه خ-ودش نسبت داده است .

بیان داستان

در زمان حضرت موسی(ع) اهل شهر از معصیت جوانی فاسق به تنگ آمدند. زمانی گذش-ت .

ازجانب خداوند به موسی خطاب شد: "موسی ،او را از این دیار بیرون کن".

از آنجا بیرونش کردند او به شهر دیگری رفت و از آنجا هم بیرونش کردند. بر فراز کوهی رفت و طولی نکشید که در غاری مریض شد، کسی نبود از او پرستاری کن-د . ج-وان ص-ورت روی خاک نهاد و عرض کرد: "پروردگار من ،اگر مادرم بر بالینم حاضر بود، برای غریبی م-ن گریه می کرد .حال که پدر و مادر را از من جدا ساختی، رحمتت را از من قطع مکن و چنانچ-ه دل من به آتش فراق آنان سوخت، به آتش غضب خود مسوزان".

چون مناجاتش را پایان برد، ازجانب پروردگار به حور و غلمان خطاب شد:

"به صورت پدر و مادر و فرزندان او درآیید و بر بالینش حاضر شوید".

جوان چشم گشود .آنان را دید و خوشحال شد و از دنیا رفت.

ص: 28

فصل اول:چرا ارتباط؟ چرا ارتباط با خدا؟

1. ارتباط

راهبرد جلسه

در این جلسه، مربی با طرح جدولی فقط به تعریف لفظ ارتباط می پردازد .

جذابیت اولیه

مربی از قبل جدولی را که در شکل زیر ترسیم شده، بر روی مقوای بزرگی طراحی می کند تا در زمان اجرا دچار وقفه نشود. یا اگر قصد ترسیم جدول بر روی تخته را دارد در حین ترسیم ،اولین سؤال را مطرح کند تا هنگام فکر کردن و پاسخ دادن دانش آموزان کشیدن جدول کامل شود .

دوستان گرامی ،ما یک جدول داریم که باید خانه های آن را با پاسخ سؤالهایی ک-ه ش-مامی دهید پر کنیم .سؤالات جدول:(1)

(نشاط)به معنای فرح و شادی می باشد؟

(سلیمان)نام فرزند حضرت داوود(ع)؟

(مهربان)معنای رحیم؟

بهترین اعمال در زمان غیبت امام زمان(عج)است؟ (انتظار)

"أفْضَلُ الاعمال الاِنْتِظاَرُالفْرَجِ مِنَ "(2)؛ با فضیلت ترین اعمال انتظار فرج از خداوند متعال می باشد.

به جمع مرجع م یگویند؟ (مراجع)

آنچه پیامبر اکرم(ص) برای اتمام آن مبعوث شد؟ (اخلاق)

1- جدول ازسمت راست وازبالا به پایین شروع می شود

2- محمدباقرمجلسی ، بحارالانوار، ج 75، ص 208.

1- مستدرک الوسایل، ج ۳، ص ۱۷۵ ۱. میرزا حسین نوری

5. گفت وگو با کدام خدا

راهبرد جلسه

در این جلسه به تبیین این موضوع می پردازیم که خداوند متعال "أرحم الرَّاحمین" است. نه تنها نباید از او ترسید؛ بلکه بهترین دوست و همدم ما می باشد .

جذابیت اولیه

پیش از اینها فکر می کردم خان----ه ای دارد کن----ار ابره----ا

ط--لامث--ل قص--ر پادش--اه قص--ه ه--اخش--تی از الم--اس، خش--تی از

پایه های برجش از ع-اج و بلور سر تختی نشست باغرور

م--اه ب--رق ک--وچکی از ت--اج اوه-ر س-تاره پ-ولکی از ت-اج او

ه-ر س-تاره پ-ولکی از ت-اج اوم--اه ب--رق ک--وچکی از ت--اج او

اطل---س پی---راهن او آس---مان نق--ش روی دام--ن او کهکش--ان

رعد و برق شب ،طنین خندهاش س---یل و طوف---ان، نع---ره توفن---ده اش

دکم---ه پی--راهن او آفت--اب ب-رق تی-غ خنج-ر او ماهتاب

هیچکس از جای او آگاه نیس-ت هیچکس را در حضورش راه نیست

پیش از اینها خاطرم دلگیر ب-ود از خ--دا در ذه--نم ای--ن تص--ویر ب--ود

آن خدا بی رحم بود و خشمگین خان---ه اش در آس---مان، دور از زم---ین

ب--ود، ام--ا در می--ان م--ا نب--ود مهرب--ان و س--اده و زیب--ا نب--ود

در دل او دوستی جایی نداش-ت مهرب--انی ه--یچ معن--ایی نداش--ت

هرچه می پرس-ید م از خ-و د از خ-د ا از زم---ین از آس---مان از ابره---ا زود م--ی گفتن--د ای--ن ک--ار خداس--ت پرس وجو از کار او کاری خطاست با همین قصه دلم مشغول ب-ود خواب هایم، خواب دیو و غول ب-ود خواب می دیدم که غ-رق آتش-م در ده---ان اژده---ای سرکش---م

ص: 21

نی--ت م--ن، در نم--از و در دع--ا ت--رس ب--ود و وحش--ت از خش--م خ--دا

هرچه می کردم همه از ت-ر س ب-و د مث--ل از ب--ر ک--ردن ی--ک درس ب--ود تلخ، مثل خن-ده ای ب-ی حوص-له س--خت، مث--ل ح--ل ص--دها مس--ئله تا که یک شب دست در دس-ت پ-در راه افت--ادم ب--ه قص--د ی--ک س--فر

خان--ه ای دی--دیم، خ--وب و آش--نادر می--ان راه، در ی--ک روس--تا

گفت: اینجا خان-ه خ-وب خداس-ت زود پرسیدم پدر اینج-ا کجاس-ت؟

خانه اش اینجاست اینجا در زمین؟گفتمش پس آن خدای خش-مگی ن

ف-رشه-ایش از گل- یم و بوریاس- تگفت: آری خان-ه او ب-ی ریاس-ت

مث--ل ن--وری در دل آیین--ه اس--ت مهربان و ساده و بی کینه اس-ت

ن--ام او ن--ور و نش--انش روش--نی عادت او نیست خشم و دشمنی

مث--ل قه--ر مهرب--ان م--ادر اس--ت قهر او، از آشتی شیرین تر اس-ت

ای--ن خ--دای مهرب--ان و آشناس--ت تازه فهمیدم خدایم، ای-ن خداس-ت

از رگ گ--ردن ب--ه م--ن نزدی--کت--ردوستی، از من به من نزدیک تر

دوست باشم دوست، پاک و بی ریامی توانم بعد از این، با این خ-دا

ص--اف و س--اده مث--ل بلب--ل ح--رف زدمی توان درب-اره گ-ل ح-رف زد

ب--ا الفب--ای س--کوت، آواز خوان--دمی توان تصنیفی از پرواز خوان-د

ب--ا زب--انی ب--ی الفب--ا ح--رف زدمی توان مثل علف ه-ا ح-رف زد

م--ی ت--وان ش--عری خی--ال انگی--ز گف--تمی ت-وان درب-اره هرچی-ز گف-ت

پیش از اینها فکر می ک-ردم خ-دا (1)مث--ل ای--ن ش--عر روان و آش--نا

سؤال

به نظرشما کدام خدا، خدای واقعی است؟ خدایی که می شود با او راحت حرف زد یا خدایی که ارتباط با او سخت و بی فایده است .

1- قیصرامین پور

خدا در قرآن

قرآن کریم، او را اینگونه معرفی می کند:

"بسم الرحمن الرحیم"(1) خدایی که همیشه و همه جا رحمت و مهربانی اش شامل حال همه بندگانش می باشد؛

"هو الَّذِی یَقْبَلُ التوبهَ عَن عِبَاده"(2)؛ خدا، کسی است که همیشه توبه بندگانش را پذیراست؛

"إنَّ لَغَفُورٌ رَحِیمٌ "؛(3)خدایی که همیشه می بخشد و با مهربانی برخورد می کند؛

و امیرالمؤمنان(ع) خدای متعال را این گونه معرفی می کند: "یا مَ-نْ سَ-بَقَتْ رَحْمَتُ-هُ غَضَ-بَه"(4)؛ خدایی که رحمت، لطف و مهربانی اش، همیشه بر خشم و غضبش پیشی گرفته است.

خدایا ،به ما کمک کن تا آنگونه که هستی بشناسیمت.

ص: 23

1- ابتدای همهٔ سوره ها .
2- شوری: ۲۵.
3- نحل: ۱۸.
4- دعای کمیل

6. بهترین هم کلام

راهبرد جلسه

در این جلسه، به تبین این موضوع می پردازیم که عاشق و معشوق به دنبال فرصتی برای هم کلام شدن می گردند .این مطلب در قالب داستانی کوتاه و آیاتی از قرآن کریم ارائه می شود.

جذابیت اولیه

جذابیت اولیه (1)

کشتی در یک سفر دریایی در میان طوفان شکست و غرق شد. تنها دو مرد توانس-تند نج-ات پیدا کنند و شنا کنان خود را به جزیره کوچکی برسانند. آن دو هیچ چاره ای ندیدن-د ج-ز دع-اکردن و کمک خواستن از خداوند متعال. جالب اینکه، هر کدام ادعا می کردند هم کلامی بهت-رازخدا ندارد وخدا او را بیشتر دوست دارد و دعای او را زودتر اجابت خواهد کرد. تصمیم گرفتند که جزیره را به دو قسمت تقسیم کنند و هر کدام در قسمت خودش دست به دع-ا ب-ردارد ت-ابببینند کدام یک زودتر به خواسته هایش می رسد. نخستین چیزی که هردو از خدا خواستند، غذا بود .ص-بح روز بع-د م-رد اول، می-وه ای را ب-الا ی درخت-ی در قس-مت خ-ودش دی-د و ب-ا آن گرسنگی اش را بر طرف کرد؛ اما سرزمین مرد دوم هنوز خالی از هر گیاه و نعمتی ب-ود . هفت-ه بعد دو جزیره نشین احساس تنهایی کردند .مرد اول دست ب-ه دع-ا برداش-ت و از خ-دا طل-به مسر کرد. روز بعد کشتی دیگری شکست و غرق شد و تنها نجات یافته آن یک زن بود که به طرف بخشی که مرد اول قرار داشت شنا کرد. در سمت دیگر مرد دوم هنوز هیچ همراهی نداشت .

بار دیگر مرد اول از خداوند طلب لباس و غذای بیشتری نمود. در روز بعد مثل اینکه جادو شده باشد، همه چیزهایی که خواسته بود برای او فراهم میشد .اما مرد دوم هنوز هیچ چی-ز

1- مربی داستان را با جذابیت بیان کند.

نداشت .سرانجام مرد اول از خدا طلب یک کشتی نمود تا او و همس-رش آن جز ی-ره را ت-رک کنند. صبح روز بعد مرد، کشت ی را که در قسمت او لنگر انداخته بود پیدا ک-رد و ب-ا همس-رش سوار کشتی شد و تصمیم گرفتند جزیره را بدون مرد دوم ترک کنند. با خودش فکر م-یک-رد که مرد دوم شایسته دریافت نعمت های الهی نیست چرا که هیچ کدام از درخواست ه-ا ی او از طرف پروردگار پاسخ داده نشده بود. هنگامی که کشتی آماده ترک جزیره بود مرد اول ن-دا یی از آسمان شنید: "چرا همراه خود را در جزیره تنها م یگذاری؟"

مرد اول پاسخ داد: نعمت ها تنها برای من است. من تنها کسی بودم که ب-را ی آنه-ا دع-اکردم، اما دعاهای او مستجاب نشد، پس سزاوار هیچ کدام نیست؛ ندا آمد: "تو اشتباه می کنی او تنها کسی بود که من دعاهایش را مستجاب کردم و الا تو نیز هیچ کدام از نعمت های م-رادریافت نمی کردی!"

مرد پرسید: مگر او چه دعایی کرده که من باید بدهکارش باشم؟ او دعا کرد که همه دعاهای تو مستجاب شود.

در مذهب عاشقان قرار دگ-ر اس-ت وی--ن ب--اده ن--اب را خم--ار دگ--ر اس--ت هر علم که در مدرسه، حاصل گردد کار دگر است و عشق کار دگر است

دوستی پایدار

دوست، صدیق، خلیل و حبیب درست است که با هم فرق دارند، اما به دو نفری گفته می شود که بین آنها یک رابطه قلبی و تعلق خاطری وجود داشته باشد.

عزیزان من، تابه حال دوتا دوست صمیمی دیده اید؟

محبت حاکم بین دو دوست صمیمی ب-ه گون-ه ای اس-ت ک-ه هرک-دام ب-ه دنب-ال فرص-تی می گردند تا با هم صحبت کنند. نماز، قرارگاه عشقِ عاشق دل باخته حضرت حق ج-ل جلال-هاست. کسی نماز می خواند که عاشق باشد؛ چون عاشق دوست دارد ب-ا معش-وقش ه-م ک-لامباشد؛ مثل موسای کلیم: "وَکَلَّمَ موسی تکْلیما"(1)وقتی خدا از حضرت موسی(ع) پرس-ید : ای-ن

1- . "و خداوند متعال با حضرت موسی(ع) صحبت می کرد، صحبت کردنی" (نساء: .)١٦٤

چیست در دستانت؟" وَما تِلْکَ بِیَمینِکَ یا مُوسی"(1)حضرت موسی(ع) می توانست بگوید: "عص-ا " و دیگر ادامه ندهد؛ اما شروع می کند به توضیح و تفصیل دادن: "قالَ هِیَ عَصایَ أَتَوَکَّ ؤُا عَلَیْها وَأَهُشُ بِها عَلی غَنَمی وَ لِیَ فیها مَآرِبُ أُخْری"(2)؛ این عصای من است. به آن تکی-ه م-یده-م . ب-ا آن ب-رای

گوسفندانم از درختان برگ می ریزم ،و خیلی کارهای دیگر [به کمکش راه می روم، دفع دشمن می کنم و...] انجام می دهم. حضرت موسی(ع) چون عاشق خدای متعال بود، همیشه به دنبال فرصتی می گشت تا با خدا بیشتر گفت وگو کند؛ چون خدا را از همه چی-ز و هم-ه ک-س بیش-تردوست داشت: " وَّ الذینَ آمَنُوا أَشَدحُباّ للِه ".(3) نماز، یعنی همکلامی با بهترین .

شما چقدر دوست دارید با خدا همکلام شوید؟

خدایا ،به ما توفیق بده تا از صحبت با تو لذت ببریم. آمین .

1- طه : 17.
2- طه: 18.
3- "کسانیکه خدای متعال را باور دارند، او را از همه چیز بیشتر دوست دارند" (بقره: ١٦٥

7. بهترین ارتباط

راهبرد جلسه

ارتباط با خداوند متعال در صدر تعالیم قرآنی قرار دارد و سرلوحه برنامه همه انبیا و اولیا، ایجاد ارتباط بین بنده و معبود بوده است.

در این درس به یاری خدا، سعی می کنیم با بهترین نوع ارتباط آشنا شویم.

جذابیت اولیه

مربی گرامی ،ابتدا سؤالات زیر را پشت سر هم و سریع از دانش آموزان بپرسد .

خلیل ا، روح ا، ذبیح ا، حبیب ا، لقب کدامی ک از انبیای عظام می باشد؟

در صورت متوجه نشدن دانش آموزان، به صورت واضح تر سؤالات را طرح ک-رده، از آن-ان پاسخ را بخواهد .

- خلیل ا لقب کدام یک از انبیای عظام می باشد و به چه معناست؟ حضرت ابراهیم(ع)، دوست خدا.

- روح ا لقب کدام یک از انبیای عظام می باشد و به چه معناست؟ حضرت عیسی(ع)به معنای نسیم الهی.

- ذبیح ا لقب کدام یک از انبیای عظام می باشد و به چه معناست؟ حضرت اسماعیل(ع)، قربانی در راه خدا.

- حبیب ا لقب کدام یک از انبیای عظام می باشد و به چه معناست؟ حضرت محمد(ص)، محبوب خدا .

دوستان من، همانطور که می بینید تمامی این القاب به کلمه "ا"جلَّ جلاله اضافه شده است. این به معنای ارتباط عمیق و قوی بین بهترین ها با خدای متع-ال م-ی باش-د و بر اس-اسقوت و ضعف همین ارتباط، این القاب به انبیا نسبت داده شده است. ش-اهد ب-ر اینک-ه خ-اتم الانبیا(ص)

محبوب خداوند متعال است ،این فرمایش است که: "أَنَّهُ سَيِّدُ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ وَأَنَّهُ سَيِّدُ الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِين"؛ شهادت می دهیم پیامبر اکرم(ص) آقا و سرور اول-ین و آخ-رین اس-ت وشهادت می دهیم آقا و سرور همه انبیا و پیامبران است .

علت این آقایی و بزرگی ارتباط عمیق و خالصانه ایشان است ،"عَبَدْ تَ مُخْلِصا حَتی أَتَ-اکَ الْیَقِینُ" و اثر و نتیجه یک چنین ارتباط بی نظیری،" فَبَلغَ ِبکَ أَفَمَحَ ِّ لِّ الْمُکَرمِینَ وَ أَعْ لَی مَنَ-اِزِلِ الْمُقَرِبِینَ وَأَرْفَعَ دَرَجَاتِ الْمُرْسَلِینَ حَیْثُ لَا یَلْحَقُکَ لَاحِقٌ وَلَایَفُوقُکَ فَائِقٌ وَلَایَسْبِقُکَ سَا بِقٌ وَلَایَطْمَعُ فِی إِدِرَاکِکَ طَامِع"" "class="content_notelink (href="#content_note_28_1">(1)

می باشد .

همه ما در ارتباط هایمان این نکته را در نظر می گیریم، با کسی ارتباط بر ق-رار کن-یم ک-ه قوی و نیرومند، مهربان و با گذشت، ثروتمند و کریم، و مانند اینها باشد .

به نظر شما غیر از خدای مهربان کسی را سراغ دارید که همه این خصوص-یات را در ح-دکمال باشد؟

همانطور که دانستید، ارتباطی بهترین خواه-د ب-ود ک-ه ص-ادقانه و خالص-انه و خ-الی از هرگونه ناخالصی باشد .به همین علت خدای متعال، خلیل، حبیب ،روح و ذبیح را ب-ه خ-ودش نسبت داده است .

بیان داستان

در زمان حضرت موسی(ع) اهل شهر از معصیت جوانی فاسق به تنگ آمدند. زمانی گذش-ت .

ازجانب خداوند به موسی خطاب شد: "موسی ،او را از این دیار بیرون کن".

از آنجا بیرونش کردند او به شهر دیگری رفت و از آنجا هم بیرونش کردند. بر فراز کوهی رفت و طولی نکشید که در غاری مریض شد، کسی نبود از او پرستاری کن-د . ج-وان ص-ورت روی خاک نهاد و عرض کرد: "پروردگار من ،اگر مادرم بر بالینم حاضر بود، برای غریبی م-ن گریه می کرد .حال که پدر و مادر را از من جدا ساختی، رحمتت را از من قطع مکن و چنانچ-ه دل من به آتش فراق آنان سوخت، به آتش غضب خود مسوزان".

چون مناجاتش را پایان برد، ازجانب پروردگار به حور و غلمان خطاب شد:

"به صورت پدر و مادر و فرزندان او درآیید و بر بالینش حاضر شوید".

جوان چشم گشود .آنان را دید و خوشحال شد و از دنیا رفت.

ص: 28

"إِنِمَّاَ بُعِثْتُ لِأُتَمِّمَ مَکاَرِمِ الْأَخْلَا قِ"(1)؛ به تحقیق من مبعوث شدم تا مکارم اخلاق را کامل کنم.

خودمانی آن می شود: آخر مرام و معرفت را به نمایش بگذارم.

حالا باید پیام جدول را پیدا کنیم. پیام آن در شکل اریب از قسمت بالای سمت چ-پ ب-ه قسمت پایین سمت راست می باشد که کلمه "ارتباط" میباشد .بچ-ه ه-ای گل-م، چ-ه کس-ی می داند ارتباط به چه معناست؟(2)

به تعامل و رابطه دوطرفه ای که انسان ها برای رفع نیازها و انگی-زه ه-ای خ-ود در زن-دگی ایجاد می کنند، ارتباط می گویند. ابزارارتباط عبارت اند از: استفاده از کلمات، حرکات، ح-الات،صداها و اعمالی که برای توصیف احساسات و بیان معانی و مفاهیم مورد نظر به ک-ار م-ی رود .یک-ی از مه-م ت-رین آث-ار ارتب-اط ، ایج-اد س-لامتی و آرام-ش در انس-ان م-ی باش-د . در سیره

1- میرزاحسین نوری، مستدرک الوسایل ، ج 11، ص 187.
2- مربی محترم پاسخ دانش آموزان رابشنود

1- مستدرک الوسایل، ج ۳، ص ۱۷۵ ۱. میرزا حسین نوری

5. گفت وگو با کدام خدا

راهبرد جلسه

در این جلسه به تبیین این موضوع می پردازیم که خداوند متعال "أرحم الرَّاحمین" است. نه تنها نباید از او ترسید؛ بلکه بهترین دوست و همدم ما می باشد .

جذابیت اولیه

پیش از اینها فکر می کردم خان----ه ای دارد کن----ار ابره----ا

ط--لامث--ل قص--ر پادش--اه قص--ه ه--اخش--تی از الم--اس، خش--تی از

پایه های برجش از ع-اج و بلور سر تختی نشست باغرور

م--اه ب--رق ک--وچکی از ت--اج اوه-ر س-تاره پ-ولکی از ت-اج او

ه-ر س-تاره پ-ولکی از ت-اج اوم--اه ب--رق ک--وچکی از ت--اج او

اطل---س پی---راهن او آس---مان نق--ش روی دام--ن او کهکش--ان

رعد و برق شب ،طنین خندهاش س---یل و طوف---ان، نع---ره توفن---ده اش

دکم---ه پی--راهن او آفت--اب ب-رق تی-غ خنج-ر او ماهتاب

هیچکس از جای او آگاه نیس-ت هیچکس را در حضورش راه نیست

پیش از اینها خاطرم دلگیر ب-ود از خ--دا در ذه--نم ای--ن تص--ویر ب--ود

آن خدا بی رحم بود و خشمگین خان---ه اش در آس---مان، دور از زم---ین

ب--ود، ام--ا در می--ان م--ا نب--ود مهرب--ان و س--اده و زیب--ا نب--ود

در دل او دوستی جایی نداش-ت مهرب--انی ه--یچ معن--ایی نداش--ت

هرچه می پرس-ید م از خ-و د از خ-د ا از زم---ین از آس---مان از ابره---ا زود م--ی گفتن--د ای--ن ک--ار خداس--ت پرس وجو از کار او کاری خطاست با همین قصه دلم مشغول ب-ود خواب هایم، خواب دیو و غول ب-ود خواب می دیدم که غ-رق آتش-م در ده---ان اژده---ای سرکش---م

ص: 21

نی--ت م--ن، در نم--از و در دع--ا ت--رس ب--ود و وحش--ت از خش--م خ--دا

هرچه می کردم همه از ت-ر س ب-و د مث--ل از ب--ر ک--ردن ی--ک درس ب--ود تلخ، مثل خن-ده ای ب-ی حوص-له س--خت، مث--ل ح--ل ص--دها مس--ئله تا که یک شب دست در دس-ت پ-در راه افت--ادم ب--ه قص--د ی--ک س--فر

خان--ه ای دی--دیم، خ--وب و آش--نادر می--ان راه، در ی--ک روس--تا

گفت: اینجا خان-ه خ-وب خداس-ت زود پرسیدم پدر اینج-ا کجاس-ت؟

خانه اش اینجاست اینجا در زمین؟گفتمش پس آن خدای خش-مگی ن

ف-رشه-ایش از گل- یم و بوریاس- تگفت: آری خان-ه او ب-ی ریاس-ت

مث--ل ن--وری در دل آیین--ه اس--ت مهربان و ساده و بی کینه اس-ت

ن--ام او ن--ور و نش--انش روش--نی عادت او نیست خشم و دشمنی

مث--ل قه--ر مهرب--ان م--ادر اس--ت قهر او، از آشتی شیرین تر اس-ت

ای--ن خ--دای مهرب--ان و آشناس--ت تازه فهمیدم خدایم، ای-ن خداس-ت

از رگ گ--ردن ب--ه م--ن نزدی--کت--ردوستی، از من به من نزدیک تر

دوست باشم دوست، پاک و بی ریامی توانم بعد از این، با این خ-دا

ص--اف و س--اده مث--ل بلب--ل ح--رف زدمی توان درب-اره گ-ل ح-رف زد

ب--ا الفب--ای س--کوت، آواز خوان--دمی توان تصنیفی از پرواز خوان-د

ب--ا زب--انی ب--ی الفب--ا ح--رف زدمی توان مثل علف ه-ا ح-رف زد

م--ی ت--وان ش--عری خی--ال انگی--ز گف--تمی ت-وان درب-اره هرچی-ز گف-ت

پیش از اینها فکر می ک-ردم خ-دا (1)مث--ل ای--ن ش--عر روان و آش--نا

سؤال

به نظرشما کدام خدا، خدای واقعی است؟ خدایی که می شود با او راحت حرف زد یا خدایی که ارتباط با او سخت و بی فایده است .

1- قیصرامین پور

خدا در قرآن

قرآن کریم، او را اینگونه معرفی می کند:

"بسم الرحمن الرحیم"(1) خدایی که همیشه و همه جا رحمت و مهربانی اش شامل حال همه بندگانش می باشد؛

"هو الَّذِی یَقْبَلُ التوبهَ عَن عِبَاده"(2)؛ خدا، کسی است که همیشه توبه بندگانش را پذیراست؛

"إنَّ لَغَفُورٌ رَحِیمٌ "؛(3)خدایی که همیشه می بخشد و با مهربانی برخورد می کند؛

و امیرالمؤمنان(ع) خدای متعال را این گونه معرفی می کند: "یا مَ-نْ سَ-بَقَتْ رَحْمَتُ-هُ غَضَ-بَه"(4)؛ خدایی که رحمت، لطف و مهربانی اش، همیشه بر خشم و غضبش پیشی گرفته است.

خدایا ،به ما کمک کن تا آنگونه که هستی بشناسیمت.

ص: 23

1- ابتدای همهٔ سوره ها .
2- شوری: ۲۵.
3- نحل: ۱۸.
4- دعای کمیل

6. بهترین هم کلام

راهبرد جلسه

در این جلسه، به تبین این موضوع می پردازیم که عاشق و معشوق به دنبال فرصتی برای هم کلام شدن می گردند .این مطلب در قالب داستانی کوتاه و آیاتی از قرآن کریم ارائه می شود.

جذابیت اولیه

جذابیت اولیه (1)

کشتی در یک سفر دریایی در میان طوفان شکست و غرق شد. تنها دو مرد توانس-تند نج-ات پیدا کنند و شنا کنان خود را به جزیره کوچکی برسانند. آن دو هیچ چاره ای ندیدن-د ج-ز دع-اکردن و کمک خواستن از خداوند متعال. جالب اینکه، هر کدام ادعا می کردند هم کلامی بهت-رازخدا ندارد وخدا او را بیشتر دوست دارد و دعای او را زودتر اجابت خواهد کرد. تصمیم گرفتند که جزیره را به دو قسمت تقسیم کنند و هر کدام در قسمت خودش دست به دع-ا ب-ردارد ت-ابببینند کدام یک زودتر به خواسته هایش می رسد. نخستین چیزی که هردو از خدا خواستند، غذا بود .ص-بح روز بع-د م-رد اول، می-وه ای را ب-الا ی درخت-ی در قس-مت خ-ودش دی-د و ب-ا آن گرسنگی اش را بر طرف کرد؛ اما سرزمین مرد دوم هنوز خالی از هر گیاه و نعمتی ب-ود . هفت-ه بعد دو جزیره نشین احساس تنهایی کردند .مرد اول دست ب-ه دع-ا برداش-ت و از خ-دا طل-به مسر کرد. روز بعد کشتی دیگری شکست و غرق شد و تنها نجات یافته آن یک زن بود که به طرف بخشی که مرد اول قرار داشت شنا کرد. در سمت دیگر مرد دوم هنوز هیچ همراهی نداشت .

بار دیگر مرد اول از خداوند طلب لباس و غذای بیشتری نمود. در روز بعد مثل اینکه جادو شده باشد، همه چیزهایی که خواسته بود برای او فراهم میشد .اما مرد دوم هنوز هیچ چی-ز

1- مربی داستان را با جذابیت بیان کند.

نداشت .سرانجام مرد اول از خدا طلب یک کشتی نمود تا او و همس-رش آن جز ی-ره را ت-رک کنند. صبح روز بعد مرد، کشت ی را که در قسمت او لنگر انداخته بود پیدا ک-رد و ب-ا همس-رش سوار کشتی شد و تصمیم گرفتند جزیره را بدون مرد دوم ترک کنند. با خودش فکر م-یک-رد که مرد دوم شایسته دریافت نعمت های الهی نیست چرا که هیچ کدام از درخواست ه-ا ی او از طرف پروردگار پاسخ داده نشده بود. هنگامی که کشتی آماده ترک جزیره بود مرد اول ن-دا یی از آسمان شنید: "چرا همراه خود را در جزیره تنها م یگذاری؟"

مرد اول پاسخ داد: نعمت ها تنها برای من است. من تنها کسی بودم که ب-را ی آنه-ا دع-اکردم، اما دعاهای او مستجاب نشد، پس سزاوار هیچ کدام نیست؛ ندا آمد: "تو اشتباه می کنی او تنها کسی بود که من دعاهایش را مستجاب کردم و الا تو نیز هیچ کدام از نعمت های م-رادریافت نمی کردی!"

مرد پرسید: مگر او چه دعایی کرده که من باید بدهکارش باشم؟ او دعا کرد که همه دعاهای تو مستجاب شود.

در مذهب عاشقان قرار دگ-ر اس-ت وی--ن ب--اده ن--اب را خم--ار دگ--ر اس--ت هر علم که در مدرسه، حاصل گردد کار دگر است و عشق کار دگر است

دوستی پایدار

دوست، صدیق، خلیل و حبیب درست است که با هم فرق دارند، اما به دو نفری گفته می شود که بین آنها یک رابطه قلبی و تعلق خاطری وجود داشته باشد.

عزیزان من، تابه حال دوتا دوست صمیمی دیده اید؟

محبت حاکم بین دو دوست صمیمی ب-ه گون-ه ای اس-ت ک-ه هرک-دام ب-ه دنب-ال فرص-تی می گردند تا با هم صحبت کنند. نماز، قرارگاه عشقِ عاشق دل باخته حضرت حق ج-ل جلال-هاست. کسی نماز می خواند که عاشق باشد؛ چون عاشق دوست دارد ب-ا معش-وقش ه-م ک-لامباشد؛ مثل موسای کلیم: "وَکَلَّمَ موسی تکْلیما"(1)وقتی خدا از حضرت موسی(ع) پرس-ید : ای-ن

1- . "و خداوند متعال با حضرت موسی(ع) صحبت می کرد، صحبت کردنی" (نساء: .)١٦٤

چیست در دستانت؟" وَما تِلْکَ بِیَمینِکَ یا مُوسی"(1)حضرت موسی(ع) می توانست بگوید: "عص-ا " و دیگر ادامه ندهد؛ اما شروع می کند به توضیح و تفصیل دادن: "قالَ هِیَ عَصایَ أَتَوَکَّ ؤُا عَلَیْها وَأَهُشُ بِها عَلی غَنَمی وَ لِیَ فیها مَآرِبُ أُخْری"(2)؛ این عصای من است. به آن تکی-ه م-یده-م . ب-ا آن ب-رای

گوسفندانم از درختان برگ می ریزم ،و خیلی کارهای دیگر [به کمکش راه می روم، دفع دشمن می کنم و...] انجام می دهم. حضرت موسی(ع) چون عاشق خدای متعال بود، همیشه به دنبال فرصتی می گشت تا با خدا بیشتر گفت وگو کند؛ چون خدا را از همه چی-ز و هم-ه ک-س بیش-تردوست داشت: " وَّ الذینَ آمَنُوا أَشَدحُباّ للِه ".(3) نماز، یعنی همکلامی با بهترین .

شما چقدر دوست دارید با خدا همکلام شوید؟

خدایا ،به ما توفیق بده تا از صحبت با تو لذت ببریم. آمین .

1- طه : 17.
2- طه: 18.
3- "کسانیکه خدای متعال را باور دارند، او را از همه چیز بیشتر دوست دارند" (بقره: ١٦٥

7. بهترین ارتباط

راهبرد جلسه

ارتباط با خداوند متعال در صدر تعالیم قرآنی قرار دارد و سرلوحه برنامه همه انبیا و اولیا، ایجاد ارتباط بین بنده و معبود بوده است.

در این درس به یاری خدا، سعی می کنیم با بهترین نوع ارتباط آشنا شویم.

جذابیت اولیه

مربی گرامی ،ابتدا سؤالات زیر را پشت سر هم و سریع از دانش آموزان بپرسد .

خلیل ا، روح ا، ذبیح ا، حبیب ا، لقب کدامی ک از انبیای عظام می باشد؟

در صورت متوجه نشدن دانش آموزان، به صورت واضح تر سؤالات را طرح ک-رده، از آن-ان پاسخ را بخواهد .

- خلیل ا لقب کدام یک از انبیای عظام می باشد و به چه معناست؟ حضرت ابراهیم(ع)، دوست خدا.

- روح ا لقب کدام یک از انبیای عظام می باشد و به چه معناست؟ حضرت عیسی(ع)به معنای نسیم الهی.

- ذبیح ا لقب کدام یک از انبیای عظام می باشد و به چه معناست؟ حضرت اسماعیل(ع)، قربانی در راه خدا.

- حبیب ا لقب کدام یک از انبیای عظام می باشد و به چه معناست؟ حضرت محمد(ص)، محبوب خدا .

دوستان من، همانطور که می بینید تمامی این القاب به کلمه "ا"جلَّ جلاله اضافه شده است. این به معنای ارتباط عمیق و قوی بین بهترین ها با خدای متع-ال م-ی باش-د و بر اس-اسقوت و ضعف همین ارتباط، این القاب به انبیا نسبت داده شده است. ش-اهد ب-ر اینک-ه خ-اتم الانبیا(ص)

محبوب خداوند متعال است ،این فرمایش است که: "أَنَّهُ سَيِّدُ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ وَأَنَّهُ سَيِّدُ الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِين"؛ شهادت می دهیم پیامبر اکرم(ص) آقا و سرور اول-ین و آخ-رین اس-ت وشهادت می دهیم آقا و سرور همه انبیا و پیامبران است .

علت این آقایی و بزرگی ارتباط عمیق و خالصانه ایشان است ،"عَبَدْ تَ مُخْلِصا حَتی أَتَ-اکَ الْیَقِینُ" و اثر و نتیجه یک چنین ارتباط بی نظیری،" فَبَلغَ ِبکَ أَفَمَحَ ِّ لِّ الْمُکَرمِینَ وَ أَعْ لَی مَنَ-اِزِلِ الْمُقَرِبِینَ وَأَرْفَعَ دَرَجَاتِ الْمُرْسَلِینَ حَیْثُ لَا یَلْحَقُکَ لَاحِقٌ وَلَایَفُوقُکَ فَائِقٌ وَلَایَسْبِقُکَ سَا بِقٌ وَلَایَطْمَعُ فِی إِدِرَاکِکَ طَامِع"" "class="content_notelink (href="#content_note_28_1">(1)

می باشد .

همه ما در ارتباط هایمان این نکته را در نظر می گیریم، با کسی ارتباط بر ق-رار کن-یم ک-ه قوی و نیرومند، مهربان و با گذشت، ثروتمند و کریم، و مانند اینها باشد .

به نظر شما غیر از خدای مهربان کسی را سراغ دارید که همه این خصوص-یات را در ح-دکمال باشد؟

همانطور که دانستید، ارتباطی بهترین خواه-د ب-ود ک-ه ص-ادقانه و خالص-انه و خ-الی از هرگونه ناخالصی باشد .به همین علت خدای متعال، خلیل، حبیب ،روح و ذبیح را ب-ه خ-ودش نسبت داده است .

بیان داستان

در زمان حضرت موسی(ع) اهل شهر از معصیت جوانی فاسق به تنگ آمدند. زمانی گذش-ت .

ازجانب خداوند به موسی خطاب شد: "موسی ،او را از این دیار بیرون کن".

از آنجا بیرونش کردند او به شهر دیگری رفت و از آنجا هم بیرونش کردند. بر فراز کوهی رفت و طولی نکشید که در غاری مریض شد، کسی نبود از او پرستاری کن-د . ج-وان ص-ورت روی خاک نهاد و عرض کرد: "پروردگار من ،اگر مادرم بر بالینم حاضر بود، برای غریبی م-ن گریه می کرد .حال که پدر و مادر را از من جدا ساختی، رحمتت را از من قطع مکن و چنانچ-ه دل من به آتش فراق آنان سوخت، به آتش غضب خود مسوزان".

چون مناجاتش را پایان برد، ازجانب پروردگار به حور و غلمان خطاب شد:

"به صورت پدر و مادر و فرزندان او درآیید و بر بالینش حاضر شوید".

جوان چشم گشود .آنان را دید و خوشحال شد و از دنیا رفت.

ص: 28

معصومان: به همان اندازه که به داشتن ارتباط و تعامل تأکید شده، از قهر و ج-دایی نه-ی شده است. تمام روایاتی که مربوط به رفاقت، صله رح-م ، دوس-تی ، آداب معاش-رت و نه-ی ازعداوت و دشمنی است نشان دهنده اهمیت این مطلب است، همانطور که پی-امبر اک-رم(ص) فرمودند: "َّالرفِیقُ ثمُ الطَّرِیق"(1)؛ابتدا پیدا کردن رفیق [و ارتباط سالم] ،بعد پیمودن مسیر [رشد و تعالی] .ما نیز باید همان مسیر را طی کنیم تا در راه سعادت و انسانیت قرار بگیریم.

خدایا به ما کمک کن در ارتباط خوب و صحیح با دیگران موفق باشیم. آمین .

1- ابوجعفر برقی ، المحاسن ، ج 2، ص 357.

1- مستدرک الوسایل، ج ۳، ص ۱۷۵ ۱. میرزا حسین نوری

5. گفت وگو با کدام خدا

راهبرد جلسه

در این جلسه به تبیین این موضوع می پردازیم که خداوند متعال "أرحم الرَّاحمین" است. نه تنها نباید از او ترسید؛ بلکه بهترین دوست و همدم ما می باشد .

جذابیت اولیه

پیش از اینها فکر می کردم خان----ه ای دارد کن----ار ابره----ا

ط--لامث--ل قص--ر پادش--اه قص--ه ه--اخش--تی از الم--اس، خش--تی از

پایه های برجش از ع-اج و بلور سر تختی نشست باغرور

م--اه ب--رق ک--وچکی از ت--اج اوه-ر س-تاره پ-ولکی از ت-اج او

ه-ر س-تاره پ-ولکی از ت-اج اوم--اه ب--رق ک--وچکی از ت--اج او

اطل---س پی---راهن او آس---مان نق--ش روی دام--ن او کهکش--ان

رعد و برق شب ،طنین خندهاش س---یل و طوف---ان، نع---ره توفن---ده اش

دکم---ه پی--راهن او آفت--اب ب-رق تی-غ خنج-ر او ماهتاب

هیچکس از جای او آگاه نیس-ت هیچکس را در حضورش راه نیست

پیش از اینها خاطرم دلگیر ب-ود از خ--دا در ذه--نم ای--ن تص--ویر ب--ود

آن خدا بی رحم بود و خشمگین خان---ه اش در آس---مان، دور از زم---ین

ب--ود، ام--ا در می--ان م--ا نب--ود مهرب--ان و س--اده و زیب--ا نب--ود

در دل او دوستی جایی نداش-ت مهرب--انی ه--یچ معن--ایی نداش--ت

هرچه می پرس-ید م از خ-و د از خ-د ا از زم---ین از آس---مان از ابره---ا زود م--ی گفتن--د ای--ن ک--ار خداس--ت پرس وجو از کار او کاری خطاست با همین قصه دلم مشغول ب-ود خواب هایم، خواب دیو و غول ب-ود خواب می دیدم که غ-رق آتش-م در ده---ان اژده---ای سرکش---م

ص: 21

نی--ت م--ن، در نم--از و در دع--ا ت--رس ب--ود و وحش--ت از خش--م خ--دا

هرچه می کردم همه از ت-ر س ب-و د مث--ل از ب--ر ک--ردن ی--ک درس ب--ود تلخ، مثل خن-ده ای ب-ی حوص-له س--خت، مث--ل ح--ل ص--دها مس--ئله تا که یک شب دست در دس-ت پ-در راه افت--ادم ب--ه قص--د ی--ک س--فر

خان--ه ای دی--دیم، خ--وب و آش--نادر می--ان راه، در ی--ک روس--تا

گفت: اینجا خان-ه خ-وب خداس-ت زود پرسیدم پدر اینج-ا کجاس-ت؟

خانه اش اینجاست اینجا در زمین؟گفتمش پس آن خدای خش-مگی ن

ف-رشه-ایش از گل- یم و بوریاس- تگفت: آری خان-ه او ب-ی ریاس-ت

مث--ل ن--وری در دل آیین--ه اس--ت مهربان و ساده و بی کینه اس-ت

ن--ام او ن--ور و نش--انش روش--نی عادت او نیست خشم و دشمنی

مث--ل قه--ر مهرب--ان م--ادر اس--ت قهر او، از آشتی شیرین تر اس-ت

ای--ن خ--دای مهرب--ان و آشناس--ت تازه فهمیدم خدایم، ای-ن خداس-ت

از رگ گ--ردن ب--ه م--ن نزدی--کت--ردوستی، از من به من نزدیک تر

دوست باشم دوست، پاک و بی ریامی توانم بعد از این، با این خ-دا

ص--اف و س--اده مث--ل بلب--ل ح--رف زدمی توان درب-اره گ-ل ح-رف زد

ب--ا الفب--ای س--کوت، آواز خوان--دمی توان تصنیفی از پرواز خوان-د

ب--ا زب--انی ب--ی الفب--ا ح--رف زدمی توان مثل علف ه-ا ح-رف زد

م--ی ت--وان ش--عری خی--ال انگی--ز گف--تمی ت-وان درب-اره هرچی-ز گف-ت

پیش از اینها فکر می ک-ردم خ-دا (1)مث--ل ای--ن ش--عر روان و آش--نا

سؤال

به نظرشما کدام خدا، خدای واقعی است؟ خدایی که می شود با او راحت حرف زد یا خدایی که ارتباط با او سخت و بی فایده است .

1- قیصرامین پور

خدا در قرآن

قرآن کریم، او را اینگونه معرفی می کند:

"بسم الرحمن الرحیم"(1) خدایی که همیشه و همه جا رحمت و مهربانی اش شامل حال همه بندگانش می باشد؛

"هو الَّذِی یَقْبَلُ التوبهَ عَن عِبَاده"(2)؛ خدا، کسی است که همیشه توبه بندگانش را پذیراست؛

"إنَّ لَغَفُورٌ رَحِیمٌ "؛(3)خدایی که همیشه می بخشد و با مهربانی برخورد می کند؛

و امیرالمؤمنان(ع) خدای متعال را این گونه معرفی می کند: "یا مَ-نْ سَ-بَقَتْ رَحْمَتُ-هُ غَضَ-بَه"(4)؛ خدایی که رحمت، لطف و مهربانی اش، همیشه بر خشم و غضبش پیشی گرفته است.

خدایا ،به ما کمک کن تا آنگونه که هستی بشناسیمت.

ص: 23

1- ابتدای همهٔ سوره ها .
2- شوری: ۲۵.
3- نحل: ۱۸.
4- دعای کمیل

6. بهترین هم کلام

راهبرد جلسه

در این جلسه، به تبین این موضوع می پردازیم که عاشق و معشوق به دنبال فرصتی برای هم کلام شدن می گردند .این مطلب در قالب داستانی کوتاه و آیاتی از قرآن کریم ارائه می شود.

جذابیت اولیه

جذابیت اولیه (1)

کشتی در یک سفر دریایی در میان طوفان شکست و غرق شد. تنها دو مرد توانس-تند نج-ات پیدا کنند و شنا کنان خود را به جزیره کوچکی برسانند. آن دو هیچ چاره ای ندیدن-د ج-ز دع-اکردن و کمک خواستن از خداوند متعال. جالب اینکه، هر کدام ادعا می کردند هم کلامی بهت-رازخدا ندارد وخدا او را بیشتر دوست دارد و دعای او را زودتر اجابت خواهد کرد. تصمیم گرفتند که جزیره را به دو قسمت تقسیم کنند و هر کدام در قسمت خودش دست به دع-ا ب-ردارد ت-ابببینند کدام یک زودتر به خواسته هایش می رسد. نخستین چیزی که هردو از خدا خواستند، غذا بود .ص-بح روز بع-د م-رد اول، می-وه ای را ب-الا ی درخت-ی در قس-مت خ-ودش دی-د و ب-ا آن گرسنگی اش را بر طرف کرد؛ اما سرزمین مرد دوم هنوز خالی از هر گیاه و نعمتی ب-ود . هفت-ه بعد دو جزیره نشین احساس تنهایی کردند .مرد اول دست ب-ه دع-ا برداش-ت و از خ-دا طل-به مسر کرد. روز بعد کشتی دیگری شکست و غرق شد و تنها نجات یافته آن یک زن بود که به طرف بخشی که مرد اول قرار داشت شنا کرد. در سمت دیگر مرد دوم هنوز هیچ همراهی نداشت .

بار دیگر مرد اول از خداوند طلب لباس و غذای بیشتری نمود. در روز بعد مثل اینکه جادو شده باشد، همه چیزهایی که خواسته بود برای او فراهم میشد .اما مرد دوم هنوز هیچ چی-ز

1- مربی داستان را با جذابیت بیان کند.

نداشت .سرانجام مرد اول از خدا طلب یک کشتی نمود تا او و همس-رش آن جز ی-ره را ت-رک کنند. صبح روز بعد مرد، کشت ی را که در قسمت او لنگر انداخته بود پیدا ک-رد و ب-ا همس-رش سوار کشتی شد و تصمیم گرفتند جزیره را بدون مرد دوم ترک کنند. با خودش فکر م-یک-رد که مرد دوم شایسته دریافت نعمت های الهی نیست چرا که هیچ کدام از درخواست ه-ا ی او از طرف پروردگار پاسخ داده نشده بود. هنگامی که کشتی آماده ترک جزیره بود مرد اول ن-دا یی از آسمان شنید: "چرا همراه خود را در جزیره تنها م یگذاری؟"

مرد اول پاسخ داد: نعمت ها تنها برای من است. من تنها کسی بودم که ب-را ی آنه-ا دع-اکردم، اما دعاهای او مستجاب نشد، پس سزاوار هیچ کدام نیست؛ ندا آمد: "تو اشتباه می کنی او تنها کسی بود که من دعاهایش را مستجاب کردم و الا تو نیز هیچ کدام از نعمت های م-رادریافت نمی کردی!"

مرد پرسید: مگر او چه دعایی کرده که من باید بدهکارش باشم؟ او دعا کرد که همه دعاهای تو مستجاب شود.

در مذهب عاشقان قرار دگ-ر اس-ت وی--ن ب--اده ن--اب را خم--ار دگ--ر اس--ت هر علم که در مدرسه، حاصل گردد کار دگر است و عشق کار دگر است

دوستی پایدار

دوست، صدیق، خلیل و حبیب درست است که با هم فرق دارند، اما به دو نفری گفته می شود که بین آنها یک رابطه قلبی و تعلق خاطری وجود داشته باشد.

عزیزان من، تابه حال دوتا دوست صمیمی دیده اید؟

محبت حاکم بین دو دوست صمیمی ب-ه گون-ه ای اس-ت ک-ه هرک-دام ب-ه دنب-ال فرص-تی می گردند تا با هم صحبت کنند. نماز، قرارگاه عشقِ عاشق دل باخته حضرت حق ج-ل جلال-هاست. کسی نماز می خواند که عاشق باشد؛ چون عاشق دوست دارد ب-ا معش-وقش ه-م ک-لامباشد؛ مثل موسای کلیم: "وَکَلَّمَ موسی تکْلیما"(1)وقتی خدا از حضرت موسی(ع) پرس-ید : ای-ن

1- . "و خداوند متعال با حضرت موسی(ع) صحبت می کرد، صحبت کردنی" (نساء: .)١٦٤

چیست در دستانت؟" وَما تِلْکَ بِیَمینِکَ یا مُوسی"(1)حضرت موسی(ع) می توانست بگوید: "عص-ا " و دیگر ادامه ندهد؛ اما شروع می کند به توضیح و تفصیل دادن: "قالَ هِیَ عَصایَ أَتَوَکَّ ؤُا عَلَیْها وَأَهُشُ بِها عَلی غَنَمی وَ لِیَ فیها مَآرِبُ أُخْری"(2)؛ این عصای من است. به آن تکی-ه م-یده-م . ب-ا آن ب-رای

گوسفندانم از درختان برگ می ریزم ،و خیلی کارهای دیگر [به کمکش راه می روم، دفع دشمن می کنم و...] انجام می دهم. حضرت موسی(ع) چون عاشق خدای متعال بود، همیشه به دنبال فرصتی می گشت تا با خدا بیشتر گفت وگو کند؛ چون خدا را از همه چی-ز و هم-ه ک-س بیش-تردوست داشت: " وَّ الذینَ آمَنُوا أَشَدحُباّ للِه ".(3) نماز، یعنی همکلامی با بهترین .

شما چقدر دوست دارید با خدا همکلام شوید؟

خدایا ،به ما توفیق بده تا از صحبت با تو لذت ببریم. آمین .

1- طه : 17.
2- طه: 18.
3- "کسانیکه خدای متعال را باور دارند، او را از همه چیز بیشتر دوست دارند" (بقره: ١٦٥

7. بهترین ارتباط

راهبرد جلسه

ارتباط با خداوند متعال در صدر تعالیم قرآنی قرار دارد و سرلوحه برنامه همه انبیا و اولیا، ایجاد ارتباط بین بنده و معبود بوده است.

در این درس به یاری خدا، سعی می کنیم با بهترین نوع ارتباط آشنا شویم.

جذابیت اولیه

مربی گرامی ،ابتدا سؤالات زیر را پشت سر هم و سریع از دانش آموزان بپرسد .

خلیل ا، روح ا، ذبیح ا، حبیب ا، لقب کدامی ک از انبیای عظام می باشد؟

در صورت متوجه نشدن دانش آموزان، به صورت واضح تر سؤالات را طرح ک-رده، از آن-ان پاسخ را بخواهد .

- خلیل ا لقب کدام یک از انبیای عظام می باشد و به چه معناست؟ حضرت ابراهیم(ع)، دوست خدا.

- روح ا لقب کدام یک از انبیای عظام می باشد و به چه معناست؟ حضرت عیسی(ع)به معنای نسیم الهی.

- ذبیح ا لقب کدام یک از انبیای عظام می باشد و به چه معناست؟ حضرت اسماعیل(ع)، قربانی در راه خدا.

- حبیب ا لقب کدام یک از انبیای عظام می باشد و به چه معناست؟ حضرت محمد(ص)، محبوب خدا .

دوستان من، همانطور که می بینید تمامی این القاب به کلمه "ا"جلَّ جلاله اضافه شده است. این به معنای ارتباط عمیق و قوی بین بهترین ها با خدای متع-ال م-ی باش-د و بر اس-اسقوت و ضعف همین ارتباط، این القاب به انبیا نسبت داده شده است. ش-اهد ب-ر اینک-ه خ-اتم الانبیا(ص)

محبوب خداوند متعال است ،این فرمایش است که: "أَنَّهُ سَيِّدُ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ وَأَنَّهُ سَيِّدُ الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِين"؛ شهادت می دهیم پیامبر اکرم(ص) آقا و سرور اول-ین و آخ-رین اس-ت وشهادت می دهیم آقا و سرور همه انبیا و پیامبران است .

علت این آقایی و بزرگی ارتباط عمیق و خالصانه ایشان است ،"عَبَدْ تَ مُخْلِصا حَتی أَتَ-اکَ الْیَقِینُ" و اثر و نتیجه یک چنین ارتباط بی نظیری،" فَبَلغَ ِبکَ أَفَمَحَ ِّ لِّ الْمُکَرمِینَ وَ أَعْ لَی مَنَ-اِزِلِ الْمُقَرِبِینَ وَأَرْفَعَ دَرَجَاتِ الْمُرْسَلِینَ حَیْثُ لَا یَلْحَقُکَ لَاحِقٌ وَلَایَفُوقُکَ فَائِقٌ وَلَایَسْبِقُکَ سَا بِقٌ وَلَایَطْمَعُ فِی إِدِرَاکِکَ طَامِع"" "class="content_notelink (href="#content_note_28_1">(1)

می باشد .

همه ما در ارتباط هایمان این نکته را در نظر می گیریم، با کسی ارتباط بر ق-رار کن-یم ک-ه قوی و نیرومند، مهربان و با گذشت، ثروتمند و کریم، و مانند اینها باشد .

به نظر شما غیر از خدای مهربان کسی را سراغ دارید که همه این خصوص-یات را در ح-دکمال باشد؟

همانطور که دانستید، ارتباطی بهترین خواه-د ب-ود ک-ه ص-ادقانه و خالص-انه و خ-الی از هرگونه ناخالصی باشد .به همین علت خدای متعال، خلیل، حبیب ،روح و ذبیح را ب-ه خ-ودش نسبت داده است .

بیان داستان

در زمان حضرت موسی(ع) اهل شهر از معصیت جوانی فاسق به تنگ آمدند. زمانی گذش-ت .

ازجانب خداوند به موسی خطاب شد: "موسی ،او را از این دیار بیرون کن".

از آنجا بیرونش کردند او به شهر دیگری رفت و از آنجا هم بیرونش کردند. بر فراز کوهی رفت و طولی نکشید که در غاری مریض شد، کسی نبود از او پرستاری کن-د . ج-وان ص-ورت روی خاک نهاد و عرض کرد: "پروردگار من ،اگر مادرم بر بالینم حاضر بود، برای غریبی م-ن گریه می کرد .حال که پدر و مادر را از من جدا ساختی، رحمتت را از من قطع مکن و چنانچ-ه دل من به آتش فراق آنان سوخت، به آتش غضب خود مسوزان".

چون مناجاتش را پایان برد، ازجانب پروردگار به حور و غلمان خطاب شد:

"به صورت پدر و مادر و فرزندان او درآیید و بر بالینش حاضر شوید".

جوان چشم گشود .آنان را دید و خوشحال شد و از دنیا رفت.

ص: 28

2.حقوق انسانها

راهبرد جلسه

در این جلسه به بررسی ارتباط که یکی از حقوق انسان ها نسبت به یکدیگر است، می پردازیم .

جذابیت اولیه

اگر یکی از دوستان شما در مدرسه دچار مشکلی بشود، شما چه می کنید؟ کمکش می کنید یا بی توجه از کنارش می گذرید؟ حتماً پاسخ شما این است که به دوستتان کمک می کنید. می دانی-د چ-را؟ چ-ون خدای متعال، زمینه ارتباط و عشق ورزی را حتی قبل از تولد ما فراهم کرده است. عشق مادر مت-رادف مراقبت، حمایت و پرورش کودک است. ارتباط ما با مادر اولین ادراک از عشق است .

پیوند با بحث

نیاز به ارتباط و دوستی، نه تنها یکی از نیازهای دنیوی ما اس-ت ، ک-ه در آ خ-رت ه-م یک-ی ازبهترین لذت ها و نعمتهای بهشتی، ارتباط و همنشینی با انبی-ا، ص-دیقان، ش-هد ا و ص-الحان خواهد بود .

"وَمَنْ يُطِعِ وَّ الرسُولَ فَأُولئِکَ مَع الَّذينَ أَنْعَمَ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيينَ وَّ الص-ديقينَ وَالشُّ-هَداءِ وَّ الص-الِحينَ

وَحَسُنَ أُولئِکَ رَ فيق-اً"(1). عجب رفقایی! بچه ها خو ش به حالشان .اینکه خ-دای متع-ال مؤمن-ان را برادر یکدیگر می خواند: "إِنمَّاَ الْمُؤْمِنُوَنَ إِخِوَهٌ " (2) و می فرماید مؤمنان موظف اند به یکدیگر کم-ک کنند و حواسشان به هم باشد، همه به جهت این است ک-ه انس-ان، ب-رای عش-ق و محب-ت و

1- کسانی که خداواین پیامبرراطاعت کنند،کسانی خواهندبودکه همدم انبیاء وصدیقان وشهداوصالحان اند،که خدامورداانعام شان قرارداده،وچه نیکورفیقانی"(نساء: 69).
2- "همه مومنان باهم برادرند"(حجرات: 10).

1- مستدرک الوسایل، ج ۳، ص ۱۷۵ ۱. میرزا حسین نوری

5. گفت وگو با کدام خدا

راهبرد جلسه

در این جلسه به تبیین این موضوع می پردازیم که خداوند متعال "أرحم الرَّاحمین" است. نه تنها نباید از او ترسید؛ بلکه بهترین دوست و همدم ما می باشد .

جذابیت اولیه

پیش از اینها فکر می کردم خان----ه ای دارد کن----ار ابره----ا

ط--لامث--ل قص--ر پادش--اه قص--ه ه--اخش--تی از الم--اس، خش--تی از

پایه های برجش از ع-اج و بلور سر تختی نشست باغرور

م--اه ب--رق ک--وچکی از ت--اج اوه-ر س-تاره پ-ولکی از ت-اج او

ه-ر س-تاره پ-ولکی از ت-اج اوم--اه ب--رق ک--وچکی از ت--اج او

اطل---س پی---راهن او آس---مان نق--ش روی دام--ن او کهکش--ان

رعد و برق شب ،طنین خندهاش س---یل و طوف---ان، نع---ره توفن---ده اش

دکم---ه پی--راهن او آفت--اب ب-رق تی-غ خنج-ر او ماهتاب

هیچکس از جای او آگاه نیس-ت هیچکس را در حضورش راه نیست

پیش از اینها خاطرم دلگیر ب-ود از خ--دا در ذه--نم ای--ن تص--ویر ب--ود

آن خدا بی رحم بود و خشمگین خان---ه اش در آس---مان، دور از زم---ین

ب--ود، ام--ا در می--ان م--ا نب--ود مهرب--ان و س--اده و زیب--ا نب--ود

در دل او دوستی جایی نداش-ت مهرب--انی ه--یچ معن--ایی نداش--ت

هرچه می پرس-ید م از خ-و د از خ-د ا از زم---ین از آس---مان از ابره---ا زود م--ی گفتن--د ای--ن ک--ار خداس--ت پرس وجو از کار او کاری خطاست با همین قصه دلم مشغول ب-ود خواب هایم، خواب دیو و غول ب-ود خواب می دیدم که غ-رق آتش-م در ده---ان اژده---ای سرکش---م

ص: 21

نی--ت م--ن، در نم--از و در دع--ا ت--رس ب--ود و وحش--ت از خش--م خ--دا

هرچه می کردم همه از ت-ر س ب-و د مث--ل از ب--ر ک--ردن ی--ک درس ب--ود تلخ، مثل خن-ده ای ب-ی حوص-له س--خت، مث--ل ح--ل ص--دها مس--ئله تا که یک شب دست در دس-ت پ-در راه افت--ادم ب--ه قص--د ی--ک س--فر

خان--ه ای دی--دیم، خ--وب و آش--نادر می--ان راه، در ی--ک روس--تا

گفت: اینجا خان-ه خ-وب خداس-ت زود پرسیدم پدر اینج-ا کجاس-ت؟

خانه اش اینجاست اینجا در زمین؟گفتمش پس آن خدای خش-مگی ن

ف-رشه-ایش از گل- یم و بوریاس- تگفت: آری خان-ه او ب-ی ریاس-ت

مث--ل ن--وری در دل آیین--ه اس--ت مهربان و ساده و بی کینه اس-ت

ن--ام او ن--ور و نش--انش روش--نی عادت او نیست خشم و دشمنی

مث--ل قه--ر مهرب--ان م--ادر اس--ت قهر او، از آشتی شیرین تر اس-ت

ای--ن خ--دای مهرب--ان و آشناس--ت تازه فهمیدم خدایم، ای-ن خداس-ت

از رگ گ--ردن ب--ه م--ن نزدی--کت--ردوستی، از من به من نزدیک تر

دوست باشم دوست، پاک و بی ریامی توانم بعد از این، با این خ-دا

ص--اف و س--اده مث--ل بلب--ل ح--رف زدمی توان درب-اره گ-ل ح-رف زد

ب--ا الفب--ای س--کوت، آواز خوان--دمی توان تصنیفی از پرواز خوان-د

ب--ا زب--انی ب--ی الفب--ا ح--رف زدمی توان مثل علف ه-ا ح-رف زد

م--ی ت--وان ش--عری خی--ال انگی--ز گف--تمی ت-وان درب-اره هرچی-ز گف-ت

پیش از اینها فکر می ک-ردم خ-دا (1)مث--ل ای--ن ش--عر روان و آش--نا

سؤال

به نظرشما کدام خدا، خدای واقعی است؟ خدایی که می شود با او راحت حرف زد یا خدایی که ارتباط با او سخت و بی فایده است .

1- قیصرامین پور

خدا در قرآن

قرآن کریم، او را اینگونه معرفی می کند:

"بسم الرحمن الرحیم"(1) خدایی که همیشه و همه جا رحمت و مهربانی اش شامل حال همه بندگانش می باشد؛

"هو الَّذِی یَقْبَلُ التوبهَ عَن عِبَاده"(2)؛ خدا، کسی است که همیشه توبه بندگانش را پذیراست؛

"إنَّ لَغَفُورٌ رَحِیمٌ "؛(3)خدایی که همیشه می بخشد و با مهربانی برخورد می کند؛

و امیرالمؤمنان(ع) خدای متعال را این گونه معرفی می کند: "یا مَ-نْ سَ-بَقَتْ رَحْمَتُ-هُ غَضَ-بَه"(4)؛ خدایی که رحمت، لطف و مهربانی اش، همیشه بر خشم و غضبش پیشی گرفته است.

خدایا ،به ما کمک کن تا آنگونه که هستی بشناسیمت.

ص: 23

1- ابتدای همهٔ سوره ها .
2- شوری: ۲۵.
3- نحل: ۱۸.
4- دعای کمیل

6. بهترین هم کلام

راهبرد جلسه

در این جلسه، به تبین این موضوع می پردازیم که عاشق و معشوق به دنبال فرصتی برای هم کلام شدن می گردند .این مطلب در قالب داستانی کوتاه و آیاتی از قرآن کریم ارائه می شود.

جذابیت اولیه

جذابیت اولیه (1)

کشتی در یک سفر دریایی در میان طوفان شکست و غرق شد. تنها دو مرد توانس-تند نج-ات پیدا کنند و شنا کنان خود را به جزیره کوچکی برسانند. آن دو هیچ چاره ای ندیدن-د ج-ز دع-اکردن و کمک خواستن از خداوند متعال. جالب اینکه، هر کدام ادعا می کردند هم کلامی بهت-رازخدا ندارد وخدا او را بیشتر دوست دارد و دعای او را زودتر اجابت خواهد کرد. تصمیم گرفتند که جزیره را به دو قسمت تقسیم کنند و هر کدام در قسمت خودش دست به دع-ا ب-ردارد ت-ابببینند کدام یک زودتر به خواسته هایش می رسد. نخستین چیزی که هردو از خدا خواستند، غذا بود .ص-بح روز بع-د م-رد اول، می-وه ای را ب-الا ی درخت-ی در قس-مت خ-ودش دی-د و ب-ا آن گرسنگی اش را بر طرف کرد؛ اما سرزمین مرد دوم هنوز خالی از هر گیاه و نعمتی ب-ود . هفت-ه بعد دو جزیره نشین احساس تنهایی کردند .مرد اول دست ب-ه دع-ا برداش-ت و از خ-دا طل-به مسر کرد. روز بعد کشتی دیگری شکست و غرق شد و تنها نجات یافته آن یک زن بود که به طرف بخشی که مرد اول قرار داشت شنا کرد. در سمت دیگر مرد دوم هنوز هیچ همراهی نداشت .

بار دیگر مرد اول از خداوند طلب لباس و غذای بیشتری نمود. در روز بعد مثل اینکه جادو شده باشد، همه چیزهایی که خواسته بود برای او فراهم میشد .اما مرد دوم هنوز هیچ چی-ز

1- مربی داستان را با جذابیت بیان کند.

نداشت .سرانجام مرد اول از خدا طلب یک کشتی نمود تا او و همس-رش آن جز ی-ره را ت-رک کنند. صبح روز بعد مرد، کشت ی را که در قسمت او لنگر انداخته بود پیدا ک-رد و ب-ا همس-رش سوار کشتی شد و تصمیم گرفتند جزیره را بدون مرد دوم ترک کنند. با خودش فکر م-یک-رد که مرد دوم شایسته دریافت نعمت های الهی نیست چرا که هیچ کدام از درخواست ه-ا ی او از طرف پروردگار پاسخ داده نشده بود. هنگامی که کشتی آماده ترک جزیره بود مرد اول ن-دا یی از آسمان شنید: "چرا همراه خود را در جزیره تنها م یگذاری؟"

مرد اول پاسخ داد: نعمت ها تنها برای من است. من تنها کسی بودم که ب-را ی آنه-ا دع-اکردم، اما دعاهای او مستجاب نشد، پس سزاوار هیچ کدام نیست؛ ندا آمد: "تو اشتباه می کنی او تنها کسی بود که من دعاهایش را مستجاب کردم و الا تو نیز هیچ کدام از نعمت های م-رادریافت نمی کردی!"

مرد پرسید: مگر او چه دعایی کرده که من باید بدهکارش باشم؟ او دعا کرد که همه دعاهای تو مستجاب شود.

در مذهب عاشقان قرار دگ-ر اس-ت وی--ن ب--اده ن--اب را خم--ار دگ--ر اس--ت هر علم که در مدرسه، حاصل گردد کار دگر است و عشق کار دگر است

دوستی پایدار

دوست، صدیق، خلیل و حبیب درست است که با هم فرق دارند، اما به دو نفری گفته می شود که بین آنها یک رابطه قلبی و تعلق خاطری وجود داشته باشد.

عزیزان من، تابه حال دوتا دوست صمیمی دیده اید؟

محبت حاکم بین دو دوست صمیمی ب-ه گون-ه ای اس-ت ک-ه هرک-دام ب-ه دنب-ال فرص-تی می گردند تا با هم صحبت کنند. نماز، قرارگاه عشقِ عاشق دل باخته حضرت حق ج-ل جلال-هاست. کسی نماز می خواند که عاشق باشد؛ چون عاشق دوست دارد ب-ا معش-وقش ه-م ک-لامباشد؛ مثل موسای کلیم: "وَکَلَّمَ موسی تکْلیما"(1)وقتی خدا از حضرت موسی(ع) پرس-ید : ای-ن

1- . "و خداوند متعال با حضرت موسی(ع) صحبت می کرد، صحبت کردنی" (نساء: .)١٦٤

چیست در دستانت؟" وَما تِلْکَ بِیَمینِکَ یا مُوسی"(1)حضرت موسی(ع) می توانست بگوید: "عص-ا " و دیگر ادامه ندهد؛ اما شروع می کند به توضیح و تفصیل دادن: "قالَ هِیَ عَصایَ أَتَوَکَّ ؤُا عَلَیْها وَأَهُشُ بِها عَلی غَنَمی وَ لِیَ فیها مَآرِبُ أُخْری"(2)؛ این عصای من است. به آن تکی-ه م-یده-م . ب-ا آن ب-رای

گوسفندانم از درختان برگ می ریزم ،و خیلی کارهای دیگر [به کمکش راه می روم، دفع دشمن می کنم و...] انجام می دهم. حضرت موسی(ع) چون عاشق خدای متعال بود، همیشه به دنبال فرصتی می گشت تا با خدا بیشتر گفت وگو کند؛ چون خدا را از همه چی-ز و هم-ه ک-س بیش-تردوست داشت: " وَّ الذینَ آمَنُوا أَشَدحُباّ للِه ".(3) نماز، یعنی همکلامی با بهترین .

شما چقدر دوست دارید با خدا همکلام شوید؟

خدایا ،به ما توفیق بده تا از صحبت با تو لذت ببریم. آمین .

1- طه : 17.
2- طه: 18.
3- "کسانیکه خدای متعال را باور دارند، او را از همه چیز بیشتر دوست دارند" (بقره: ١٦٥

7. بهترین ارتباط

راهبرد جلسه

ارتباط با خداوند متعال در صدر تعالیم قرآنی قرار دارد و سرلوحه برنامه همه انبیا و اولیا، ایجاد ارتباط بین بنده و معبود بوده است.

در این درس به یاری خدا، سعی می کنیم با بهترین نوع ارتباط آشنا شویم.

جذابیت اولیه

مربی گرامی ،ابتدا سؤالات زیر را پشت سر هم و سریع از دانش آموزان بپرسد .

خلیل ا، روح ا، ذبیح ا، حبیب ا، لقب کدامی ک از انبیای عظام می باشد؟

در صورت متوجه نشدن دانش آموزان، به صورت واضح تر سؤالات را طرح ک-رده، از آن-ان پاسخ را بخواهد .

- خلیل ا لقب کدام یک از انبیای عظام می باشد و به چه معناست؟ حضرت ابراهیم(ع)، دوست خدا.

- روح ا لقب کدام یک از انبیای عظام می باشد و به چه معناست؟ حضرت عیسی(ع)به معنای نسیم الهی.

- ذبیح ا لقب کدام یک از انبیای عظام می باشد و به چه معناست؟ حضرت اسماعیل(ع)، قربانی در راه خدا.

- حبیب ا لقب کدام یک از انبیای عظام می باشد و به چه معناست؟ حضرت محمد(ص)، محبوب خدا .

دوستان من، همانطور که می بینید تمامی این القاب به کلمه "ا"جلَّ جلاله اضافه شده است. این به معنای ارتباط عمیق و قوی بین بهترین ها با خدای متع-ال م-ی باش-د و بر اس-اسقوت و ضعف همین ارتباط، این القاب به انبیا نسبت داده شده است. ش-اهد ب-ر اینک-ه خ-اتم الانبیا(ص)

محبوب خداوند متعال است ،این فرمایش است که: "أَنَّهُ سَيِّدُ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ وَأَنَّهُ سَيِّدُ الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِين"؛ شهادت می دهیم پیامبر اکرم(ص) آقا و سرور اول-ین و آخ-رین اس-ت وشهادت می دهیم آقا و سرور همه انبیا و پیامبران است .

علت این آقایی و بزرگی ارتباط عمیق و خالصانه ایشان است ،"عَبَدْ تَ مُخْلِصا حَتی أَتَ-اکَ الْیَقِینُ" و اثر و نتیجه یک چنین ارتباط بی نظیری،" فَبَلغَ ِبکَ أَفَمَحَ ِّ لِّ الْمُکَرمِینَ وَ أَعْ لَی مَنَ-اِزِلِ الْمُقَرِبِینَ وَأَرْفَعَ دَرَجَاتِ الْمُرْسَلِینَ حَیْثُ لَا یَلْحَقُکَ لَاحِقٌ وَلَایَفُوقُکَ فَائِقٌ وَلَایَسْبِقُکَ سَا بِقٌ وَلَایَطْمَعُ فِی إِدِرَاکِکَ طَامِع"" "class="content_notelink (href="#content_note_28_1">(1)

می باشد .

همه ما در ارتباط هایمان این نکته را در نظر می گیریم، با کسی ارتباط بر ق-رار کن-یم ک-ه قوی و نیرومند، مهربان و با گذشت، ثروتمند و کریم، و مانند اینها باشد .

به نظر شما غیر از خدای مهربان کسی را سراغ دارید که همه این خصوص-یات را در ح-دکمال باشد؟

همانطور که دانستید، ارتباطی بهترین خواه-د ب-ود ک-ه ص-ادقانه و خالص-انه و خ-الی از هرگونه ناخالصی باشد .به همین علت خدای متعال، خلیل، حبیب ،روح و ذبیح را ب-ه خ-ودش نسبت داده است .

بیان داستان

در زمان حضرت موسی(ع) اهل شهر از معصیت جوانی فاسق به تنگ آمدند. زمانی گذش-ت .

ازجانب خداوند به موسی خطاب شد: "موسی ،او را از این دیار بیرون کن".

از آنجا بیرونش کردند او به شهر دیگری رفت و از آنجا هم بیرونش کردند. بر فراز کوهی رفت و طولی نکشید که در غاری مریض شد، کسی نبود از او پرستاری کن-د . ج-وان ص-ورت روی خاک نهاد و عرض کرد: "پروردگار من ،اگر مادرم بر بالینم حاضر بود، برای غریبی م-ن گریه می کرد .حال که پدر و مادر را از من جدا ساختی، رحمتت را از من قطع مکن و چنانچ-ه دل من به آتش فراق آنان سوخت، به آتش غضب خود مسوزان".

چون مناجاتش را پایان برد، ازجانب پروردگار به حور و غلمان خطاب شد:

"به صورت پدر و مادر و فرزندان او درآیید و بر بالینش حاضر شوید".

جوان چشم گشود .آنان را دید و خوشحال شد و از دنیا رفت.

ص: 28

تعامل و تواصل خلق شده است.

امام حسین(ع) فرمود: پیامبر(ص) فرمود: "بهترین اعمال بعد از نماز، خ-وش ح-ال ک-ردن مؤمن است به کاری که حرام نباشد".(1)

آن حضرت روزی غلامی را دید که به سگی غذا می دهد. به او فرمود: چه م یکنی؟ گفت:

ای فرزند رسول خدا من اندوهگین هستم؛ با شاد کردن ای-ن س-گ، خواه-ان ش-ادی خ-ودم هستم .زیرا ارباب من مردی یهودی است، و من از همین اندوهگینم .

امام حسین(علیه السلام) نزد آن یهودی رفت و غلام را به دویس-ت دین-ار خری-د. یه-ودی پ-ول رانگرفت و گفت: این غلام فدای قدم های شما و این بوستان مال او، اگر اج-ازه بدهی-د مبلغ-ی پول هم به شما بدهم .

حضرت نپذیرفت؛ بلکه مبلغی به وی داد و یهودی هم آن پول را به غلام بخش-ید . آنگ-اه امام(علیه السلام) فرمود: غلام را آزاد کردم و همه این اموال را به او بخشیدم.

پس از این گفت وگو همسر آن یهودی که مجذوب محبت امام حسین(علیه السلام) شده بود، گفت:

من اسلام آوردم و مهریه ام را به شوهرم بخشیدم. شوهرش نیز گفت: من نیز اسلام را قب-ول کردم و این خانه را به همسرم بخشیدم.(2)

سود دنیا و دین اگر خواهی مای--ه هردوش--ان نکوک--اری اس--ت راحت بندگانِ حق جس-تن عین تقوی و زهد ودین داری است(3)

نتیجه گیری

مسیر رشد و تعالی ما انسان ها در گرو داشتن ارتباطی خوب و صمیمی با دیگران اس-ت . ه-م براساس نیازهای دنیوی و اجتماعی ما و هم براساس نیازهای اخروی و معنوی ما.

خدایا ،به ما کمک کن در ادای حقوق دیگران کوشا باشیم. آمین .

1- محمدباقرمجلسی ، بحارالانوار،ج 44،ص 76.
2- مصطفی زمانی وجدانی ، داستانها وپندها ، ج 3 ،ص 76.
3- ابن یمین فریومدی،دیوان،ص 343.

1- مستدرک الوسایل، ج ۳، ص ۱۷۵ ۱. میرزا حسین نوری

5. گفت وگو با کدام خدا

راهبرد جلسه

در این جلسه به تبیین این موضوع می پردازیم که خداوند متعال "أرحم الرَّاحمین" است. نه تنها نباید از او ترسید؛ بلکه بهترین دوست و همدم ما می باشد .

جذابیت اولیه

پیش از اینها فکر می کردم خان----ه ای دارد کن----ار ابره----ا

ط--لامث--ل قص--ر پادش--اه قص--ه ه--اخش--تی از الم--اس، خش--تی از

پایه های برجش از ع-اج و بلور سر تختی نشست باغرور

م--اه ب--رق ک--وچکی از ت--اج اوه-ر س-تاره پ-ولکی از ت-اج او

ه-ر س-تاره پ-ولکی از ت-اج اوم--اه ب--رق ک--وچکی از ت--اج او

اطل---س پی---راهن او آس---مان نق--ش روی دام--ن او کهکش--ان

رعد و برق شب ،طنین خندهاش س---یل و طوف---ان، نع---ره توفن---ده اش

دکم---ه پی--راهن او آفت--اب ب-رق تی-غ خنج-ر او ماهتاب

هیچکس از جای او آگاه نیس-ت هیچکس را در حضورش راه نیست

پیش از اینها خاطرم دلگیر ب-ود از خ--دا در ذه--نم ای--ن تص--ویر ب--ود

آن خدا بی رحم بود و خشمگین خان---ه اش در آس---مان، دور از زم---ین

ب--ود، ام--ا در می--ان م--ا نب--ود مهرب--ان و س--اده و زیب--ا نب--ود

در دل او دوستی جایی نداش-ت مهرب--انی ه--یچ معن--ایی نداش--ت

هرچه می پرس-ید م از خ-و د از خ-د ا از زم---ین از آس---مان از ابره---ا زود م--ی گفتن--د ای--ن ک--ار خداس--ت پرس وجو از کار او کاری خطاست با همین قصه دلم مشغول ب-ود خواب هایم، خواب دیو و غول ب-ود خواب می دیدم که غ-رق آتش-م در ده---ان اژده---ای سرکش---م

ص: 21

نی--ت م--ن، در نم--از و در دع--ا ت--رس ب--ود و وحش--ت از خش--م خ--دا

هرچه می کردم همه از ت-ر س ب-و د مث--ل از ب--ر ک--ردن ی--ک درس ب--ود تلخ، مثل خن-ده ای ب-ی حوص-له س--خت، مث--ل ح--ل ص--دها مس--ئله تا که یک شب دست در دس-ت پ-در راه افت--ادم ب--ه قص--د ی--ک س--فر

خان--ه ای دی--دیم، خ--وب و آش--نادر می--ان راه، در ی--ک روس--تا

گفت: اینجا خان-ه خ-وب خداس-ت زود پرسیدم پدر اینج-ا کجاس-ت؟

خانه اش اینجاست اینجا در زمین؟گفتمش پس آن خدای خش-مگی ن

ف-رشه-ایش از گل- یم و بوریاس- تگفت: آری خان-ه او ب-ی ریاس-ت

مث--ل ن--وری در دل آیین--ه اس--ت مهربان و ساده و بی کینه اس-ت

ن--ام او ن--ور و نش--انش روش--نی عادت او نیست خشم و دشمنی

مث--ل قه--ر مهرب--ان م--ادر اس--ت قهر او، از آشتی شیرین تر اس-ت

ای--ن خ--دای مهرب--ان و آشناس--ت تازه فهمیدم خدایم، ای-ن خداس-ت

از رگ گ--ردن ب--ه م--ن نزدی--کت--ردوستی، از من به من نزدیک تر

دوست باشم دوست، پاک و بی ریامی توانم بعد از این، با این خ-دا

ص--اف و س--اده مث--ل بلب--ل ح--رف زدمی توان درب-اره گ-ل ح-رف زد

ب--ا الفب--ای س--کوت، آواز خوان--دمی توان تصنیفی از پرواز خوان-د

ب--ا زب--انی ب--ی الفب--ا ح--رف زدمی توان مثل علف ه-ا ح-رف زد

م--ی ت--وان ش--عری خی--ال انگی--ز گف--تمی ت-وان درب-اره هرچی-ز گف-ت

پیش از اینها فکر می ک-ردم خ-دا (1)مث--ل ای--ن ش--عر روان و آش--نا

سؤال

به نظرشما کدام خدا، خدای واقعی است؟ خدایی که می شود با او راحت حرف زد یا خدایی که ارتباط با او سخت و بی فایده است .

1- قیصرامین پور

خدا در قرآن

قرآن کریم، او را اینگونه معرفی می کند:

"بسم الرحمن الرحیم"(1) خدایی که همیشه و همه جا رحمت و مهربانی اش شامل حال همه بندگانش می باشد؛

"هو الَّذِی یَقْبَلُ التوبهَ عَن عِبَاده"(2)؛ خدا، کسی است که همیشه توبه بندگانش را پذیراست؛

"إنَّ لَغَفُورٌ رَحِیمٌ "؛(3)خدایی که همیشه می بخشد و با مهربانی برخورد می کند؛

و امیرالمؤمنان(ع) خدای متعال را این گونه معرفی می کند: "یا مَ-نْ سَ-بَقَتْ رَحْمَتُ-هُ غَضَ-بَه"(4)؛ خدایی که رحمت، لطف و مهربانی اش، همیشه بر خشم و غضبش پیشی گرفته است.

خدایا ،به ما کمک کن تا آنگونه که هستی بشناسیمت.

ص: 23

1- ابتدای همهٔ سوره ها .
2- شوری: ۲۵.
3- نحل: ۱۸.
4- دعای کمیل

6. بهترین هم کلام

راهبرد جلسه

در این جلسه، به تبین این موضوع می پردازیم که عاشق و معشوق به دنبال فرصتی برای هم کلام شدن می گردند .این مطلب در قالب داستانی کوتاه و آیاتی از قرآن کریم ارائه می شود.

جذابیت اولیه

جذابیت اولیه (1)

کشتی در یک سفر دریایی در میان طوفان شکست و غرق شد. تنها دو مرد توانس-تند نج-ات پیدا کنند و شنا کنان خود را به جزیره کوچکی برسانند. آن دو هیچ چاره ای ندیدن-د ج-ز دع-اکردن و کمک خواستن از خداوند متعال. جالب اینکه، هر کدام ادعا می کردند هم کلامی بهت-رازخدا ندارد وخدا او را بیشتر دوست دارد و دعای او را زودتر اجابت خواهد کرد. تصمیم گرفتند که جزیره را به دو قسمت تقسیم کنند و هر کدام در قسمت خودش دست به دع-ا ب-ردارد ت-ابببینند کدام یک زودتر به خواسته هایش می رسد. نخستین چیزی که هردو از خدا خواستند، غذا بود .ص-بح روز بع-د م-رد اول، می-وه ای را ب-الا ی درخت-ی در قس-مت خ-ودش دی-د و ب-ا آن گرسنگی اش را بر طرف کرد؛ اما سرزمین مرد دوم هنوز خالی از هر گیاه و نعمتی ب-ود . هفت-ه بعد دو جزیره نشین احساس تنهایی کردند .مرد اول دست ب-ه دع-ا برداش-ت و از خ-دا طل-به مسر کرد. روز بعد کشتی دیگری شکست و غرق شد و تنها نجات یافته آن یک زن بود که به طرف بخشی که مرد اول قرار داشت شنا کرد. در سمت دیگر مرد دوم هنوز هیچ همراهی نداشت .

بار دیگر مرد اول از خداوند طلب لباس و غذای بیشتری نمود. در روز بعد مثل اینکه جادو شده باشد، همه چیزهایی که خواسته بود برای او فراهم میشد .اما مرد دوم هنوز هیچ چی-ز

1- مربی داستان را با جذابیت بیان کند.

نداشت .سرانجام مرد اول از خدا طلب یک کشتی نمود تا او و همس-رش آن جز ی-ره را ت-رک کنند. صبح روز بعد مرد، کشت ی را که در قسمت او لنگر انداخته بود پیدا ک-رد و ب-ا همس-رش سوار کشتی شد و تصمیم گرفتند جزیره را بدون مرد دوم ترک کنند. با خودش فکر م-یک-رد که مرد دوم شایسته دریافت نعمت های الهی نیست چرا که هیچ کدام از درخواست ه-ا ی او از طرف پروردگار پاسخ داده نشده بود. هنگامی که کشتی آماده ترک جزیره بود مرد اول ن-دا یی از آسمان شنید: "چرا همراه خود را در جزیره تنها م یگذاری؟"

مرد اول پاسخ داد: نعمت ها تنها برای من است. من تنها کسی بودم که ب-را ی آنه-ا دع-اکردم، اما دعاهای او مستجاب نشد، پس سزاوار هیچ کدام نیست؛ ندا آمد: "تو اشتباه می کنی او تنها کسی بود که من دعاهایش را مستجاب کردم و الا تو نیز هیچ کدام از نعمت های م-رادریافت نمی کردی!"

مرد پرسید: مگر او چه دعایی کرده که من باید بدهکارش باشم؟ او دعا کرد که همه دعاهای تو مستجاب شود.

در مذهب عاشقان قرار دگ-ر اس-ت وی--ن ب--اده ن--اب را خم--ار دگ--ر اس--ت هر علم که در مدرسه، حاصل گردد کار دگر است و عشق کار دگر است

دوستی پایدار

دوست، صدیق، خلیل و حبیب درست است که با هم فرق دارند، اما به دو نفری گفته می شود که بین آنها یک رابطه قلبی و تعلق خاطری وجود داشته باشد.

عزیزان من، تابه حال دوتا دوست صمیمی دیده اید؟

محبت حاکم بین دو دوست صمیمی ب-ه گون-ه ای اس-ت ک-ه هرک-دام ب-ه دنب-ال فرص-تی می گردند تا با هم صحبت کنند. نماز، قرارگاه عشقِ عاشق دل باخته حضرت حق ج-ل جلال-هاست. کسی نماز می خواند که عاشق باشد؛ چون عاشق دوست دارد ب-ا معش-وقش ه-م ک-لامباشد؛ مثل موسای کلیم: "وَکَلَّمَ موسی تکْلیما"(1)وقتی خدا از حضرت موسی(ع) پرس-ید : ای-ن

1- . "و خداوند متعال با حضرت موسی(ع) صحبت می کرد، صحبت کردنی" (نساء: .)١٦٤

چیست در دستانت؟" وَما تِلْکَ بِیَمینِکَ یا مُوسی"(1)حضرت موسی(ع) می توانست بگوید: "عص-ا " و دیگر ادامه ندهد؛ اما شروع می کند به توضیح و تفصیل دادن: "قالَ هِیَ عَصایَ أَتَوَکَّ ؤُا عَلَیْها وَأَهُشُ بِها عَلی غَنَمی وَ لِیَ فیها مَآرِبُ أُخْری"(2)؛ این عصای من است. به آن تکی-ه م-یده-م . ب-ا آن ب-رای

گوسفندانم از درختان برگ می ریزم ،و خیلی کارهای دیگر [به کمکش راه می روم، دفع دشمن می کنم و...] انجام می دهم. حضرت موسی(ع) چون عاشق خدای متعال بود، همیشه به دنبال فرصتی می گشت تا با خدا بیشتر گفت وگو کند؛ چون خدا را از همه چی-ز و هم-ه ک-س بیش-تردوست داشت: " وَّ الذینَ آمَنُوا أَشَدحُباّ للِه ".(3) نماز، یعنی همکلامی با بهترین .

شما چقدر دوست دارید با خدا همکلام شوید؟

خدایا ،به ما توفیق بده تا از صحبت با تو لذت ببریم. آمین .

1- طه : 17.
2- طه: 18.
3- "کسانیکه خدای متعال را باور دارند، او را از همه چیز بیشتر دوست دارند" (بقره: ١٦٥

7. بهترین ارتباط

راهبرد جلسه

ارتباط با خداوند متعال در صدر تعالیم قرآنی قرار دارد و سرلوحه برنامه همه انبیا و اولیا، ایجاد ارتباط بین بنده و معبود بوده است.

در این درس به یاری خدا، سعی می کنیم با بهترین نوع ارتباط آشنا شویم.

جذابیت اولیه

مربی گرامی ،ابتدا سؤالات زیر را پشت سر هم و سریع از دانش آموزان بپرسد .

خلیل ا، روح ا، ذبیح ا، حبیب ا، لقب کدامی ک از انبیای عظام می باشد؟

در صورت متوجه نشدن دانش آموزان، به صورت واضح تر سؤالات را طرح ک-رده، از آن-ان پاسخ را بخواهد .

- خلیل ا لقب کدام یک از انبیای عظام می باشد و به چه معناست؟ حضرت ابراهیم(ع)، دوست خدا.

- روح ا لقب کدام یک از انبیای عظام می باشد و به چه معناست؟ حضرت عیسی(ع)به معنای نسیم الهی.

- ذبیح ا لقب کدام یک از انبیای عظام می باشد و به چه معناست؟ حضرت اسماعیل(ع)، قربانی در راه خدا.

- حبیب ا لقب کدام یک از انبیای عظام می باشد و به چه معناست؟ حضرت محمد(ص)، محبوب خدا .

دوستان من، همانطور که می بینید تمامی این القاب به کلمه "ا"جلَّ جلاله اضافه شده است. این به معنای ارتباط عمیق و قوی بین بهترین ها با خدای متع-ال م-ی باش-د و بر اس-اسقوت و ضعف همین ارتباط، این القاب به انبیا نسبت داده شده است. ش-اهد ب-ر اینک-ه خ-اتم الانبیا(ص)

محبوب خداوند متعال است ،این فرمایش است که: "أَنَّهُ سَيِّدُ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ وَأَنَّهُ سَيِّدُ الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِين"؛ شهادت می دهیم پیامبر اکرم(ص) آقا و سرور اول-ین و آخ-رین اس-ت وشهادت می دهیم آقا و سرور همه انبیا و پیامبران است .

علت این آقایی و بزرگی ارتباط عمیق و خالصانه ایشان است ،"عَبَدْ تَ مُخْلِصا حَتی أَتَ-اکَ الْیَقِینُ" و اثر و نتیجه یک چنین ارتباط بی نظیری،" فَبَلغَ ِبکَ أَفَمَحَ ِّ لِّ الْمُکَرمِینَ وَ أَعْ لَی مَنَ-اِزِلِ الْمُقَرِبِینَ وَأَرْفَعَ دَرَجَاتِ الْمُرْسَلِینَ حَیْثُ لَا یَلْحَقُکَ لَاحِقٌ وَلَایَفُوقُکَ فَائِقٌ وَلَایَسْبِقُکَ سَا بِقٌ وَلَایَطْمَعُ فِی إِدِرَاکِکَ طَامِع"" "class="content_notelink (href="#content_note_28_1">(1)

می باشد .

همه ما در ارتباط هایمان این نکته را در نظر می گیریم، با کسی ارتباط بر ق-رار کن-یم ک-ه قوی و نیرومند، مهربان و با گذشت، ثروتمند و کریم، و مانند اینها باشد .

به نظر شما غیر از خدای مهربان کسی را سراغ دارید که همه این خصوص-یات را در ح-دکمال باشد؟

همانطور که دانستید، ارتباطی بهترین خواه-د ب-ود ک-ه ص-ادقانه و خالص-انه و خ-الی از هرگونه ناخالصی باشد .به همین علت خدای متعال، خلیل، حبیب ،روح و ذبیح را ب-ه خ-ودش نسبت داده است .

بیان داستان

در زمان حضرت موسی(ع) اهل شهر از معصیت جوانی فاسق به تنگ آمدند. زمانی گذش-ت .

ازجانب خداوند به موسی خطاب شد: "موسی ،او را از این دیار بیرون کن".

از آنجا بیرونش کردند او به شهر دیگری رفت و از آنجا هم بیرونش کردند. بر فراز کوهی رفت و طولی نکشید که در غاری مریض شد، کسی نبود از او پرستاری کن-د . ج-وان ص-ورت روی خاک نهاد و عرض کرد: "پروردگار من ،اگر مادرم بر بالینم حاضر بود، برای غریبی م-ن گریه می کرد .حال که پدر و مادر را از من جدا ساختی، رحمتت را از من قطع مکن و چنانچ-ه دل من به آتش فراق آنان سوخت، به آتش غضب خود مسوزان".

چون مناجاتش را پایان برد، ازجانب پروردگار به حور و غلمان خطاب شد:

"به صورت پدر و مادر و فرزندان او درآیید و بر بالینش حاضر شوید".

جوان چشم گشود .آنان را دید و خوشحال شد و از دنیا رفت.

ص: 28

3. آرامش

راهبرد جلسه

در این جلسه با استفاده از تکنولوژی آموزشی بازی با کلمات در سطح بالا، به ایج-اد آرام-ش که یکی از آثار ارتباط است، می پردازیم .

جذابیت اولیه

دوستان خوبم ،دقت کنید تا این کلمه را بخوانید: "ام".

این کلمه چیست و به چه معنا می باشد؟(1) این کلمه "اُم" است به معنای مادر. چ-را م-ادر را مادر می نامیم؟ مادر به ریشه هرچیزی گفته م-ی ش-ود . م-ثلاً چ-را ب-ه س-وره حم-د ام الکت-اب می گویند؟ چرا به حضرت زهرا(س)"ام ابیها" می گویند؟ به مادر "اُم"می گویند؛ چون ریشه هر فرزندی از مادر نشأت گرفته و توسط او آبیاری شده و از گوشت و پوست و خون او رشد یافته است .به همین دلیل احترام او همیشه لازم است .خداوند در قرآن می فرماید: "فَلا تَقُ-لْ لَهم-ا أُف"(2). نتیجه زحمات مادر چیست؟

این روایت پیغمبر اکرم(صلی الله علیه وآله وسلم) است: "الْجَنهُتَحْتَ أَقْدَامِ الْأُمُهَ-ات"(3). مادر آنق-در اهمی-ت داردکه پیغمبر اکرم(صلی الله علیه وآله وسلم) فرمودند: "ّ السعِیدُ سَعِیدٌ فی بَطْنِ اُمُه والشَّقِی شَقِیٌ فِی بَطْنِ اُمُه".(4)

حالا برویم سراغ بازی با کلمات: دوستان خوبم به ابتدای کلمه"ام" حرف "را" را اض-افه

1- مربی محترم بعداز اظهارنظردانش آموزان بحث راادامه دهد.
2- به پدرومادرخوداف هم نگویید"(اسراء 23).
3- بهشت زیرپای مادران شماست"(میرزاحسین نوری، مستدرک الوسائل ج 15، ص 180).
4- "خوشبخت ، دررحم مادرش خوشبخت است وانسان پلیددرشکم مادرش پلیداست"(مهدی،حائری یزدی ، شرح کافی ، ج1، ص 206)

1- مستدرک الوسایل، ج ۳، ص ۱۷۵ ۱. میرزا حسین نوری

5. گفت وگو با کدام خدا

راهبرد جلسه

در این جلسه به تبیین این موضوع می پردازیم که خداوند متعال "أرحم الرَّاحمین" است. نه تنها نباید از او ترسید؛ بلکه بهترین دوست و همدم ما می باشد .

جذابیت اولیه

پیش از اینها فکر می کردم خان----ه ای دارد کن----ار ابره----ا

ط--لامث--ل قص--ر پادش--اه قص--ه ه--اخش--تی از الم--اس، خش--تی از

پایه های برجش از ع-اج و بلور سر تختی نشست باغرور

م--اه ب--رق ک--وچکی از ت--اج اوه-ر س-تاره پ-ولکی از ت-اج او

ه-ر س-تاره پ-ولکی از ت-اج اوم--اه ب--رق ک--وچکی از ت--اج او

اطل---س پی---راهن او آس---مان نق--ش روی دام--ن او کهکش--ان

رعد و برق شب ،طنین خندهاش س---یل و طوف---ان، نع---ره توفن---ده اش

دکم---ه پی--راهن او آفت--اب ب-رق تی-غ خنج-ر او ماهتاب

هیچکس از جای او آگاه نیس-ت هیچکس را در حضورش راه نیست

پیش از اینها خاطرم دلگیر ب-ود از خ--دا در ذه--نم ای--ن تص--ویر ب--ود

آن خدا بی رحم بود و خشمگین خان---ه اش در آس---مان، دور از زم---ین

ب--ود، ام--ا در می--ان م--ا نب--ود مهرب--ان و س--اده و زیب--ا نب--ود

در دل او دوستی جایی نداش-ت مهرب--انی ه--یچ معن--ایی نداش--ت

هرچه می پرس-ید م از خ-و د از خ-د ا از زم---ین از آس---مان از ابره---ا زود م--ی گفتن--د ای--ن ک--ار خداس--ت پرس وجو از کار او کاری خطاست با همین قصه دلم مشغول ب-ود خواب هایم، خواب دیو و غول ب-ود خواب می دیدم که غ-رق آتش-م در ده---ان اژده---ای سرکش---م

ص: 21

نی--ت م--ن، در نم--از و در دع--ا ت--رس ب--ود و وحش--ت از خش--م خ--دا

هرچه می کردم همه از ت-ر س ب-و د مث--ل از ب--ر ک--ردن ی--ک درس ب--ود تلخ، مثل خن-ده ای ب-ی حوص-له س--خت، مث--ل ح--ل ص--دها مس--ئله تا که یک شب دست در دس-ت پ-در راه افت--ادم ب--ه قص--د ی--ک س--فر

خان--ه ای دی--دیم، خ--وب و آش--نادر می--ان راه، در ی--ک روس--تا

گفت: اینجا خان-ه خ-وب خداس-ت زود پرسیدم پدر اینج-ا کجاس-ت؟

خانه اش اینجاست اینجا در زمین؟گفتمش پس آن خدای خش-مگی ن

ف-رشه-ایش از گل- یم و بوریاس- تگفت: آری خان-ه او ب-ی ریاس-ت

مث--ل ن--وری در دل آیین--ه اس--ت مهربان و ساده و بی کینه اس-ت

ن--ام او ن--ور و نش--انش روش--نی عادت او نیست خشم و دشمنی

مث--ل قه--ر مهرب--ان م--ادر اس--ت قهر او، از آشتی شیرین تر اس-ت

ای--ن خ--دای مهرب--ان و آشناس--ت تازه فهمیدم خدایم، ای-ن خداس-ت

از رگ گ--ردن ب--ه م--ن نزدی--کت--ردوستی، از من به من نزدیک تر

دوست باشم دوست، پاک و بی ریامی توانم بعد از این، با این خ-دا

ص--اف و س--اده مث--ل بلب--ل ح--رف زدمی توان درب-اره گ-ل ح-رف زد

ب--ا الفب--ای س--کوت، آواز خوان--دمی توان تصنیفی از پرواز خوان-د

ب--ا زب--انی ب--ی الفب--ا ح--رف زدمی توان مثل علف ه-ا ح-رف زد

م--ی ت--وان ش--عری خی--ال انگی--ز گف--تمی ت-وان درب-اره هرچی-ز گف-ت

پیش از اینها فکر می ک-ردم خ-دا (1)مث--ل ای--ن ش--عر روان و آش--نا

سؤال

به نظرشما کدام خدا، خدای واقعی است؟ خدایی که می شود با او راحت حرف زد یا خدایی که ارتباط با او سخت و بی فایده است .

1- قیصرامین پور

خدا در قرآن

قرآن کریم، او را اینگونه معرفی می کند:

"بسم الرحمن الرحیم"(1) خدایی که همیشه و همه جا رحمت و مهربانی اش شامل حال همه بندگانش می باشد؛

"هو الَّذِی یَقْبَلُ التوبهَ عَن عِبَاده"(2)؛ خدا، کسی است که همیشه توبه بندگانش را پذیراست؛

"إنَّ لَغَفُورٌ رَحِیمٌ "؛(3)خدایی که همیشه می بخشد و با مهربانی برخورد می کند؛

و امیرالمؤمنان(ع) خدای متعال را این گونه معرفی می کند: "یا مَ-نْ سَ-بَقَتْ رَحْمَتُ-هُ غَضَ-بَه"(4)؛ خدایی که رحمت، لطف و مهربانی اش، همیشه بر خشم و غضبش پیشی گرفته است.

خدایا ،به ما کمک کن تا آنگونه که هستی بشناسیمت.

ص: 23

1- ابتدای همهٔ سوره ها .
2- شوری: ۲۵.
3- نحل: ۱۸.
4- دعای کمیل

6. بهترین هم کلام

راهبرد جلسه

در این جلسه، به تبین این موضوع می پردازیم که عاشق و معشوق به دنبال فرصتی برای هم کلام شدن می گردند .این مطلب در قالب داستانی کوتاه و آیاتی از قرآن کریم ارائه می شود.

جذابیت اولیه

جذابیت اولیه (1)

کشتی در یک سفر دریایی در میان طوفان شکست و غرق شد. تنها دو مرد توانس-تند نج-ات پیدا کنند و شنا کنان خود را به جزیره کوچکی برسانند. آن دو هیچ چاره ای ندیدن-د ج-ز دع-اکردن و کمک خواستن از خداوند متعال. جالب اینکه، هر کدام ادعا می کردند هم کلامی بهت-رازخدا ندارد وخدا او را بیشتر دوست دارد و دعای او را زودتر اجابت خواهد کرد. تصمیم گرفتند که جزیره را به دو قسمت تقسیم کنند و هر کدام در قسمت خودش دست به دع-ا ب-ردارد ت-ابببینند کدام یک زودتر به خواسته هایش می رسد. نخستین چیزی که هردو از خدا خواستند، غذا بود .ص-بح روز بع-د م-رد اول، می-وه ای را ب-الا ی درخت-ی در قس-مت خ-ودش دی-د و ب-ا آن گرسنگی اش را بر طرف کرد؛ اما سرزمین مرد دوم هنوز خالی از هر گیاه و نعمتی ب-ود . هفت-ه بعد دو جزیره نشین احساس تنهایی کردند .مرد اول دست ب-ه دع-ا برداش-ت و از خ-دا طل-به مسر کرد. روز بعد کشتی دیگری شکست و غرق شد و تنها نجات یافته آن یک زن بود که به طرف بخشی که مرد اول قرار داشت شنا کرد. در سمت دیگر مرد دوم هنوز هیچ همراهی نداشت .

بار دیگر مرد اول از خداوند طلب لباس و غذای بیشتری نمود. در روز بعد مثل اینکه جادو شده باشد، همه چیزهایی که خواسته بود برای او فراهم میشد .اما مرد دوم هنوز هیچ چی-ز

1- مربی داستان را با جذابیت بیان کند.

نداشت .سرانجام مرد اول از خدا طلب یک کشتی نمود تا او و همس-رش آن جز ی-ره را ت-رک کنند. صبح روز بعد مرد، کشت ی را که در قسمت او لنگر انداخته بود پیدا ک-رد و ب-ا همس-رش سوار کشتی شد و تصمیم گرفتند جزیره را بدون مرد دوم ترک کنند. با خودش فکر م-یک-رد که مرد دوم شایسته دریافت نعمت های الهی نیست چرا که هیچ کدام از درخواست ه-ا ی او از طرف پروردگار پاسخ داده نشده بود. هنگامی که کشتی آماده ترک جزیره بود مرد اول ن-دا یی از آسمان شنید: "چرا همراه خود را در جزیره تنها م یگذاری؟"

مرد اول پاسخ داد: نعمت ها تنها برای من است. من تنها کسی بودم که ب-را ی آنه-ا دع-اکردم، اما دعاهای او مستجاب نشد، پس سزاوار هیچ کدام نیست؛ ندا آمد: "تو اشتباه می کنی او تنها کسی بود که من دعاهایش را مستجاب کردم و الا تو نیز هیچ کدام از نعمت های م-رادریافت نمی کردی!"

مرد پرسید: مگر او چه دعایی کرده که من باید بدهکارش باشم؟ او دعا کرد که همه دعاهای تو مستجاب شود.

در مذهب عاشقان قرار دگ-ر اس-ت وی--ن ب--اده ن--اب را خم--ار دگ--ر اس--ت هر علم که در مدرسه، حاصل گردد کار دگر است و عشق کار دگر است

دوستی پایدار

دوست، صدیق، خلیل و حبیب درست است که با هم فرق دارند، اما به دو نفری گفته می شود که بین آنها یک رابطه قلبی و تعلق خاطری وجود داشته باشد.

عزیزان من، تابه حال دوتا دوست صمیمی دیده اید؟

محبت حاکم بین دو دوست صمیمی ب-ه گون-ه ای اس-ت ک-ه هرک-دام ب-ه دنب-ال فرص-تی می گردند تا با هم صحبت کنند. نماز، قرارگاه عشقِ عاشق دل باخته حضرت حق ج-ل جلال-هاست. کسی نماز می خواند که عاشق باشد؛ چون عاشق دوست دارد ب-ا معش-وقش ه-م ک-لامباشد؛ مثل موسای کلیم: "وَکَلَّمَ موسی تکْلیما"(1)وقتی خدا از حضرت موسی(ع) پرس-ید : ای-ن

1- . "و خداوند متعال با حضرت موسی(ع) صحبت می کرد، صحبت کردنی" (نساء: .)١٦٤

چیست در دستانت؟" وَما تِلْکَ بِیَمینِکَ یا مُوسی"(1)حضرت موسی(ع) می توانست بگوید: "عص-ا " و دیگر ادامه ندهد؛ اما شروع می کند به توضیح و تفصیل دادن: "قالَ هِیَ عَصایَ أَتَوَکَّ ؤُا عَلَیْها وَأَهُشُ بِها عَلی غَنَمی وَ لِیَ فیها مَآرِبُ أُخْری"(2)؛ این عصای من است. به آن تکی-ه م-یده-م . ب-ا آن ب-رای

گوسفندانم از درختان برگ می ریزم ،و خیلی کارهای دیگر [به کمکش راه می روم، دفع دشمن می کنم و...] انجام می دهم. حضرت موسی(ع) چون عاشق خدای متعال بود، همیشه به دنبال فرصتی می گشت تا با خدا بیشتر گفت وگو کند؛ چون خدا را از همه چی-ز و هم-ه ک-س بیش-تردوست داشت: " وَّ الذینَ آمَنُوا أَشَدحُباّ للِه ".(3) نماز، یعنی همکلامی با بهترین .

شما چقدر دوست دارید با خدا همکلام شوید؟

خدایا ،به ما توفیق بده تا از صحبت با تو لذت ببریم. آمین .

1- طه : 17.
2- طه: 18.
3- "کسانیکه خدای متعال را باور دارند، او را از همه چیز بیشتر دوست دارند" (بقره: ١٦٥

7. بهترین ارتباط

راهبرد جلسه

ارتباط با خداوند متعال در صدر تعالیم قرآنی قرار دارد و سرلوحه برنامه همه انبیا و اولیا، ایجاد ارتباط بین بنده و معبود بوده است.

در این درس به یاری خدا، سعی می کنیم با بهترین نوع ارتباط آشنا شویم.

جذابیت اولیه

مربی گرامی ،ابتدا سؤالات زیر را پشت سر هم و سریع از دانش آموزان بپرسد .

خلیل ا، روح ا، ذبیح ا، حبیب ا، لقب کدامی ک از انبیای عظام می باشد؟

در صورت متوجه نشدن دانش آموزان، به صورت واضح تر سؤالات را طرح ک-رده، از آن-ان پاسخ را بخواهد .

- خلیل ا لقب کدام یک از انبیای عظام می باشد و به چه معناست؟ حضرت ابراهیم(ع)، دوست خدا.

- روح ا لقب کدام یک از انبیای عظام می باشد و به چه معناست؟ حضرت عیسی(ع)به معنای نسیم الهی.

- ذبیح ا لقب کدام یک از انبیای عظام می باشد و به چه معناست؟ حضرت اسماعیل(ع)، قربانی در راه خدا.

- حبیب ا لقب کدام یک از انبیای عظام می باشد و به چه معناست؟ حضرت محمد(ص)، محبوب خدا .

دوستان من، همانطور که می بینید تمامی این القاب به کلمه "ا"جلَّ جلاله اضافه شده است. این به معنای ارتباط عمیق و قوی بین بهترین ها با خدای متع-ال م-ی باش-د و بر اس-اسقوت و ضعف همین ارتباط، این القاب به انبیا نسبت داده شده است. ش-اهد ب-ر اینک-ه خ-اتم الانبیا(ص)

محبوب خداوند متعال است ،این فرمایش است که: "أَنَّهُ سَيِّدُ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ وَأَنَّهُ سَيِّدُ الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِين"؛ شهادت می دهیم پیامبر اکرم(ص) آقا و سرور اول-ین و آخ-رین اس-ت وشهادت می دهیم آقا و سرور همه انبیا و پیامبران است .

علت این آقایی و بزرگی ارتباط عمیق و خالصانه ایشان است ،"عَبَدْ تَ مُخْلِصا حَتی أَتَ-اکَ الْیَقِینُ" و اثر و نتیجه یک چنین ارتباط بی نظیری،" فَبَلغَ ِبکَ أَفَمَحَ ِّ لِّ الْمُکَرمِینَ وَ أَعْ لَی مَنَ-اِزِلِ الْمُقَرِبِینَ وَأَرْفَعَ دَرَجَاتِ الْمُرْسَلِینَ حَیْثُ لَا یَلْحَقُکَ لَاحِقٌ وَلَایَفُوقُکَ فَائِقٌ وَلَایَسْبِقُکَ سَا بِقٌ وَلَایَطْمَعُ فِی إِدِرَاکِکَ طَامِع"" "class="content_notelink (href="#content_note_28_1">(1)

می باشد .

همه ما در ارتباط هایمان این نکته را در نظر می گیریم، با کسی ارتباط بر ق-رار کن-یم ک-ه قوی و نیرومند، مهربان و با گذشت، ثروتمند و کریم، و مانند اینها باشد .

به نظر شما غیر از خدای مهربان کسی را سراغ دارید که همه این خصوص-یات را در ح-دکمال باشد؟

همانطور که دانستید، ارتباطی بهترین خواه-د ب-ود ک-ه ص-ادقانه و خالص-انه و خ-الی از هرگونه ناخالصی باشد .به همین علت خدای متعال، خلیل، حبیب ،روح و ذبیح را ب-ه خ-ودش نسبت داده است .

بیان داستان

در زمان حضرت موسی(ع) اهل شهر از معصیت جوانی فاسق به تنگ آمدند. زمانی گذش-ت .

ازجانب خداوند به موسی خطاب شد: "موسی ،او را از این دیار بیرون کن".

از آنجا بیرونش کردند او به شهر دیگری رفت و از آنجا هم بیرونش کردند. بر فراز کوهی رفت و طولی نکشید که در غاری مریض شد، کسی نبود از او پرستاری کن-د . ج-وان ص-ورت روی خاک نهاد و عرض کرد: "پروردگار من ،اگر مادرم بر بالینم حاضر بود، برای غریبی م-ن گریه می کرد .حال که پدر و مادر را از من جدا ساختی، رحمتت را از من قطع مکن و چنانچ-ه دل من به آتش فراق آنان سوخت، به آتش غضب خود مسوزان".

چون مناجاتش را پایان برد، ازجانب پروردگار به حور و غلمان خطاب شد:

"به صورت پدر و مادر و فرزندان او درآیید و بر بالینش حاضر شوید".

جوان چشم گشود .آنان را دید و خوشحال شد و از دنیا رفت.

ص: 28

می کنیم که می شود(1)"رام". رام یعنی حرف گوش کن. مهم این است که م-ا رام چ-ه کس-یمی شویم و از حرف چه کسی تبعیت می کنیم .آیا رام شیطان می شویم که ه-ر ک-اری بگوی-دبدون چون و چرا انجام بدهیم؟ یا شیطان رام ما بشود مانند شیطان پیغمبر اکرم(ص) ک-ه رامایشان بود و فرمود: "شَیْطانِی أسْلَمَ بِیَدِی".(2)

حالا به سراغ مرحله بعدی می رویم. اگر به ابتدای کلمه "رام" حرف "آ" را اض-افه کن-یم ، می شود "آرام". زمانیکه ما آرام باشیم قدرت تصمیم گیری و درست فکر کردن داریم.

حالا نوبت چیست؟ حرف بعدی. به آخر کلمه "آرام" ح-رف "ش-ین " را اض-افه م-ی کن-یم .

می شود "آرامش". کسی آرامش دارد ک-ه از درون دچ-ار اض-طراب و اس-ترس نباش-د. چن-ین شخصی با چنین روحیاتی می تواند آرام رفتار کند و تمام اعمالش رام خودش باش-د ؛ ب-ر خلاف انسانی که دچار استرس و اضطراب است و زمینه رفتار آرام و عاقلانه برایش فراهم نیست.

حالا بگویید ما از این بحث چه نتیجه ای می گیریم؟

زمانی که هرکدام از ما با مشکلی روبه رو می شویم و دچار اضطراب و استرس می شویم، با یک دوست صمیمی، معلم و هرکسی که به او اعتماد داشته باش-یم و بت-وانیم از او راهنم-ایی بگیریم ارتباط برقرار می کنیم تا با بیان مشکل و گرفتن راهنمایی صحیح بتوانیم مشکلمان را عاقلانه و با تدبیر حل کنیم. یکی از آثار مهم ارتباط، ایجاد آرامش و تسکین درونی ماست. به فرموده خداوند متعال یکی از راه های ایجاد آرامش ازدواج اس-ت . "خَلَقَلَکُ-مْ مِ-نْ أنَفْسِ-کُمْ أزْواجِ-اً لِتَسْکُنُوا إلِیْها"(3)؛ خدای متعال برای شما از جنس خودتان همسرانی آفرید تا در کنارشان آرامش یابید .این آیه شریفه به روشنی دلالت بر این مطل-ب دارد ک-ه دراث-ر ارتب-اط ص-حیح و س-الم آرامش به دست خواهد آمد؛ برخلاف ارتباطات ناصحیح و غیرعاقلانه .

در پایان از خدا می خواهیم که به ما آرامش عطا فرماید. آمین .

1- مربی محترم بعدازاظهارنظردانش آموزان بحث راادامه دهید.
2- "شیطان من به دست من تسلیم شده است" (ابن ابی جمهوراحسائی ، عوالی اللئالی، ج 4 ، ص 97).
3- روم: ۲۱

1- مستدرک الوسایل، ج ۳، ص ۱۷۵ ۱. میرزا حسین نوری

5. گفت وگو با کدام خدا

راهبرد جلسه

در این جلسه به تبیین این موضوع می پردازیم که خداوند متعال "أرحم الرَّاحمین" است. نه تنها نباید از او ترسید؛ بلکه بهترین دوست و همدم ما می باشد .

جذابیت اولیه

پیش از اینها فکر می کردم خان----ه ای دارد کن----ار ابره----ا

ط--لامث--ل قص--ر پادش--اه قص--ه ه--اخش--تی از الم--اس، خش--تی از

پایه های برجش از ع-اج و بلور سر تختی نشست باغرور

م--اه ب--رق ک--وچکی از ت--اج اوه-ر س-تاره پ-ولکی از ت-اج او

ه-ر س-تاره پ-ولکی از ت-اج اوم--اه ب--رق ک--وچکی از ت--اج او

اطل---س پی---راهن او آس---مان نق--ش روی دام--ن او کهکش--ان

رعد و برق شب ،طنین خندهاش س---یل و طوف---ان، نع---ره توفن---ده اش

دکم---ه پی--راهن او آفت--اب ب-رق تی-غ خنج-ر او ماهتاب

هیچکس از جای او آگاه نیس-ت هیچکس را در حضورش راه نیست

پیش از اینها خاطرم دلگیر ب-ود از خ--دا در ذه--نم ای--ن تص--ویر ب--ود

آن خدا بی رحم بود و خشمگین خان---ه اش در آس---مان، دور از زم---ین

ب--ود، ام--ا در می--ان م--ا نب--ود مهرب--ان و س--اده و زیب--ا نب--ود

در دل او دوستی جایی نداش-ت مهرب--انی ه--یچ معن--ایی نداش--ت

هرچه می پرس-ید م از خ-و د از خ-د ا از زم---ین از آس---مان از ابره---ا زود م--ی گفتن--د ای--ن ک--ار خداس--ت پرس وجو از کار او کاری خطاست با همین قصه دلم مشغول ب-ود خواب هایم، خواب دیو و غول ب-ود خواب می دیدم که غ-رق آتش-م در ده---ان اژده---ای سرکش---م

ص: 21

نی--ت م--ن، در نم--از و در دع--ا ت--رس ب--ود و وحش--ت از خش--م خ--دا

هرچه می کردم همه از ت-ر س ب-و د مث--ل از ب--ر ک--ردن ی--ک درس ب--ود تلخ، مثل خن-ده ای ب-ی حوص-له س--خت، مث--ل ح--ل ص--دها مس--ئله تا که یک شب دست در دس-ت پ-در راه افت--ادم ب--ه قص--د ی--ک س--فر

خان--ه ای دی--دیم، خ--وب و آش--نادر می--ان راه، در ی--ک روس--تا

گفت: اینجا خان-ه خ-وب خداس-ت زود پرسیدم پدر اینج-ا کجاس-ت؟

خانه اش اینجاست اینجا در زمین؟گفتمش پس آن خدای خش-مگی ن

ف-رشه-ایش از گل- یم و بوریاس- تگفت: آری خان-ه او ب-ی ریاس-ت

مث--ل ن--وری در دل آیین--ه اس--ت مهربان و ساده و بی کینه اس-ت

ن--ام او ن--ور و نش--انش روش--نی عادت او نیست خشم و دشمنی

مث--ل قه--ر مهرب--ان م--ادر اس--ت قهر او، از آشتی شیرین تر اس-ت

ای--ن خ--دای مهرب--ان و آشناس--ت تازه فهمیدم خدایم، ای-ن خداس-ت

از رگ گ--ردن ب--ه م--ن نزدی--کت--ردوستی، از من به من نزدیک تر

دوست باشم دوست، پاک و بی ریامی توانم بعد از این، با این خ-دا

ص--اف و س--اده مث--ل بلب--ل ح--رف زدمی توان درب-اره گ-ل ح-رف زد

ب--ا الفب--ای س--کوت، آواز خوان--دمی توان تصنیفی از پرواز خوان-د

ب--ا زب--انی ب--ی الفب--ا ح--رف زدمی توان مثل علف ه-ا ح-رف زد

م--ی ت--وان ش--عری خی--ال انگی--ز گف--تمی ت-وان درب-اره هرچی-ز گف-ت

پیش از اینها فکر می ک-ردم خ-دا (1)مث--ل ای--ن ش--عر روان و آش--نا

سؤال

به نظرشما کدام خدا، خدای واقعی است؟ خدایی که می شود با او راحت حرف زد یا خدایی که ارتباط با او سخت و بی فایده است .

1- قیصرامین پور

خدا در قرآن

قرآن کریم، او را اینگونه معرفی می کند:

"بسم الرحمن الرحیم"(1) خدایی که همیشه و همه جا رحمت و مهربانی اش شامل حال همه بندگانش می باشد؛

"هو الَّذِی یَقْبَلُ التوبهَ عَن عِبَاده"(2)؛ خدا، کسی است که همیشه توبه بندگانش را پذیراست؛

"إنَّ لَغَفُورٌ رَحِیمٌ "؛(3)خدایی که همیشه می بخشد و با مهربانی برخورد می کند؛

و امیرالمؤمنان(ع) خدای متعال را این گونه معرفی می کند: "یا مَ-نْ سَ-بَقَتْ رَحْمَتُ-هُ غَضَ-بَه"(4)؛ خدایی که رحمت، لطف و مهربانی اش، همیشه بر خشم و غضبش پیشی گرفته است.

خدایا ،به ما کمک کن تا آنگونه که هستی بشناسیمت.

ص: 23

1- ابتدای همهٔ سوره ها .
2- شوری: ۲۵.
3- نحل: ۱۸.
4- دعای کمیل

6. بهترین هم کلام

راهبرد جلسه

در این جلسه، به تبین این موضوع می پردازیم که عاشق و معشوق به دنبال فرصتی برای هم کلام شدن می گردند .این مطلب در قالب داستانی کوتاه و آیاتی از قرآن کریم ارائه می شود.

جذابیت اولیه

جذابیت اولیه (1)

کشتی در یک سفر دریایی در میان طوفان شکست و غرق شد. تنها دو مرد توانس-تند نج-ات پیدا کنند و شنا کنان خود را به جزیره کوچکی برسانند. آن دو هیچ چاره ای ندیدن-د ج-ز دع-اکردن و کمک خواستن از خداوند متعال. جالب اینکه، هر کدام ادعا می کردند هم کلامی بهت-رازخدا ندارد وخدا او را بیشتر دوست دارد و دعای او را زودتر اجابت خواهد کرد. تصمیم گرفتند که جزیره را به دو قسمت تقسیم کنند و هر کدام در قسمت خودش دست به دع-ا ب-ردارد ت-ابببینند کدام یک زودتر به خواسته هایش می رسد. نخستین چیزی که هردو از خدا خواستند، غذا بود .ص-بح روز بع-د م-رد اول، می-وه ای را ب-الا ی درخت-ی در قس-مت خ-ودش دی-د و ب-ا آن گرسنگی اش را بر طرف کرد؛ اما سرزمین مرد دوم هنوز خالی از هر گیاه و نعمتی ب-ود . هفت-ه بعد دو جزیره نشین احساس تنهایی کردند .مرد اول دست ب-ه دع-ا برداش-ت و از خ-دا طل-به مسر کرد. روز بعد کشتی دیگری شکست و غرق شد و تنها نجات یافته آن یک زن بود که به طرف بخشی که مرد اول قرار داشت شنا کرد. در سمت دیگر مرد دوم هنوز هیچ همراهی نداشت .

بار دیگر مرد اول از خداوند طلب لباس و غذای بیشتری نمود. در روز بعد مثل اینکه جادو شده باشد، همه چیزهایی که خواسته بود برای او فراهم میشد .اما مرد دوم هنوز هیچ چی-ز

1- مربی داستان را با جذابیت بیان کند.

نداشت .سرانجام مرد اول از خدا طلب یک کشتی نمود تا او و همس-رش آن جز ی-ره را ت-رک کنند. صبح روز بعد مرد، کشت ی را که در قسمت او لنگر انداخته بود پیدا ک-رد و ب-ا همس-رش سوار کشتی شد و تصمیم گرفتند جزیره را بدون مرد دوم ترک کنند. با خودش فکر م-یک-رد که مرد دوم شایسته دریافت نعمت های الهی نیست چرا که هیچ کدام از درخواست ه-ا ی او از طرف پروردگار پاسخ داده نشده بود. هنگامی که کشتی آماده ترک جزیره بود مرد اول ن-دا یی از آسمان شنید: "چرا همراه خود را در جزیره تنها م یگذاری؟"

مرد اول پاسخ داد: نعمت ها تنها برای من است. من تنها کسی بودم که ب-را ی آنه-ا دع-اکردم، اما دعاهای او مستجاب نشد، پس سزاوار هیچ کدام نیست؛ ندا آمد: "تو اشتباه می کنی او تنها کسی بود که من دعاهایش را مستجاب کردم و الا تو نیز هیچ کدام از نعمت های م-رادریافت نمی کردی!"

مرد پرسید: مگر او چه دعایی کرده که من باید بدهکارش باشم؟ او دعا کرد که همه دعاهای تو مستجاب شود.

در مذهب عاشقان قرار دگ-ر اس-ت وی--ن ب--اده ن--اب را خم--ار دگ--ر اس--ت هر علم که در مدرسه، حاصل گردد کار دگر است و عشق کار دگر است

دوستی پایدار

دوست، صدیق، خلیل و حبیب درست است که با هم فرق دارند، اما به دو نفری گفته می شود که بین آنها یک رابطه قلبی و تعلق خاطری وجود داشته باشد.

عزیزان من، تابه حال دوتا دوست صمیمی دیده اید؟

محبت حاکم بین دو دوست صمیمی ب-ه گون-ه ای اس-ت ک-ه هرک-دام ب-ه دنب-ال فرص-تی می گردند تا با هم صحبت کنند. نماز، قرارگاه عشقِ عاشق دل باخته حضرت حق ج-ل جلال-هاست. کسی نماز می خواند که عاشق باشد؛ چون عاشق دوست دارد ب-ا معش-وقش ه-م ک-لامباشد؛ مثل موسای کلیم: "وَکَلَّمَ موسی تکْلیما"(1)وقتی خدا از حضرت موسی(ع) پرس-ید : ای-ن

1- . "و خداوند متعال با حضرت موسی(ع) صحبت می کرد، صحبت کردنی" (نساء: .)١٦٤

چیست در دستانت؟" وَما تِلْکَ بِیَمینِکَ یا مُوسی"(1)حضرت موسی(ع) می توانست بگوید: "عص-ا " و دیگر ادامه ندهد؛ اما شروع می کند به توضیح و تفصیل دادن: "قالَ هِیَ عَصایَ أَتَوَکَّ ؤُا عَلَیْها وَأَهُشُ بِها عَلی غَنَمی وَ لِیَ فیها مَآرِبُ أُخْری"(2)؛ این عصای من است. به آن تکی-ه م-یده-م . ب-ا آن ب-رای

گوسفندانم از درختان برگ می ریزم ،و خیلی کارهای دیگر [به کمکش راه می روم، دفع دشمن می کنم و...] انجام می دهم. حضرت موسی(ع) چون عاشق خدای متعال بود، همیشه به دنبال فرصتی می گشت تا با خدا بیشتر گفت وگو کند؛ چون خدا را از همه چی-ز و هم-ه ک-س بیش-تردوست داشت: " وَّ الذینَ آمَنُوا أَشَدحُباّ للِه ".(3) نماز، یعنی همکلامی با بهترین .

شما چقدر دوست دارید با خدا همکلام شوید؟

خدایا ،به ما توفیق بده تا از صحبت با تو لذت ببریم. آمین .

1- طه : 17.
2- طه: 18.
3- "کسانیکه خدای متعال را باور دارند، او را از همه چیز بیشتر دوست دارند" (بقره: ١٦٥

7. بهترین ارتباط

راهبرد جلسه

ارتباط با خداوند متعال در صدر تعالیم قرآنی قرار دارد و سرلوحه برنامه همه انبیا و اولیا، ایجاد ارتباط بین بنده و معبود بوده است.

در این درس به یاری خدا، سعی می کنیم با بهترین نوع ارتباط آشنا شویم.

جذابیت اولیه

مربی گرامی ،ابتدا سؤالات زیر را پشت سر هم و سریع از دانش آموزان بپرسد .

خلیل ا، روح ا، ذبیح ا، حبیب ا، لقب کدامی ک از انبیای عظام می باشد؟

در صورت متوجه نشدن دانش آموزان، به صورت واضح تر سؤالات را طرح ک-رده، از آن-ان پاسخ را بخواهد .

- خلیل ا لقب کدام یک از انبیای عظام می باشد و به چه معناست؟ حضرت ابراهیم(ع)، دوست خدا.

- روح ا لقب کدام یک از انبیای عظام می باشد و به چه معناست؟ حضرت عیسی(ع)به معنای نسیم الهی.

- ذبیح ا لقب کدام یک از انبیای عظام می باشد و به چه معناست؟ حضرت اسماعیل(ع)، قربانی در راه خدا.

- حبیب ا لقب کدام یک از انبیای عظام می باشد و به چه معناست؟ حضرت محمد(ص)، محبوب خدا .

دوستان من، همانطور که می بینید تمامی این القاب به کلمه "ا"جلَّ جلاله اضافه شده است. این به معنای ارتباط عمیق و قوی بین بهترین ها با خدای متع-ال م-ی باش-د و بر اس-اسقوت و ضعف همین ارتباط، این القاب به انبیا نسبت داده شده است. ش-اهد ب-ر اینک-ه خ-اتم الانبیا(ص)

محبوب خداوند متعال است ،این فرمایش است که: "أَنَّهُ سَيِّدُ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ وَأَنَّهُ سَيِّدُ الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِين"؛ شهادت می دهیم پیامبر اکرم(ص) آقا و سرور اول-ین و آخ-رین اس-ت وشهادت می دهیم آقا و سرور همه انبیا و پیامبران است .

علت این آقایی و بزرگی ارتباط عمیق و خالصانه ایشان است ،"عَبَدْ تَ مُخْلِصا حَتی أَتَ-اکَ الْیَقِینُ" و اثر و نتیجه یک چنین ارتباط بی نظیری،" فَبَلغَ ِبکَ أَفَمَحَ ِّ لِّ الْمُکَرمِینَ وَ أَعْ لَی مَنَ-اِزِلِ الْمُقَرِبِینَ وَأَرْفَعَ دَرَجَاتِ الْمُرْسَلِینَ حَیْثُ لَا یَلْحَقُکَ لَاحِقٌ وَلَایَفُوقُکَ فَائِقٌ وَلَایَسْبِقُکَ سَا بِقٌ وَلَایَطْمَعُ فِی إِدِرَاکِکَ طَامِع"" "class="content_notelink (href="#content_note_28_1">(1)

می باشد .

همه ما در ارتباط هایمان این نکته را در نظر می گیریم، با کسی ارتباط بر ق-رار کن-یم ک-ه قوی و نیرومند، مهربان و با گذشت، ثروتمند و کریم، و مانند اینها باشد .

به نظر شما غیر از خدای مهربان کسی را سراغ دارید که همه این خصوص-یات را در ح-دکمال باشد؟

همانطور که دانستید، ارتباطی بهترین خواه-د ب-ود ک-ه ص-ادقانه و خالص-انه و خ-الی از هرگونه ناخالصی باشد .به همین علت خدای متعال، خلیل، حبیب ،روح و ذبیح را ب-ه خ-ودش نسبت داده است .

بیان داستان

در زمان حضرت موسی(ع) اهل شهر از معصیت جوانی فاسق به تنگ آمدند. زمانی گذش-ت .

ازجانب خداوند به موسی خطاب شد: "موسی ،او را از این دیار بیرون کن".

از آنجا بیرونش کردند او به شهر دیگری رفت و از آنجا هم بیرونش کردند. بر فراز کوهی رفت و طولی نکشید که در غاری مریض شد، کسی نبود از او پرستاری کن-د . ج-وان ص-ورت روی خاک نهاد و عرض کرد: "پروردگار من ،اگر مادرم بر بالینم حاضر بود، برای غریبی م-ن گریه می کرد .حال که پدر و مادر را از من جدا ساختی، رحمتت را از من قطع مکن و چنانچ-ه دل من به آتش فراق آنان سوخت، به آتش غضب خود مسوزان".

چون مناجاتش را پایان برد، ازجانب پروردگار به حور و غلمان خطاب شد:

"به صورت پدر و مادر و فرزندان او درآیید و بر بالینش حاضر شوید".

جوان چشم گشود .آنان را دید و خوشحال شد و از دنیا رفت.

ص: 28

4. درد دل

راهبرد جلسه

در این جلسه به یکی از دغدغه های فکری جوانان که "آیا خدا وجود دارد؟" و "اگر وجود دارد پس این همه مشکلات از کجاست؟" پاسخ می دهیم .

جذابیت اولیه

مردی برای اصلاح سر و صورتش به آرایشگاه رفت. در بین کار گفت وگوی جالبی بین آنه-اصورت گرفت. آنها درباره موضوعات و مطالب مختلف صحبت کردند. وقتی به موضوع "خدا" رسیدند. آرایشگر گفت: من باور نمی کنم خدا وجود داش-ته باش-د. مش-تری پرس-ید: چ-را ب-اورنمی کنی؟ آرایشگر جواب داد: کافی است به خیابان بروی تا ببینی چرا خدا وجود ندارد. به من بگو اگر خدا وجود داشت، این همه آدم مریض می شدند؟ بچه ها یتیم م-ی ش-دند؟ اگ-ر خ-دایی وجود دارد ،نباید درد و رنجی هم وجود داشته باشد. نمی توانم خدای مهربانی را تصور کنم که اجازه م یدهد این همه درد و رنج وجود داشته باشد. مشتری لحظ های فکر کرد، ما جوابی نداد؛ چون نمی خواست جروبحث کند .آرایشگر کارش را که تم-ام ک-رد. مش-تری از پش-ت شیش-ه مردی را با موهای بلند، کثیف و ریش اصلاح نکرده دید. رو به آرایشگر کرد و گفت: به نظر من هیچ آرایشگری وجود ندارد. آرایشگر گفت: چرا چنین حرفی می زنی؟ من آرایش-گرم و هم-ین الان موهای تو را کوتاه کردم. مشتری گفت: نه؛ آرایشگرها وج-ود ندارن-د؛ چ-ون اگ-ر وج-ودداشتند هیچ کس مثل مردی که بیرون است ،با موهای بلند و کثیف پیدا نمی شد. آرایشگر که انگار متوجه اشتباهش شده بود گفت: نه بابا!آرایشگرها وجود دارند؛ موض-وع ای-ن اس-ت ک-ه مردم به آنها مراجعه نمی کنند. پس خدا هم وجود دارد؛ فقط مردم به او مراجع-ه نم-ی کنن-د و

دنبالش نمی گردند؛ برای همین است که این همه درد و رنج در دنیا وجود دارد.

1- مستدرک الوسایل، ج ۳، ص ۱۷۵ ۱. میرزا حسین نوری

5. گفت وگو با کدام خدا

راهبرد جلسه

در این جلسه به تبیین این موضوع می پردازیم که خداوند متعال "أرحم الرَّاحمین" است. نه تنها نباید از او ترسید؛ بلکه بهترین دوست و همدم ما می باشد .

جذابیت اولیه

پیش از اینها فکر می کردم خان----ه ای دارد کن----ار ابره----ا

ط--لامث--ل قص--ر پادش--اه قص--ه ه--اخش--تی از الم--اس، خش--تی از

پایه های برجش از ع-اج و بلور سر تختی نشست باغرور

م--اه ب--رق ک--وچکی از ت--اج اوه-ر س-تاره پ-ولکی از ت-اج او

ه-ر س-تاره پ-ولکی از ت-اج اوم--اه ب--رق ک--وچکی از ت--اج او

اطل---س پی---راهن او آس---مان نق--ش روی دام--ن او کهکش--ان

رعد و برق شب ،طنین خندهاش س---یل و طوف---ان، نع---ره توفن---ده اش

دکم---ه پی--راهن او آفت--اب ب-رق تی-غ خنج-ر او ماهتاب

هیچکس از جای او آگاه نیس-ت هیچکس را در حضورش راه نیست

پیش از اینها خاطرم دلگیر ب-ود از خ--دا در ذه--نم ای--ن تص--ویر ب--ود

آن خدا بی رحم بود و خشمگین خان---ه اش در آس---مان، دور از زم---ین

ب--ود، ام--ا در می--ان م--ا نب--ود مهرب--ان و س--اده و زیب--ا نب--ود

در دل او دوستی جایی نداش-ت مهرب--انی ه--یچ معن--ایی نداش--ت

هرچه می پرس-ید م از خ-و د از خ-د ا از زم---ین از آس---مان از ابره---ا زود م--ی گفتن--د ای--ن ک--ار خداس--ت پرس وجو از کار او کاری خطاست با همین قصه دلم مشغول ب-ود خواب هایم، خواب دیو و غول ب-ود خواب می دیدم که غ-رق آتش-م در ده---ان اژده---ای سرکش---م

ص: 21

نی--ت م--ن، در نم--از و در دع--ا ت--رس ب--ود و وحش--ت از خش--م خ--دا

هرچه می کردم همه از ت-ر س ب-و د مث--ل از ب--ر ک--ردن ی--ک درس ب--ود تلخ، مثل خن-ده ای ب-ی حوص-له س--خت، مث--ل ح--ل ص--دها مس--ئله تا که یک شب دست در دس-ت پ-در راه افت--ادم ب--ه قص--د ی--ک س--فر

خان--ه ای دی--دیم، خ--وب و آش--نادر می--ان راه، در ی--ک روس--تا

گفت: اینجا خان-ه خ-وب خداس-ت زود پرسیدم پدر اینج-ا کجاس-ت؟

خانه اش اینجاست اینجا در زمین؟گفتمش پس آن خدای خش-مگی ن

ف-رشه-ایش از گل- یم و بوریاس- تگفت: آری خان-ه او ب-ی ریاس-ت

مث--ل ن--وری در دل آیین--ه اس--ت مهربان و ساده و بی کینه اس-ت

ن--ام او ن--ور و نش--انش روش--نی عادت او نیست خشم و دشمنی

مث--ل قه--ر مهرب--ان م--ادر اس--ت قهر او، از آشتی شیرین تر اس-ت

ای--ن خ--دای مهرب--ان و آشناس--ت تازه فهمیدم خدایم، ای-ن خداس-ت

از رگ گ--ردن ب--ه م--ن نزدی--کت--ردوستی، از من به من نزدیک تر

دوست باشم دوست، پاک و بی ریامی توانم بعد از این، با این خ-دا

ص--اف و س--اده مث--ل بلب--ل ح--رف زدمی توان درب-اره گ-ل ح-رف زد

ب--ا الفب--ای س--کوت، آواز خوان--دمی توان تصنیفی از پرواز خوان-د

ب--ا زب--انی ب--ی الفب--ا ح--رف زدمی توان مثل علف ه-ا ح-رف زد

م--ی ت--وان ش--عری خی--ال انگی--ز گف--تمی ت-وان درب-اره هرچی-ز گف-ت

پیش از اینها فکر می ک-ردم خ-دا (1)مث--ل ای--ن ش--عر روان و آش--نا

سؤال

به نظرشما کدام خدا، خدای واقعی است؟ خدایی که می شود با او راحت حرف زد یا خدایی که ارتباط با او سخت و بی فایده است .

1- قیصرامین پور

خدا در قرآن

قرآن کریم، او را اینگونه معرفی می کند:

"بسم الرحمن الرحیم"(1) خدایی که همیشه و همه جا رحمت و مهربانی اش شامل حال همه بندگانش می باشد؛

"هو الَّذِی یَقْبَلُ التوبهَ عَن عِبَاده"(2)؛ خدا، کسی است که همیشه توبه بندگانش را پذیراست؛

"إنَّ لَغَفُورٌ رَحِیمٌ "؛(3)خدایی که همیشه می بخشد و با مهربانی برخورد می کند؛

و امیرالمؤمنان(ع) خدای متعال را این گونه معرفی می کند: "یا مَ-نْ سَ-بَقَتْ رَحْمَتُ-هُ غَضَ-بَه"(4)؛ خدایی که رحمت، لطف و مهربانی اش، همیشه بر خشم و غضبش پیشی گرفته است.

خدایا ،به ما کمک کن تا آنگونه که هستی بشناسیمت.

ص: 23

1- ابتدای همهٔ سوره ها .
2- شوری: ۲۵.
3- نحل: ۱۸.
4- دعای کمیل

6. بهترین هم کلام

راهبرد جلسه

در این جلسه، به تبین این موضوع می پردازیم که عاشق و معشوق به دنبال فرصتی برای هم کلام شدن می گردند .این مطلب در قالب داستانی کوتاه و آیاتی از قرآن کریم ارائه می شود.

جذابیت اولیه

جذابیت اولیه (1)

کشتی در یک سفر دریایی در میان طوفان شکست و غرق شد. تنها دو مرد توانس-تند نج-ات پیدا کنند و شنا کنان خود را به جزیره کوچکی برسانند. آن دو هیچ چاره ای ندیدن-د ج-ز دع-اکردن و کمک خواستن از خداوند متعال. جالب اینکه، هر کدام ادعا می کردند هم کلامی بهت-رازخدا ندارد وخدا او را بیشتر دوست دارد و دعای او را زودتر اجابت خواهد کرد. تصمیم گرفتند که جزیره را به دو قسمت تقسیم کنند و هر کدام در قسمت خودش دست به دع-ا ب-ردارد ت-ابببینند کدام یک زودتر به خواسته هایش می رسد. نخستین چیزی که هردو از خدا خواستند، غذا بود .ص-بح روز بع-د م-رد اول، می-وه ای را ب-الا ی درخت-ی در قس-مت خ-ودش دی-د و ب-ا آن گرسنگی اش را بر طرف کرد؛ اما سرزمین مرد دوم هنوز خالی از هر گیاه و نعمتی ب-ود . هفت-ه بعد دو جزیره نشین احساس تنهایی کردند .مرد اول دست ب-ه دع-ا برداش-ت و از خ-دا طل-به مسر کرد. روز بعد کشتی دیگری شکست و غرق شد و تنها نجات یافته آن یک زن بود که به طرف بخشی که مرد اول قرار داشت شنا کرد. در سمت دیگر مرد دوم هنوز هیچ همراهی نداشت .

بار دیگر مرد اول از خداوند طلب لباس و غذای بیشتری نمود. در روز بعد مثل اینکه جادو شده باشد، همه چیزهایی که خواسته بود برای او فراهم میشد .اما مرد دوم هنوز هیچ چی-ز

1- مربی داستان را با جذابیت بیان کند.

نداشت .سرانجام مرد اول از خدا طلب یک کشتی نمود تا او و همس-رش آن جز ی-ره را ت-رک کنند. صبح روز بعد مرد، کشت ی را که در قسمت او لنگر انداخته بود پیدا ک-رد و ب-ا همس-رش سوار کشتی شد و تصمیم گرفتند جزیره را بدون مرد دوم ترک کنند. با خودش فکر م-یک-رد که مرد دوم شایسته دریافت نعمت های الهی نیست چرا که هیچ کدام از درخواست ه-ا ی او از طرف پروردگار پاسخ داده نشده بود. هنگامی که کشتی آماده ترک جزیره بود مرد اول ن-دا یی از آسمان شنید: "چرا همراه خود را در جزیره تنها م یگذاری؟"

مرد اول پاسخ داد: نعمت ها تنها برای من است. من تنها کسی بودم که ب-را ی آنه-ا دع-اکردم، اما دعاهای او مستجاب نشد، پس سزاوار هیچ کدام نیست؛ ندا آمد: "تو اشتباه می کنی او تنها کسی بود که من دعاهایش را مستجاب کردم و الا تو نیز هیچ کدام از نعمت های م-رادریافت نمی کردی!"

مرد پرسید: مگر او چه دعایی کرده که من باید بدهکارش باشم؟ او دعا کرد که همه دعاهای تو مستجاب شود.

در مذهب عاشقان قرار دگ-ر اس-ت وی--ن ب--اده ن--اب را خم--ار دگ--ر اس--ت هر علم که در مدرسه، حاصل گردد کار دگر است و عشق کار دگر است

دوستی پایدار

دوست، صدیق، خلیل و حبیب درست است که با هم فرق دارند، اما به دو نفری گفته می شود که بین آنها یک رابطه قلبی و تعلق خاطری وجود داشته باشد.

عزیزان من، تابه حال دوتا دوست صمیمی دیده اید؟

محبت حاکم بین دو دوست صمیمی ب-ه گون-ه ای اس-ت ک-ه هرک-دام ب-ه دنب-ال فرص-تی می گردند تا با هم صحبت کنند. نماز، قرارگاه عشقِ عاشق دل باخته حضرت حق ج-ل جلال-هاست. کسی نماز می خواند که عاشق باشد؛ چون عاشق دوست دارد ب-ا معش-وقش ه-م ک-لامباشد؛ مثل موسای کلیم: "وَکَلَّمَ موسی تکْلیما"(1)وقتی خدا از حضرت موسی(ع) پرس-ید : ای-ن

1- . "و خداوند متعال با حضرت موسی(ع) صحبت می کرد، صحبت کردنی" (نساء: .)١٦٤

چیست در دستانت؟" وَما تِلْکَ بِیَمینِکَ یا مُوسی"(1)حضرت موسی(ع) می توانست بگوید: "عص-ا " و دیگر ادامه ندهد؛ اما شروع می کند به توضیح و تفصیل دادن: "قالَ هِیَ عَصایَ أَتَوَکَّ ؤُا عَلَیْها وَأَهُشُ بِها عَلی غَنَمی وَ لِیَ فیها مَآرِبُ أُخْری"(2)؛ این عصای من است. به آن تکی-ه م-یده-م . ب-ا آن ب-رای

گوسفندانم از درختان برگ می ریزم ،و خیلی کارهای دیگر [به کمکش راه می روم، دفع دشمن می کنم و...] انجام می دهم. حضرت موسی(ع) چون عاشق خدای متعال بود، همیشه به دنبال فرصتی می گشت تا با خدا بیشتر گفت وگو کند؛ چون خدا را از همه چی-ز و هم-ه ک-س بیش-تردوست داشت: " وَّ الذینَ آمَنُوا أَشَدحُباّ للِه ".(3) نماز، یعنی همکلامی با بهترین .

شما چقدر دوست دارید با خدا همکلام شوید؟

خدایا ،به ما توفیق بده تا از صحبت با تو لذت ببریم. آمین .

1- طه : 17.
2- طه: 18.
3- "کسانیکه خدای متعال را باور دارند، او را از همه چیز بیشتر دوست دارند" (بقره: ١٦٥

7. بهترین ارتباط

راهبرد جلسه

ارتباط با خداوند متعال در صدر تعالیم قرآنی قرار دارد و سرلوحه برنامه همه انبیا و اولیا، ایجاد ارتباط بین بنده و معبود بوده است.

در این درس به یاری خدا، سعی می کنیم با بهترین نوع ارتباط آشنا شویم.

جذابیت اولیه

مربی گرامی ،ابتدا سؤالات زیر را پشت سر هم و سریع از دانش آموزان بپرسد .

خلیل ا، روح ا، ذبیح ا، حبیب ا، لقب کدامی ک از انبیای عظام می باشد؟

در صورت متوجه نشدن دانش آموزان، به صورت واضح تر سؤالات را طرح ک-رده، از آن-ان پاسخ را بخواهد .

- خلیل ا لقب کدام یک از انبیای عظام می باشد و به چه معناست؟ حضرت ابراهیم(ع)، دوست خدا.

- روح ا لقب کدام یک از انبیای عظام می باشد و به چه معناست؟ حضرت عیسی(ع)به معنای نسیم الهی.

- ذبیح ا لقب کدام یک از انبیای عظام می باشد و به چه معناست؟ حضرت اسماعیل(ع)، قربانی در راه خدا.

- حبیب ا لقب کدام یک از انبیای عظام می باشد و به چه معناست؟ حضرت محمد(ص)، محبوب خدا .

دوستان من، همانطور که می بینید تمامی این القاب به کلمه "ا"جلَّ جلاله اضافه شده است. این به معنای ارتباط عمیق و قوی بین بهترین ها با خدای متع-ال م-ی باش-د و بر اس-اسقوت و ضعف همین ارتباط، این القاب به انبیا نسبت داده شده است. ش-اهد ب-ر اینک-ه خ-اتم الانبیا(ص)

محبوب خداوند متعال است ،این فرمایش است که: "أَنَّهُ سَيِّدُ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ وَأَنَّهُ سَيِّدُ الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِين"؛ شهادت می دهیم پیامبر اکرم(ص) آقا و سرور اول-ین و آخ-رین اس-ت وشهادت می دهیم آقا و سرور همه انبیا و پیامبران است .

علت این آقایی و بزرگی ارتباط عمیق و خالصانه ایشان است ،"عَبَدْ تَ مُخْلِصا حَتی أَتَ-اکَ الْیَقِینُ" و اثر و نتیجه یک چنین ارتباط بی نظیری،" فَبَلغَ ِبکَ أَفَمَحَ ِّ لِّ الْمُکَرمِینَ وَ أَعْ لَی مَنَ-اِزِلِ الْمُقَرِبِینَ وَأَرْفَعَ دَرَجَاتِ الْمُرْسَلِینَ حَیْثُ لَا یَلْحَقُکَ لَاحِقٌ وَلَایَفُوقُکَ فَائِقٌ وَلَایَسْبِقُکَ سَا بِقٌ وَلَایَطْمَعُ فِی إِدِرَاکِکَ طَامِع"" "class="content_notelink (href="#content_note_28_1">(1)

می باشد .

همه ما در ارتباط هایمان این نکته را در نظر می گیریم، با کسی ارتباط بر ق-رار کن-یم ک-ه قوی و نیرومند، مهربان و با گذشت، ثروتمند و کریم، و مانند اینها باشد .

به نظر شما غیر از خدای مهربان کسی را سراغ دارید که همه این خصوص-یات را در ح-دکمال باشد؟

همانطور که دانستید، ارتباطی بهترین خواه-د ب-ود ک-ه ص-ادقانه و خالص-انه و خ-الی از هرگونه ناخالصی باشد .به همین علت خدای متعال، خلیل، حبیب ،روح و ذبیح را ب-ه خ-ودش نسبت داده است .

بیان داستان

در زمان حضرت موسی(ع) اهل شهر از معصیت جوانی فاسق به تنگ آمدند. زمانی گذش-ت .

ازجانب خداوند به موسی خطاب شد: "موسی ،او را از این دیار بیرون کن".

از آنجا بیرونش کردند او به شهر دیگری رفت و از آنجا هم بیرونش کردند. بر فراز کوهی رفت و طولی نکشید که در غاری مریض شد، کسی نبود از او پرستاری کن-د . ج-وان ص-ورت روی خاک نهاد و عرض کرد: "پروردگار من ،اگر مادرم بر بالینم حاضر بود، برای غریبی م-ن گریه می کرد .حال که پدر و مادر را از من جدا ساختی، رحمتت را از من قطع مکن و چنانچ-ه دل من به آتش فراق آنان سوخت، به آتش غضب خود مسوزان".

چون مناجاتش را پایان برد، ازجانب پروردگار به حور و غلمان خطاب شد:

"به صورت پدر و مادر و فرزندان او درآیید و بر بالینش حاضر شوید".

جوان چشم گشود .آنان را دید و خوشحال شد و از دنیا رفت.

ص: 28

پیوند با بحث

"قال رسول ا(ص):"یاَ عِبَادَّ أَنتُمْ کَالْمَرْضی

وَّ رَ ُّب الْعَالَمِینَ کَالطَّبِیبِ فَصَلَاحُ الْمَ-رْضی فِ-یماَ یَعْلَمُ-هُ الطَّبِیبُ وَ یُدَبرهُ ِبِهِ لَا فِیماَ یَشَهِیهِ الْمَرِ یض" ۱. میرزا حسین نوری"
(class="content_notelink" href="#content_note_20_1">(1

؛ پیامبر اکرم(ص) در سخنانی به یهودیان فرمودند: ای بندگان خدا، شما مانند بیماری هستید که نیاز به معالجه دارد و خدای عالمیان مانن-د پزش-ک است .پس صلاح مریض در آن چیزی است که پزشک می داند و برای آن تدبیر می کن-د ؛ ن-هآن چیزی که خودش مایل است و اشتها دارد.

نتیجه گیری

پس ما اگر مریض باشیم تا به طبیب مراجعه نکنیم و مشکلاتمان را با او در می-ان نگ-ذاریم، نباید توقع رفع مشکلات را داشته باشیم. بله خدای متعال از همه دردهای ما با خبر است و به همین دلیل نماز را به منزله معاینه، معالجه و دیدار خصوصی خود قرار داده که روزی چند بار با او درد دل کنیم و مشکلاتمان را در میان بگذاریم.

خدایا، تو شفا دهنده ای؛ بیماریهای جسمی و روحی ما را شفا بده. آمین .

ص: 20

1- مستدرک الوسایل، ج ۳، ص ۱۷۵ ۱. میرزا حسین نوری

5. گفت وگو با کدام خدا

راهبرد جلسه

در این جلسه به تبیین این موضوع می پردازیم که خداوند متعال "أرحم الرَّاحمین" است. نه تنها نباید از او ترسید؛ بلکه بهترین دوست و همدم ما می باشد .

جذابیت اولیه

پیش از اینها فکر می کردم خان----ه ای دارد کن----ار ابره----ا

ط--لامث--ل قص--ر پادش--اه قص--ه ه--اخش--تی از الم--اس، خش--تی از

پایه های برجش از ع-اج و بلور سر تختی نشست باغرور

م--اه ب--رق ک--وچکی از ت--اج اوه-ر س-تاره پ-ولکی از ت-اج او

ه-ر س-تاره پ-ولکی از ت-اج اوم--اه ب--رق ک--وچکی از ت--اج او

اطل---س پی---راهن او آس---مان نق--ش روی دام--ن او کهکش--ان

رعد و برق شب ،طنین خندهاش س---یل و طوف---ان، نع---ره توفن---ده اش

دکم---ه پی--راهن او آفت--اب ب-رق تی-غ خنج-ر او ماهتاب

هیچکس از جای او آگاه نیس-ت هیچکس را در حضورش راه نیست

پیش از اینها خاطرم دلگیر ب-ود از خ--دا در ذه--نم ای--ن تص--ویر ب--ود

آن خدا بی رحم بود و خشمگین خان---ه اش در آس---مان، دور از زم---ین

ب--ود، ام--ا در می--ان م--ا نب--ود مهرب--ان و س--اده و زیب--ا نب--ود

در دل او دوستی جایی نداش-ت مهرب--انی ه--یچ معن--ایی نداش--ت

هرچه می پرس-ید م از خ-و د از خ-د ا از زم---ین از آس---مان از ابره---ا زود م--ی گفتن--د ای--ن ک--ار خداس--ت پرس وجو از کار او کاری خطاست با همین قصه دلم مشغول ب-ود خواب هایم، خواب دیو و غول ب-ود خواب می دیدم که غ-رق آتش-م در ده---ان اژده---ای سرکش---م

ص: 21

نی--ت م--ن، در نم--از و در دع--ا ت--رس ب--ود و وحش--ت از خش--م خ--دا

هرچه می کردم همه از ت-ر س ب-و د مث--ل از ب--ر ک--ردن ی--ک درس ب--ود تلخ، مثل خن-ده ای ب-ی حوص-له س--خت، مث--ل ح--ل ص--دها مس--ئله تا که یک شب دست در دس-ت پ-در راه افت--ادم ب--ه قص--د ی--ک س--فر

خان--ه ای دی--دیم، خ--وب و آش--نادر می--ان راه، در ی--ک روس--تا

گفت: اینجا خان-ه خ-وب خداس-ت زود پرسیدم پدر اینج-ا کجاس-ت؟

خانه اش اینجاست اینجا در زمین؟گفتمش پس آن خدای خش-مگی ن

ف-رشه-ایش از گل- یم و بوریاس- تگفت: آری خان-ه او ب-ی ریاس-ت

مث--ل ن--وری در دل آیین--ه اس--ت مهربان و ساده و بی کینه اس-ت

ن--ام او ن--ور و نش--انش روش--نی عادت او نیست خشم و دشمنی

مث--ل قه--ر مهرب--ان م--ادر اس--ت قهر او، از آشتی شیرین تر اس-ت

ای--ن خ--دای مهرب--ان و آشناس--ت تازه فهمیدم خدایم، ای-ن خداس-ت

از رگ گ--ردن ب--ه م--ن نزدی--کت--ردوستی، از من به من نزدیک تر

دوست باشم دوست، پاک و بی ریامی توانم بعد از این، با این خ-دا

ص--اف و س--اده مث--ل بلب--ل ح--رف زدمی توان درب-اره گ-ل ح-رف زد

ب--ا الفب--ای س--کوت، آواز خوان--دمی توان تصنیفی از پرواز خوان-د

ب--ا زب--انی ب--ی الفب--ا ح--رف زدمی توان مثل علف ه-ا ح-رف زد

م--ی ت--وان ش--عری خی--ال انگی--ز گف--تمی ت-وان درب-اره هرچی-ز گف-ت

پیش از اینها فکر می ک-ردم خ-دا (1)مث--ل ای--ن ش--عر روان و آش--نا

سؤال

به نظرشما کدام خدا، خدای واقعی است؟ خدایی که می شود با او راحت حرف زد یا خدایی که ارتباط با او سخت و بی فایده است .

1- قیصرامین پور

خدا در قرآن

قرآن کریم، او را اینگونه معرفی می کند:

"بسم الرحمن الرحیم"(1) خدایی که همیشه و همه جا رحمت و مهربانی اش شامل حال همه بندگانش می باشد؛

"هو الَّذِی یَقْبَلُ التوبهَ عَن عِبَاده"(2)؛ خدا، کسی است که همیشه توبه بندگانش را پذیراست؛

"إنَّ لَغَفُورٌ رَحِیمٌ "؛(3)خدایی که همیشه می بخشد و با مهربانی برخورد می کند؛

و امیرالمؤمنان(ع) خدای متعال را این گونه معرفی می کند: "یا مَ-نْ سَ-بَقَتْ رَحْمَتُ-هُ غَضَ-بَه"(4)؛ خدایی که رحمت، لطف و مهربانی اش، همیشه بر خشم و غضبش پیشی گرفته است.

خدایا ،به ما کمک کن تا آنگونه که هستی بشناسیمت.

ص: 23

1- ابتدای همهٔ سوره ها .
2- شوری: ۲۵.
3- نحل: ۱۸.
4- دعای کمیل

6. بهترین هم کلام

راهبرد جلسه

در این جلسه، به تبین این موضوع می پردازیم که عاشق و معشوق به دنبال فرصتی برای هم کلام شدن می گردند .این مطلب در قالب داستانی کوتاه و آیاتی از قرآن کریم ارائه می شود.

جذابیت اولیه

جذابیت اولیه (1)

کشتی در یک سفر دریایی در میان طوفان شکست و غرق شد. تنها دو مرد توانس-تند نج-ات پیدا کنند و شنا کنان خود را به جزیره کوچکی برسانند. آن دو هیچ چاره ای ندیدن-د ج-ز دع-اکردن و کمک خواستن از خداوند متعال. جالب اینکه، هر کدام ادعا می کردند هم کلامی بهت-رازخدا ندارد وخدا او را بیشتر دوست دارد و دعای او را زودتر اجابت خواهد کرد. تصمیم گرفتند که جزیره را به دو قسمت تقسیم کنند و هر کدام در قسمت خودش دست به دع-ا ب-ردارد ت-ابببینند کدام یک زودتر به خواسته هایش می رسد. نخستین چیزی که هردو از خدا خواستند، غذا بود .ص-بح روز بع-د م-رد اول، می-وه ای را ب-الا ی درخت-ی در قس-مت خ-ودش دی-د و ب-ا آن گرسنگی اش را بر طرف کرد؛ اما سرزمین مرد دوم هنوز خالی از هر گیاه و نعمتی ب-ود . هفت-ه بعد دو جزیره نشین احساس تنهایی کردند .مرد اول دست ب-ه دع-ا برداش-ت و از خ-دا طل-به مسر کرد. روز بعد کشتی دیگری شکست و غرق شد و تنها نجات یافته آن یک زن بود که به طرف بخشی که مرد اول قرار داشت شنا کرد. در سمت دیگر مرد دوم هنوز هیچ همراهی نداشت .

بار دیگر مرد اول از خداوند طلب لباس و غذای بیشتری نمود. در روز بعد مثل اینکه جادو شده باشد، همه چیزهایی که خواسته بود برای او فراهم میشد .اما مرد دوم هنوز هیچ چی-ز

1- مربی داستان را با جذابیت بیان کند.

نداشت .سرانجام مرد اول از خدا طلب یک کشتی نمود تا او و همس-رش آن جز ی-ره را ت-رک کنند. صبح روز بعد مرد، کشت ی را که در قسمت او لنگر انداخته بود پیدا ک-رد و ب-ا همس-رش سوار کشتی شد و تصمیم گرفتند جزیره را بدون مرد دوم ترک کنند. با خودش فکر م-یک-رد که مرد دوم شایسته دریافت نعمت های الهی نیست چرا که هیچ کدام از درخواست ه-ا ی او از طرف پروردگار پاسخ داده نشده بود. هنگامی که کشتی آماده ترک جزیره بود مرد اول ن-دا یی از آسمان شنید: "چرا همراه خود را در جزیره تنها م یگذاری؟"

مرد اول پاسخ داد: نعمت ها تنها برای من است. من تنها کسی بودم که ب-را ی آنه-ا دع-اکردم، اما دعاهای او مستجاب نشد، پس سزاوار هیچ کدام نیست؛ ندا آمد: "تو اشتباه می کنی او تنها کسی بود که من دعاهایش را مستجاب کردم و الا تو نیز هیچ کدام از نعمت های م-رادریافت نمی کردی!"

مرد پرسید: مگر او چه دعایی کرده که من باید بدهکارش باشم؟ او دعا کرد که همه دعاهای تو مستجاب شود.

در مذهب عاشقان قرار دگ-ر اس-ت وی--ن ب--اده ن--اب را خم--ار دگ--ر اس--ت هر علم که در مدرسه، حاصل گردد کار دگر است و عشق کار دگر است

دوستی پایدار

دوست، صدیق، خلیل و حبیب درست است که با هم فرق دارند، اما به دو نفری گفته می شود که بین آنها یک رابطه قلبی و تعلق خاطری وجود داشته باشد.

عزیزان من، تابه حال دوتا دوست صمیمی دیده اید؟

محبت حاکم بین دو دوست صمیمی ب-ه گون-ه ای اس-ت ک-ه هرک-دام ب-ه دنب-ال فرص-تی می گردند تا با هم صحبت کنند. نماز، قرارگاه عشقِ عاشق دل باخته حضرت حق ج-ل جلال-هاست. کسی نماز می خواند که عاشق باشد؛ چون عاشق دوست دارد ب-ا معش-وقش ه-م ک-لامباشد؛ مثل موسای کلیم: "وَکَلَّمَ موسی تکْلیما"(1)وقتی خدا از حضرت موسی(ع) پرس-ید : ای-ن

1- . "و خداوند متعال با حضرت موسی(ع) صحبت می کرد، صحبت کردنی" (نساء: .)١٦٤

چیست در دستانت؟" وَما تِلْکَ بِیَمینِکَ یا مُوسی"(1)حضرت موسی(ع) می توانست بگوید: "عص-ا " و دیگر ادامه ندهد؛ اما شروع می کند به توضیح و تفصیل دادن: "قالَ هِیَ عَصایَ أَتَوَکَّ ؤُا عَلَیْها وَأَهُشُ بِها عَلی غَنَمی وَ لِیَ فیها مَآرِبُ أُخْری"(2)؛ این عصای من است. به آن تکی-ه م-یده-م . ب-ا آن ب-رای

گوسفندانم از درختان برگ می ریزم ،و خیلی کارهای دیگر [به کمکش راه می روم، دفع دشمن می کنم و...] انجام می دهم. حضرت موسی(ع) چون عاشق خدای متعال بود، همیشه به دنبال فرصتی می گشت تا با خدا بیشتر گفت وگو کند؛ چون خدا را از همه چی-ز و هم-ه ک-س بیش-تردوست داشت: " وَّ الذینَ آمَنُوا أَشَدحُباّ للِه ".(3) نماز، یعنی همکلامی با بهترین .

شما چقدر دوست دارید با خدا همکلام شوید؟

خدایا ،به ما توفیق بده تا از صحبت با تو لذت ببریم. آمین .

1- طه : 17.
2- طه: 18.
3- "کسانیکه خدای متعال را باور دارند، او را از همه چیز بیشتر دوست دارند" (بقره: ١٦٥

7. بهترین ارتباط

راهبرد جلسه

ارتباط با خداوند متعال در صدر تعالیم قرآنی قرار دارد و سرلوحه برنامه همه انبیا و اولیا، ایجاد ارتباط بین بنده و معبود بوده است.

در این درس به یاری خدا، سعی می کنیم با بهترین نوع ارتباط آشنا شویم.

جذابیت اولیه

مربی گرامی ،ابتدا سؤالات زیر را پشت سر هم و سریع از دانش آموزان بپرسد .

خلیل ا، روح ا، ذبیح ا، حبیب ا، لقب کدامی ک از انبیای عظام می باشد؟

در صورت متوجه نشدن دانش آموزان، به صورت واضح تر سؤالات را طرح ک-رده، از آن-ان پاسخ را بخواهد .

- خلیل ا لقب کدام یک از انبیای عظام می باشد و به چه معناست؟ حضرت ابراهیم(ع)، دوست خدا.

- روح ا لقب کدام یک از انبیای عظام می باشد و به چه معناست؟ حضرت عیسی(ع)به معنای نسیم الهی.

- ذبیح ا لقب کدام یک از انبیای عظام می باشد و به چه معناست؟ حضرت اسماعیل(ع)، قربانی در راه خدا.

- حبیب ا لقب کدام یک از انبیای عظام می باشد و به چه معناست؟ حضرت محمد(ص)، محبوب خدا .

دوستان من، همانطور که می بینید تمامی این القاب به کلمه "ا"جلَّ جلاله اضافه شده است. این به معنای ارتباط عمیق و قوی بین بهترین ها با خدای متع-ال م-ی باش-د و بر اس-اسقوت و ضعف همین ارتباط، این القاب به انبیا نسبت داده شده است. ش-اهد ب-ر اینک-ه خ-اتم الانبیا(ص)

محبوب خداوند متعال است ،این فرمایش است که: "أَنَّهُ سَيِّدُ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ وَأَنَّهُ سَيِّدُ الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِين"؛ شهادت می دهیم پیامبر اکرم(ص) آقا و سرور اول-ین و آخ-رین اس-ت وشهادت می دهیم آقا و سرور همه انبیا و پیامبران است .

علت این آقایی و بزرگی ارتباط عمیق و خالصانه ایشان است ،"عَبَدْ تَ مُخْلِصا حَتی أَتَ-اکَ الْیَقِینُ" و اثر و نتیجه یک چنین ارتباط بی نظیری،" فَبَلغَ ِبکَ أَفَمَحَ ِّ لِّ الْمُکَرمِینَ وَ أَعْ لَی مَنَ-اِزِلِ الْمُقَرِبِینَ وَأَرْفَعَ دَرَجَاتِ الْمُرْسَلِینَ حَیْثُ لَا یَلْحَقُکَ لَاحِقٌ وَلَایَفُوقُکَ فَائِقٌ وَلَایَسْبِقُکَ سَا بِقٌ وَلَایَطْمَعُ فِی إِدِرَاکِکَ طَامِع"" "class="content_notelink (href="#content_note_28_1">(1)

می باشد .

همه ما در ارتباط هایمان این نکته را در نظر می گیریم، با کسی ارتباط بر ق-رار کن-یم ک-ه قوی و نیرومند، مهربان و با گذشت، ثروتمند و کریم، و مانند اینها باشد .

به نظر شما غیر از خدای مهربان کسی را سراغ دارید که همه این خصوص-یات را در ح-دکمال باشد؟

همانطور که دانستید، ارتباطی بهترین خواه-د ب-ود ک-ه ص-ادقانه و خالص-انه و خ-الی از هرگونه ناخالصی باشد .به همین علت خدای متعال، خلیل، حبیب ،روح و ذبیح را ب-ه خ-ودش نسبت داده است .

بیان داستان

در زمان حضرت موسی(ع) اهل شهر از معصیت جوانی فاسق به تنگ آمدند. زمانی گذش-ت .

ازجانب خداوند به موسی خطاب شد: "موسی ،او را از این دیار بیرون کن".

از آنجا بیرونش کردند او به شهر دیگری رفت و از آنجا هم بیرونش کردند. بر فراز کوهی رفت و طولی نکشید که در غاری مریض شد، کسی نبود از او پرستاری کن-د . ج-وان ص-ورت روی خاک نهاد و عرض کرد: "پروردگار من ،اگر مادرم بر بالینم حاضر بود، برای غریبی م-ن گریه می کرد .حال که پدر و مادر را از من جدا ساختی، رحمتت را از من قطع مکن و چنانچ-ه دل من به آتش فراق آنان سوخت، به آتش غضب خود مسوزان".

چون مناجاتش را پایان برد، ازجانب پروردگار به حور و غلمان خطاب شد:

"به صورت پدر و مادر و فرزندان او درآیید و بر بالینش حاضر شوید".

جوان چشم گشود .آنان را دید و خوشحال شد و از دنیا رفت.

ص: 28